

مارك آنسل

اعدام

ترجمة مصطفى رحيمي



افشارات پیام

گزارش سازمان ملل متحد
درباره

اعدام

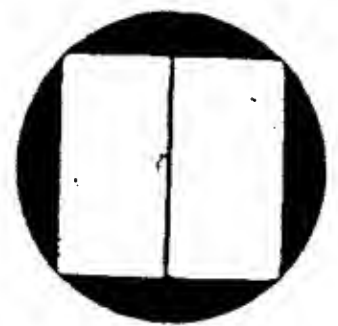
نوشته

مارك آنسلى

مشار ديوان کشور فرانسه و رئيس بخش جزائى مؤسسه حقوق تطبيقى پاریس

ترجمه

مصطفى رحيمى



انتشارات پیام

انتشارات پیام - تهران - شاهرضا - مقابل دانشگاه

چاپ اول - زمستان ۱۳۵۰

چاپخانه کاویان

حق چاپ برای مترجم محفوظ است .

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۲۹۶ مورخ ۵۰/۱۱/۱۳

به جای مقدمه

اگر ترجمه فارسی این کتاب چند سالی دیر منتشر می شود، علت آن است که در این مدت هیچ ناشری حاضر نمی شد سرمایه خود را در راه انتشار اثری حقوقی به خطر اندازد.

چندین سال پیش، که اتفاقاً کار اداری و ذوقی من در مدتی کوتاه تا حدی با هم تطبیق یافته بود، این کتاب را به عنوان کاری اداری ترجمه کردم و از آن روز تا به حال ترجمه در انتظار انتشار در بنگاه های نشر دولتی و غیر دولتی دست به دست می گردد.

اگر کتاب در همان روزها به چاپ می رسید چه بسا که در آغاز آن سخنی به عنوان مقدمه می آمد.

اما امروز همین بس که مارک آنسل، نویسنده کتاب، از صاحب نظران حقوق جزا و یکی از بنیانگذاران مکتب «دفاع اجتماعی» است که شاید بتوان آن را نتیجه آخرین تحولات حقوق جزا دانست.

به رغم فروتنی های بسیار مؤلف در ابتدای کلام، کتاب حاضر دارای مطالب مهم حقوقی و جامعه شناسی است: آیا همه کشورها می توانند مجازات اعدام را بی آن که موجب افزایش تبهکاری شود لغو کنند؟

چه کشورهایی این مجازات را همچنان محفوظ داشته‌اند و کدام آن را لغو کرده‌اند؟ دلایل هر کدام چیست؟ در جهان کنونی چه جرم‌هایی مجازات اعدام دارد؟ افکار عمومی کشورها در این باره چگونه دآوری می‌کند؟ نظریه متفکران و جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان درباره اعدام چیست؟ نویسندگان کوشیده است تا این مسائل و ده‌ها مسئله نظیر آن را با بیطرفی خاص دانشمندان روشن کند.

مطالب کتاب زاده اندیشه يك نفر نیست : صدها کارشناس فن در سراسر جهان معلومات نخستین را، که اساس کار مؤلف بوده، گرد آورده‌اند. در اوایل کتاب، مطالب بیشتر فنی است، اما در بخش مطالعات جامعه‌شناسی نکاتی مطرح می‌شود که جویای مسائل اجتماعی را، هر چند به مسائل حقوقی بی‌علاقه باشد، راضی می‌کند.

مترجم

فهرست

صفحه	بند	
۹		سرآغاز
۱۲	۱-۱۲	مقدمه
۱۲	۱-۶	اول - ملاحظات کلی
		دوم - فهرست کشورها و سرزمین‌هائی که مجازات
۱۸	۷-۱۲	اعدام در آنها باقی است یا لغو شده است
۲۳	۱۳-۹۷	فصل اول - مسائل قضائی
		بخش یکم - کشورها و سرزمین‌هائی که مجازات اعدام
۲۳	۱۳-۸۲	در آنها اجرا می‌شود

اول- اعدام در قوانین جزائی

۲۳ ۱۳-۳۷

الف- اجباری یا اختیاری بودن اعدام

۲۳ ۱۳-۱۹

ب- عوامل منتفی شدن صدور حکم اعدام که در قوانین

۲۷ ۲۰-۳۷

مختلف پیش بینی شده و بوسیله داد گاهها اعمال می شود

۱- وضع جسمی یا روحی متهم

۲۸ ۲۱-۳۷

۲- مسئولیت ناتمام

۳۳ ۲۸-۳۲

۳- کیفیات تخفیف دهنده

۳۵ ۳۳-۳۷

دوم - حکم اعدام در قوانین جاری کشورها

۳۸ ۳۸-۵۶

۱- مراجع صالح برای صدور حکم

۳۸ ۳۸-۴۳

۲- مجازاتهای تبعی اعدام

۴۱ ۴۴-۴۸

۳- راههای شکایت از حکم اعدام

۴۴ ۴۹-۵۶

سوم - اجرای حکم اعدام

۵۰ ۵۷-۸۲

الف - وضع قانونی اجرای حکم

۵۰ ۵۷-۶۷

۱- طریقه اعدام

۵۰ ۵۷-۶۲

۲- اعدام در ملاء عام

۵۳ ۶۳-۶۷

ب - معافیت از اجرای حکم اعدام

۵۷ ۶۸-۸۲

۱- معافیت های قانونی

۵۷ ۶۸-۷۱

۲- عفو

۵۹ ۷۲-۷۸

۳- عفو عمومی

۶۲ ۷۹-۸۲

بخش دوم - کشورها و سرزمین هایی که مجازات

اعدام در آنها اجرا نمی شود

۶۵ ۸۳-۹۷

الف - لغو اعدام

۶۵ ۸۳-۹۰

ب - مجازاتی که جانشین اعدام می شود

۷۳ ۹۱-۹۷

فصل دوم - مسائل عملی مربوط به اعدام ۷۷ ۹۸-۱۸۹

اول - جرائمی که در قوانین مختلف امروز

مجازات اعدام دارد ۷۹ ۱۰۰-۱۴۳

۱- جرائم برضد اشخاص ۸۰ ۱۰۲-۱۲۵

۲- جرائم برضد اموال و جرائم اقتصادی ۸۷ ۱۲۶-۱۳۰

۳- جرائم برضد مصالح عمومی و جرائم سیاسی ۸۸ ۱۳۱-۱۴۳

دوم - اطلاعات و نتایجی که از آمارها

به دست آمده است ۹۳ ۱۴۴-۱۶۷

۱- آمار محکومیتها و اعدامهای اجرا شده

در پنج سال اخیر ۹۳ ۱۴۴-۱۴۸

۲- مقایسه آمار تعقیب شدگان یا متهمین با

محکومین و اعدام شدگان ۹۶ ۱۴۹-۱۶۷

سوم - شرایط اجرای حکم اعدام ۱۰۳ ۱۶۸-۱۸۹

۱- فاصله میان ارتکاب جرم، تعقیب،

محکومیت، اجرای حکم ۱۰۳ ۱۶۸-۱۷۰

۲- تعیین تاریخ اجرای اعدام و وضع محکوم

از زمان محکومیت تا اجرای حکم ۱۰۵ ۱۷۱-۱۸۱

۳- محکومیتهای فسخ شده یا احکام اجرا نشده ۱۰۹ ۱۸۲-۱۸۴

۴- تعلیق حکم اعدام ۱۱۱ ۱۸۵-۱۸۸

۵- حقوق خانواده کی در مواردی که اشتباه

قضائی مسلم شود ۱۱۳ ۱۸۹

فصل سوم - مسائل مربوط به جامعه شناسی و جرم شناسی ۱۱۶ ۱۹۰-۲۵۵

اول - آثار اعدام ۱۱۸ ۱۹۱-۲۰۲

۱- اطلاعاتی که اکنون در دست داریم ۱۱۸ ۱۹۱-۱۹۵

۲- لغو مجازات اعدام و منحنی تغییرات جرائم ۱۲۰ ۱۹۶-۱۹۹

۳- مقایسه شماره اعدامها با تغییرات جرائم ۱۲۴ ۲۰۰-۲۰۲

دوم - اعدام و افکار عمومی

۱۲۶ ۲۰۳-۲۳۰

۱۲۶ ۲۰۳-۲۰۷ ۱- وضع کلی افکار عمومی

۲- عکس العمل افکار عمومی در مورد اجرای

۱۳۰ ۲۰۸-۲۱۲ حکم اعدام

۱۳۱ ۲۱۳-۲۳۰ ۳- وضع کنونی موافقان و مخالفان اعدام

سوم - نظریه متخصّصان و سازمانهای

۱۴۰ ۲۳۱-۲۴۶ صلاحیتدار

۱۴۰ ۲۳۱-۲۳۸ ۱- عقیده صاحب نظران

۱۴۴ ۲۳۹-۲۴۶ ۲- نظریه مذاهب عیسوی و جمعیت‌های
تخصّصی

چهارم - طرحهای کنونی درباره

۱۵۰ ۲۴۷-۲۵۵ مجازات اعدام

سر آغاز

در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی ملل متحد در چهاردهمین دوره کار خود به موجب تصمیم شماره ۱۳۹۶ از شورای سازمان ملل خواست که مطامعه‌ای درباره مجازات اعدام و قوانین مربوط بدان و طرز عمل کشورها در این موضوع به عمل آورد و نتایج و آثار ابقاء و الغای مجازات اعدام را در زمینه جرم شناسی بررسی کند. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل پس از بررسی این دستور در ۶ آوریل ۱۹۶۰ به موجب تصمیم شماره ۷۴۷ «روشی را که در مورد مطالعه مسئله اعدام باید در پیش گرفت» تصویب کرد. در این تصمیم تشریح شد که باید تحقیقی درباره جنبه‌های مختلف عملی مجازات اعدام صورت پذیرد و از دبیرکل سازمان خواسته شد که وسایل انجام این تحقیق را فراهم آورد و بدین منظور در صورت اقتضاء با کمیته مشورتی خاص کارشناسان در خصوص جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان (که به موجب تصمیم شماره

۴۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس شده است) مشورت کند . پس از آن مقرر شد که مطالعه درباره این امر به دو مرجع محول شود: یکی کمیته مشورتی خاص کارشناسان که در ژانویه ۱۹۶۳ تشکیل جلسه میداد و دیگری شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که در آوریل ۱۹۶۳ سی و پنجمین جلسه آن افتتاح میشد.

گزارش حاضر درباره مجازات اعدام به وسیله مارک آنسل^۱ مستشار دیوان کشور فرانسه و مدیر بخش جزائی مؤسسه حقوق تطبیقی پاریس، تهیه و تنظیم شده است.

به منظور جمع آوری مدارک و اطلاعات لازم برای تهیه مقدمات تحقیق در این امر مدیر کل سازمان برای تمام دولت های عضو و بعضی از دولت های غیر عضو پرسش نامه ای فرستاد. پاسخ به این پرسش نامه اطلاعاتی درباره قوانین و مقررات جاری مربوط به اعدام و طرز اجرا و اعمال آن مقررات به دست میداد. پرسش نامه دیگری برای نمایندگان محلی سازمان ملل که به منظور پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان تعیین شده بودند فرستاده شد، این پرسش نامه می بایست اطلاعاتی در باره آثار مجازات اعدام از نظر پیشگیری از وقوع جرم و نیز اطلاعاتی درباره نتایج و عواقب الغای این مجازات فراهم کند. پرسشنامه مذکور برای بعضی از مؤسسه های غیر دولتی نیز فرستاده شد.

برای تنظیم گزارش حاضر نویسنده بنای کار خود را بر اساس جوابهائی نهاده که به دو پرسشنامه سازمان ملل داده شده است.

همچنین نویسنده از اطلاعاتی که خود شخصاً به دست آورده استفاده کرده است.

بعلاوه شورای اروپا به طور افتخاری قبول کرد که نویسنده این مجموعه از اسنادی که شورای مذکور جمع آوری کرده بود استفاده کند. باید دانست که نویسنده این رساله مخبر کمیته‌ای فرعی نیز بوده که شورای اروپا به منظور مطالعه مسائل جزائی این قاره انتخاب کرده بود. وی با این مأموریت پیش از این هم در خصوص مسئله اعدام در کشورهای عضو شورای اروپا تحقیقی کرده بوده است.

شورا نتیجه این تحقیق را به سال ۱۹۶۲ در رساله‌ای که بوسیله مارک آنسل تهیه شده بود زیر عنوان «مجازات اعدام در کشورهای اروپائی» منتشر کرده است.

مقدمه

اول - ملاحظات کلی

۱ - موضوع اعدام سالیان دراز فقط به صورت مسئله‌ای «دانشگاهی» مطرح بوده است.

تا مدت‌ها چنین بنظر میرسید که درباره مسئله حادی که بکار یا^۱ در نیمه دوم قرن هیجدهم مطرح کرده بود همه گفته‌ها گفته شده و حتی مخالفت‌های بعدی نیز پایان رسیده است.

با وجود این در فاصله دو جنگ بزرگ جهانی حقوق جزای کشورهایی که قدرت در دست يك حزب بود به مسئله اعدام حدتی فوق‌العاده داد.

در پایان جنگ دوم، تمایلات بشردوستانه‌ای به صورت حمایت از حقوق انسانی و حفظ مقام بشری، که بر اساس لغو مجازات

۱ - دانشمند اقتصاد و حقوقدان مشهور ایتالیائی قرن هیجدهم که کتاب او به نام «جرائم و مجازاتها» (۱۷۶۴) معروف است.

اعدام استوار بود، دوباره ظاهر شد. انجمن پادشاهی انگلیسی به فاصله کمی پس از جنگ به بررسی عمیقی درباره مجازات اعدام پرداخت (۱۹۴۹-۱۹۵۳) که انعکاس و تأثیر جهانی آن قابل ملاحظه بود.

انجمن بزرگ حقوق جزای آلمان غربی که برای اصلاح قانون جزای این کشور تأسیس یافته بود يك جلد از تحقیقات خود را به مسئله اعدام اختصاص داد (۱۹۵۹).

کشورهای مختلف دیگر مانند کانادا و بعضی از ایالت‌های متحد آمریکای شمالی نیز انجمن‌هایی در این خصوص تشکیل دادند یا به بررسی‌هایی در این زمینه پرداختند.

مجموع این اقدام‌ها در کشورهای متحد آمریکا موضوع يك شماره جالب از «سالنامه علوم سیاسی و اجتماعی فرهنگستان آمریکا»^۱ قرار گرفت.

همچنین «مجله جرم‌شناسی و پلیس فنی»^۲ چاپ ژنو شماره مخصوصی به موضوع اعدام اختصاص داد.^۳

بیشتر مجله‌های جرم‌شناسی باین موضوع توجه کردند و طرح آن‌را در این زمان لازم دانستند. در همین هنگام در اتحاد جماهیر-شوروی نیز به موجب اصلاحاتی که در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۶۰-۱۹۵۸ در قانون جزای این کشور صورت گرفت مسئله اعدام دوباره مطرح شد.

1- Annal of the American Academy of political and Social Science.

2- Revue de criminologie et de police technique.

۳- مجله مذکور، چاپ ژنو شماره اول از صفحه ۱ تا ۱۲۴ مورخ ژانویه

بسال ۱۹۵۹ مجلس بحثی در این باره در آتن بوسیله مؤسسه «پانتیوس»^۱ تشکیل یافت که بزودی بدنبال آن مجالس بحث متعددی در کشورهای دیگر، از جمله «روایومون»^۲ در فرانسه، تشکیل گردید. کمیته اروپائی که از طرف شورای اروپا تأسیس شد به محض تشکیل، بررسی «وضع کنونی اعدام در کشورهای اروپائی» را جزء برنامه کار خود قرار داد.

این ها چند نمونه ناقص از اقدامات زیادی است که در این زمینه صورت پذیرفته است. اما همین نمونه ها کافی است تا نشان دهد که امروز مسئله اعدام مورد توجه زیاد متخصصان علم جزا و جرم شناسی و مورد علاقه افکار عمومی کشورهای مختلف جهان است. اضافه بر این مجموع کتابها و مقاله های جالبی که بتازگی، مخصوصاً بزبان انگلیسی، در این باره نوشته شده گواه بر این ادعا است.

۲ - براساس مدارکی که در پاسخ دو پرسش نامه سازمان ملل متحد به دست آمد تصمیم گرفته شد که گزارش جامعی شامل سه رشته از مسائل مربوط به ابقاء یا الغای مجازات اعدام بشرح زیر تنظیم شود:

نخستین رشته این مسائل، مربوط به قانون کشورهای مختلف است، از این قبیل که در چه مورد و چگونه مجازات اعدام ممکن است مورد حکم دادگاه ها قرار گیرد و یا اجرا شود. و در کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده چه مجازاتی بجای آن تعیین گردیده

1- Panthios

2- Royaumont

است. رشته دوم این مسائل عبارتست از شیوه علمی اجرای اعدام که مخصوصاً باید براساس آمارها و طرز عمل کشورهای مختلف، در زمان واحد، بررسی شود.

آخرین رشته این مسائل، بررسی موضوع از نظر جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی است. در اینجا آثار تهدیدی اعدام و علل ابقاء یا الغای آن و وضع کنونی این مجازات در کشورهای مختلف باید بررسی شود.

۳ - طبعاً این سه رشته مسئله طرح کلی مطالعه ما را تشکیل میدهد ولی پیش از آنکه بترتیب بیبحث درباره آنها پردازیم، لازم است که چند نکته مقدماتی را توضیح دهیم.

۴ - ابتدا باید اشاره کنیم که گزارش حاضر مخصوصاً براساس مقرراتی که اکنون در کشورهای مختلف جهان وجود دارد، تنظیم شده است.

در واقع دیگر نمی‌توان مسئله اعدام را تنها از آن جنبه که بنحوی از انحاء مربوط به فلسفه است بررسی کرد. بهتر است نخست آن را در جهان واقعیت دید. با وجود این همین واقعیت نیز آنطور که تصور می‌رود آسان به دست نمی‌آید، هر چند جوابهای کامل و رسمی حکومتها در اختیار ما باشد.

این امر چند علت دارد:

الف : جوابهای رسیده بی‌شک ارزش مساوی ندارند. توجه حکومت‌ها به يك منظور معطوف نیست. زیرا ملت‌های مختلف جهان از يك نظر گاه به این موضوع نمی‌نگرند.

بطریق اولی جوابهایی نیز که از افراد نماینده سازمان ملل یا از مؤسسه‌های غیردولتی رسیده است جز این نمی‌تواند بود.

ب : در این مورد نیز مانند کلیه مواردی که موضوع مقایسه و تطبیق در میان است با اشکال‌های بزرگ مربوط به اختلاف اصطلاح‌ها و تعریف‌ها روبرو می‌شویم. این اشکال مخصوصاً زمانی به‌نهایت می‌رسد که بخواهیم از جرم‌هایی که مجازات اعدام دارد فهرستی تهیه کنیم یا اینکه بخواهیم مراجع صالح برای صدور حکم اعدام را مشخص سازیم و راه‌های قانونی شکایت از محکومیت را نشان دهیم. در اینجا نیز باید بار دیگر از همانندهای فریبنده و اختلاف‌های کاملاً ظاهری بر حذر باشیم.

پ : در این باره شاید بیش از هر موضوع دیگری، اختلاف تشکیلات و تأسیسات و سنن و آداب و مقررات ملت‌های گوناگون مؤثر در امر است. اشکال‌های دیگر از آنجا ناشی می‌شود که مقایسه اطلاعات آماری کشورها با یکدیگر، بر اساس یک طرح کاملاً بین‌المللی، بسیار دشوار است. این دشواری مخصوصاً در مورد اطلاع از تعداد محکومین و اعدام‌شدگان بیشتر به‌چشم می‌خورد.

همین اشکال در شناختن شیوه عملی عفو محکومین و نیز در دانستن مدتی که میان وقوع جرم و محکومیت و اجرای حکم فاصله می‌افتد نیز هست.

سرانجام هنگامی که گفتگوی جرم‌شناسی در میان است اختلاف میان عقاید کارشناسان و اختلاف میان افکار عمومی ملت‌ها چندین برابر می‌شود. بطور قطع ابقاء یا الغای مجازات اعدام، همچنان که

جامعه‌شناسان نیز تصدیق می‌کنند، تابع شرایط و اوضاع واحوال متعددی است که گاهی منافی یکدیگرند.

۵ - بنابراین گزارش حاضر صرفاً شامل کلیات موضوع است. اشتباه در تفسیر و تعبیر مطالب بسبب اختلاف در جوابهای رسیده حتمی است.

مقایسه‌گران معمولاً از «تعادل نهادها و تأسیسات» میان سیستم‌های مختلف کشورها سخن می‌گویند. بهتر است در اینجا به جای آن، نابرابری مراجع حکم و اختلاف آئین‌های دادرسی کشورها را یادآور شویم. در بسیاری از موارد پاسخ‌های رسیده به‌دیرکل سازمان ملل متحد بر اساس اصول داخلی و سنت‌های محلی کشورهای پاسخ دهنده تنظیم شده است. اگر می‌خواستیم این کمبودها را برطرف کنیم یا جوابها را روشن‌تر سازیم لازم بود که توضیحات و جوابهای تکمیلی بیشتری بخواهیم و در این صورت ممکن بود تحقیق‌ها سالها بطول انجامد.

۶ - بالاخره گزارش حاضر با وجود بسط موضوع، محدود است. بررسی تمام جزئیات امر امکان نداشت، زیرا در گزارش‌های رسیده حتی بعضی از جزئیات لازم نیز از يك نظرگاه بررسی نشده بود. بفرض اینکه مجال جمع‌آوری تمام جزئیات امر نیز وجود می‌داشت، این کار در گزارش ما، گسیختگی ملال‌آوری ایجاد می‌کرد.

دوم: فهرست کشورها و سرزمین‌هایی که مجازات اعدام در آنها باقی است یا لغو شده است

۷ - پیش از هر چیز باید آنچه را که میتوان «جغرافیای مجازات اعدام» نامید تنظیم و تعیین کرد بدین معنی که باید دید کدام يك از کشورها و سرزمینها این مجازات را اجرا می کنند و کدام يك آنرا لغو کرده اند. از طرف دیگر بطوریکه خواهیم دید خود همین فهرست چند مسئله بوجود می آورد که درباره آن‌ها توضیح خواهیم داد.

۸ - نام کشورها و سرزمینهایی که مجازات اعدام را همچنان حفظ کرده اند بترتیب حروف الفباء بشرح زیر است:

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، استرالیا (جز دو ایالت)،
افغانستان، اندونزی، انگلستان، ایالات متحد امریکا (۴۲ ایالت از
۵۰ ایالت به اضافه ناحیه کلمبیا و دولت مرکزی)، ایران، ایرلند،

برمه، پاکستان، تانگانیکا^۱ ترکیه، توگو، جبل الطارق، جزیره-موریش، جمهوری افریقای جنوبی، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری متحده عرب، جمهوری ویتنام، چکوسلواکی، چین (تایوان = فرمز)، داهومی*، رودزیای شمالی*، زنگبار، ژاپن، ساحل عاج، سالوادر**، سنگال*، سودان، سورینام**، سشل***، سومالی* (شمالی) سومالی (مرکزی و جنوبی)، سیام، سیلان، شیلی، عراق، غنا، فرانسه، فیلیپین، کامبوج، کانادا، کوبا، گامبیا، گواتمالا، گینه جدید، لائوس، لبنان، لهستان، لیبیا، مالاوی، مالزی (واقع در آسیای جنوب شرقی)، مجمع الجزایر آرام غربی^۲، مراکش، مکزیك (۴ ایالت از ۲۹ ایالت)، هند، هنگ کنگ، نیجریه، یوگسلاوی، یونان.

۹ - کشورها و سرزمینهایی که مجازات اعدام در آنها لغو شده است به سه دسته تقسیم می شوند.

دسته اول آنهاست که به موجب نص صریح قانون اساسی یا قانون

۱- دو کشور تانگانیکا و زنگبار (واقع در افریقا) در سال ۱۹۶۴ به صورت کشور واحدی به نام تانزانیا درآمدند. م.

۲- نظر به شباهتی که بین قوانین جزایر فیجی، سلیمان انگلیس، ژیلبر و الیس (واقع در اقیانوس کبیر) وجود دارد، همه را در متن بنام مجمع الجزایر آرام غربی ذکر کرده ایم، مگر اینکه در آمارها اسامی تفکیک شده باشد.

* واقع در افریقا

** واقع در آمریکای لاتین

*** واقع در اقیانوس هند، نزدیک ماداگاسکار

عادی مجازات اعدام را لغو کرده‌اند.

دسته دوم آنهاییکه هرچند در قانون جاری خود (قانون جزای عمومی یا قانون خاص) اعدام را مقرر داشته‌اند و حکم اعدام نیز صادر می‌کنند، اما به موجب يك رسم مقرر و مسلم، هیچگاه حکم اعدام را اجرا نمی‌کنند.

دسته سوم آنهاییکه مجازات اعدام را جز در موارد جرمهائی که بطور استثنائی اتفاق می‌افتد مقرر نداشته‌اند یا اینکه عملاً مجازات اعدام را متروک گذاشته‌اند.

۱۰ - کشورهای دسته اول (که به موجب قانون مجازات اعدام را لغو کرده‌اند) عبارتند از^۱:

اتریش^۲ (۱۹۴۵)، آرژانتین (۱۹۲۲) استرالیا (۱۹۴۵)، اکواتور** (۱۸۹۷)، آنتیل** (۱۹۵۷)، اروگوئه (۱۹۰۷)، ایالات متحد آمریکا شمالی (فقط شش ایالت، از سال ۱۸۵۳ تا ۱۹۵۸)، ایتالیا (۱۹۴۴)، ایسلند (۱۹۴۰)، برزیل (۱۸۸۹)، پرتغال (۱۸۶۸)، جمهوری دومینیکن** (۱۹۲۴)، جمهوری سن مارن^۳ (۱۸۶۵)، جمهوری فدرال آلمان غربی (۱۹۴۹)، دانمارک (۱۹۳۰)، زلاند جدید (۱۹۶۱)، سوئد (۱۹۲۱)، سوئیس (۱۹۳۷)، فنلاند (۱۹۴۹)، کستاریکا** (۱۸۸۲)،

۱ - در هر مورد تاریخ لغو اعدام ذکر شده است. در موردی که در يك کشور این مجازات لغو شده و سپس مقرر گردیده است، تاریخی که ذکر کرده‌ایم تاریخ آخرین لغو اعدام است که وضع کنونی قانون آن کشور را نشان می‌دهد.

۲ - جز در مورد اعلام وضع فوق العاده.

۳ - واقع در ایتالیا.

** واقع در آمریکای لاتین

کولومبیا (۱۹۱۰)، گروئنلند (۱۹۴۵)، نروژ (۱۹۰۵)، ونزوئلا (۱۸۶۳)، هلند (۱۸۷۰).

۱۱ - کشورهایی که در عمل مجازات اعدام را لغو کرده‌اند عبارتند از:

بلژیک (۱۸۶۷) لیختنشتین^۱ (۱۷۹۸)، لوکزامبورگ، واتیکان^۲.

۱۲ - کشورهایی که تقریباً اعدام را لغو کرده‌اند عبارتند از: در استرالیا، گال جدید جنوبی که اعدام را برای قتل لغو کرده؛ اما برای مجازات خیانت یا راهزنی حفظ کرده است؛ ولی همین مجازات هم در عمل اجرا نشده است.

در آمریکای شمالی، ایالات میشیگان (در ۱۸۴۷) و داکوتای شمالی (۱۹۱۵) و ردایلند (در ۱۸۵۲) مجازات اعدام را لغو کرده‌اند. اما در میشیگان این مجازات برای جرم خیانت باقی است. همچنین

۱ - امیر نشینی کوچکی میان سویس و اتریش.

۲ - به این کشورها که محققاً در عمل مجازات اعدام را از بین برده‌اند می‌توان از نظری کشورهایی را اضافه کرد که گویا درباره لغو اعدام مشغول تجربه و آزمایش هستند. در اینجا آخرین تاریخ اجرای اعدام را در مورد هر یک از کشورهای اخیر ذکر می‌کنیم، با وجود این تاریخ دقیق شروع این آزمایش محل تأمل است:

در استرالیا: ایالت ویکتوریا (۱۹۵۱). در ایالات متحد آمریکا: شمالی: ماساچوست (۱۹۴۷)، نیو هامپشایر (۱۹۳۹) نیوجرسی (۱۹۵۶). در گواتمالا (۱۹۵۶). در شاهزاده نشین مناکو مجازات اعدام در قانون جزای مصوب ۱۸۷۴ آن سرزمین پیش‌بینی شده اما هیچ حکم اعدامی به استناد این قانون صادر نشده است.

است در دا کوتای شمالی برای خیانت (که صدوز حکم اعدام اجباری است) و نیز در مورد ارتکاب قتل عمد.

در نیکاراگوئه اعدام در موردی پیش بینی شده است که جنایت با يك یا چند علت مشدده جرم توأم باشد.

فصل اول

مسائل قضائی

بخش یکم

کشورها و سرزمینهایی که مجازات اعدام در آنها
اجرا میشود

اول : اعدام در قوانین جزائی

الف - اجباری یا اختیاری بودن اعدام

۱۳ - مسئله این است که آیا صدور حکم اعدام، در موردی که در قانون جاری کشورها پیش بینی شده است، اجباری است یا اینکه دادگاه حق دارد آنرا به مجازات خفیف تری تبدیل کند. در نظر اول، تحقیق در این باره با مقایسه قوانینی که در دسترس است آسان بنظر می رسد. اما در واقع چنین نیست. زیرا اغلب اتفاق می دهد که قانون جزای جاری يك کشور فقط موارد مختلف جنایت های مستوجب

اعدام را پیش‌بینی می‌کند، در این حال اعدام اجباری بنظر می‌رسد. اما باید در نظر داشت که اغلب قواعد و اصول کلی که در فصول خاص قانون ذکر شده است تخفیف مجازات را تجویز می‌کند. اشکال کار وقتی زیادتر می‌شود که مقررات خاصی خارج از متن قانون جزا موجود باشد.

۱۴ - بطور کلی جهت سیر کنونی قوانین جزا این است که جنبه اجباری بودن اعدام بیش از پیش متروک شود. اعدام فقط به صورت مجازاتی سنگین پیش‌بینی شده است اما امکان تبدیل آن هم هست. در بیشتر قوانین، اجباری بودن صدور حکم اعدام، جز برای جنایات‌های خاص یا در بعضی از مراجع خاص مثلاً دادگاههای نظامی، پیش‌بینی نشده است.

۱۵ - اگر بخواهیم فهرستی از مواردی که صدور حکم اعدام اجباری است به دست بدهیم باید خاطر نشان کنیم که از کشورهای اروپائی **انگلستان** از این شمار خارج است مگر در پنج مورد استثنائی قتل که در قانون ۱۹۵۷ آن کشور^۱ پیش‌بینی شده است.

در **اسپانیا** قانون ۱۸ آوریل ۱۹۴۷ درباره پیشگیری از راهزنی یا تروریسم مجازات اعدام اجباری را پیش‌بینی کرده است. اما دادگاهی که به این اتهامها رسیدگی می‌کند دادگاه نظامی است. در **یونان** در ماده ۱۳۸ قانون جزای این کشور برای جرم قیام برضد حاکمیت ملی مجازات اجباری اعدام پیش‌بینی شده است.

در آمریکای شمالی، در **کانادا** مجازات اجباری اعدام برای قتل‌های همراه با علل مشدده و نیز برای راهزنی مقرر شده است. همچنین این مجازات اجباری در قوانین نظامی برای خیانت‌های ضد ملی و خیانت در موقع جنگ پیش‌بینی گردیده است.

در **ایالات متحد آمریکا** به موجب پاسخ حکومت مرکزی مجازات اعدام در ۴۲ ایالت به قوت خود باقی است و در ۲۰ ایالت، به اضافه دولت مرکزی، ممکن است به مجازات خفیف‌تری تبدیل شود.

در کشورهای آمریکای جنوبی اعدام گاهی اجباری است ولی نمی‌توان موارد خاص آن را بر حسب ذکر در قانون تعیین کرد. در استرالیا به موجب قانون حکومت مرکزی، اعدام در مورد خیانت اجباری است و به موجب قانون دولتهای مختلف عضو، این مجازات عموماً در مورد قتل و خیانت اجباری است به خصوص در **تاسمانی و استرالیای جنوبی و استرالیای غربی و ایالت ویکتوریا**. در قوانین **مجمع الجزایر آرام غربی**، اعدام به طور کلی در مورد قتل، اجباری است.

۱۶ - در **افریقا اصولاً** مجازات قابل تبدیل وجود ندارد، اما در کشورهای که سنن قضائی فرانسه را پذیرفته‌اند باید امکان کلی رعایت علل مخففه جرم را به حساب آورد. بنظر می‌رسد که اعدام در **سومالی (شمالی) و گامبی**، در مورد جنایات مهم اجباری باشد. در **رودزیای شمالی** اعدام جز در مورد مجازات قتل اجباری نیست. در **سودان** تنها در موردی اعدام اجباری است که قتل بوسیله کسی

که محکوم به حبس ابد شده است صورت گیرد. در جمهوری آفریقای جنوبی اعدام جز در مورد قتل اجباری نیست.

۱۷ - در آسیا، در کشورهای هند و پاکستان و برمه در مورد قتلی که بوسیله شخص محکوم به حبس ابد یا محکوم به حبس طویل‌المدت صورت گیرد مجازات اعدام اجباری است. در برمه همین مجازات درباره کسی که ضمن ارتکاب جنایت دیگری مرتکب قتل شود اجباری است. در برمه و مالزی و هنگ کنگ و سیلان در مورد قتل توأم با علل مشدده مجازات اعدام اجباری است. در ژاپن مجازات اجباری اعدام برای جنایاتی که برضد امنیت دولت صورت گیرد بشرط وجود بعضی از موجبات، از جمله همدستی با قوای بیگانه و بکار بردن اسلحه، پیش‌بینی شده است. در پاکستان مجازات اعدام در مورد شرکت در قیام مسلحانه اجباری است. در خاورمیانه در کشورهای عراق و ایران و لبنان مواردی برای مجازات اجباری اعدام پیش‌بینی شده است اما بنظر میرسد که در این مورد باید امکان رعایت کیفیات تخفیف دهنده مجازات را در نظر گرفت.^۱

۱۸ - در شوروی و لهستان و یوگسلاوی اساساً موردی برای

۱ - در ایران به موجب ماده واحده تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب دیماه ۱۳۳۵ «هر راننده‌ای اعم از آن که شغل او رانندگی باشد یا نباشد، شخصاً یا با شرکت دیگری بقصد قتل یا سرقت اموال و یا هتك ناموس مرتکب بودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است بشود» در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و دادرسان حق ندارند مجازات را حتی يك درجه تخفیف دهند. - م.

مجازات اجباری اعدام پیش بینی نشده است.

۱۹ - میتوان نتیجه گرفت که امروزه مجازات اعدام، جز در موارد استثنایی، جنبه اجبار ندارد و اجباری بودن این مجازات جز در مورد قتل همراه با کیفیات تشدید کننده و قیام بر ضد امنیت خارجی کشور یا تمامیت دولت، جایز شمرده نشده است.

ب - عوامل منتفی شدن صدور حکم اعدام که در قوانین مختلف پیش بینی شده و بوسیله دادگاهها اعمال میشود

۲۰ - این عوامل مربوط به صدور حکم مجازات است نه مربوط به اجرای مجازات اعدام.

بیشتر این عوامل کلی و عام است و مختص جرائمی که مجازات اعدام برای آنها مقرر شده نیست. با وجود این برخی از آنها مانند اختلال قوای دماغی یا موضوع مسئولیت ناتمام در بعضی از قوانین، بخصوص در قوانینی که تحت تأثیر حقوق جزای انگلستان هستند، جنبه نوعی دفاع در برابر اعدام یافته است.

در قوانینی که تحت تأثیر حقوق جزای رم، یا به عبارت بهتر در قرن نوزدهم تحت تأثیر حقوق فرانسه قرار گرفته اند، موضوع کیفیات تخفیف دهنده پیش بینی شده است که شامل همه جرائم است و در مورد حکم اعدام وجود این کیفیات موجب میگردد که حکم

مجازات اعدام صادر نشود. همچنین بیشتر اوقات جز کیفیات تخفیف دهنده موجبات قانونی معافیت از اجرای حکم که حدود آن بوسیله قانون تعیین شده است، پیش بینی شده که در بعضی از جرائم یا در مورد بعضی اشخاص موجب میشود که حکم اعدام صادر نگردد.

شاید بهتر باشد که در يك بحث كاملاً قضائی در باره وجه تمایز این معافیتها (که بعضی تبرئه کننده و بعضی تخفیف دهنده است) از کیفیات تخفیف دهنده، و همچنین در باره تأثیر جنون و اختلال قوای دماغی متهم در امر مسئولیت، روشن تر و دقیق تر گفتگو شود. با وجود این واقعیت حکم میکند که در اینجا در باره تشخیص مسائل صرفاً نظری زیاد نکته سنجی نکنیم. از طرف دیگر در بررسی جوابهای رسیده و اطلاعات جمع آوری شده تشخیص دادن معافیت از کیفیات تخفیف دهنده که در جائی معافیت و در جای دیگر کیفیت تخفیف دهنده بشمار می رود، کاری است که در بیشتر اوقات از نظر فنی دشوار است.

۱- وضع جسمی یا روحی متهم

۲۱ - باید در مورد سن متهم جداگانه گفتگو کرد. اکثریت نزدیک به اتفاق قانونگذاران کشورهای متمدن برای کسی که در حقوق رم *infans* (= خردسال) نامیده شده است يك دوران بی مسئولیتی تام جزائی در نظر گرفته اند.

در قوانین جزائی کشورهای مختلف که اعدام متهم را جز در صورت رسیدن به سن معینی مجاز نمی دانند غالباً در باره خردسالانی

که از دوره کودکی گذشته ولی هنوز به مرحله بلوغ نرسیده اند مقررات خاصی وضع شده است. در بیشتر موارد سن بلوغ جزائی ۱۶ سال است. از طرفی این مسئله در مورد معافیت از اجزای حکم اعدام نیز مطرح است که غالباً این دو امر با هم مشتبه می شود. در اینجا کافی است اشاره کنیم که در بیشتر قوانین بفرض اینکه صدور حکم مجازات بطور کلی برای متهم خردسال ممکن باشد، معمولاً طبق اصول کلی ممکن نیست که مجرم قبل از رسیدن بسن معینی اعدام شود. بعضی از قوانین، مخصوصاً در آمریکای جنوبی و مرکزی ضابطه «تمیز و تشخیص» را حفظ کرده اند. بموجب این ضابطه متهم خردسال را نمیتوان بهیچ مجازاتی محکوم کرد مگر اینکه ثابت شود با تمیز و تشخیص مبادرت به جرم کرده است.

۲۲ - بدین گونه صغر سن معافیت قانونی تخفیف دهنده مجازات است که به سبب آن اعدام به حبس محروم کننده از آزادی، با مدت های مختلف، تبدیل می شود. علاوه بر معافیت قانونی صغر سن باید به مسئله معافیت تحریک شدن به جرم^۱ نیز که به موجب اصول عمومی حقوق جزا در اغلب قوانین وجود دارد توجه داشت.

بسیاری از این قوانین معافیت مذکور را در مورد برخی از جنایتها که معمولاً مجازات مرگ دارد، صادق می دانند. مانند قتل عمد هنگامیکه در شرایط خاص به وقوع پیوندد، مخصوصاً در مورد شوهری که زن خود را در حال زنای مشهود می کشد.

همچنین است در مورد اخته کردن متاهی به مرگ هنگامیکه جنایت مذکور بر اثر تجاوز شدید به ناموس زنی صورت گرفته باشد. در اینجا باید موضوع دفاع مشروع را نیز خاطر نشان کرد. دفاع مشروع از نظر قضائی از مسئله مورد بحث مجزا است، اما از بعضی جهات بدان نزدیک است. برای تحقق دفاع مشروع غالباً فروض مختلفی پیش بینی شده است مخصوصاً در مورد کشتن کسیکه در شب با هتك حرز یا بعنف در جائی که محل سکنی است وارد شود.

۲۳ - در عمل، مهمتر از تمام این موارد اختلال قوای دماغی و نقائص جسمی است. پس از توسعه حقوق جزای جدید، از همان ابتدای قرن نوزدهم که آغاز دوره این دانش است، اصل اساسی این بوده است که شخص مجنون رانمی توان از نظر جزائی مسئول شناخت. ماده ۶۴ قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه این اصل را به صورتی قاطع و ساده اعلام میدارد. انعکاس اصل مذکور را پس از این تاریخ در بیشتر قوانین اروپای قاره ای (اروپا منهای انگلستان) میتوان دید. از طرفی سیستم حقوقی انگلستان نیز با تجویز تبرئه مجرم مجنون (guilty but insane) به همین نتیجه رسیده است. قاعده مذکور در قوانین ۱۸۴۳^۱ که در این باره پایه اساسی حقوق جزای انگلیس و امریکا است درج گردیده. می بینیم که نتیجه علمی این قاعده همان مفهوم ماده ۶۴ قانون جزای ناپلئون است.

۲۴ - با وجود این بی آنکه بخواهیم در اینجا وارد جزئیات

تاریخی شویم باید خاطر نشان کنیم که در جریان قرن نوزدهم قوانین جزائی کشورهای مختلف در این موضوع با هم تفاوت‌هایی داشته است.

در قوانین کشورهای اروپای قاره‌ای تمایل عمومی برای این بوده است که در مبحث مسئولیت نه تنها در باره جنون بلکه در باره سایر اختلال‌های دماغی نیز که موجب می‌شود آگاهی و شعور کامل متهم نسبت بعمل ارتكابی سلب گردد، جائی باز شود. در قوانینی که تحت تأثیر حقوق جزای انگلستان بوده است میان کسیکه «قابلیت محاکمه شدن ندارد» با کسیکه حتی در حین ارتكاب جرم، جنون داشته تفاوتی مشهود است. در بعضی از قوانین مانند قانون کشور تاسمانی حتی در موردی که حالت جنون پس از صدور حکم محکومیت عارض گردد دادرسی مجدد تجویز شده است. در ایالات متحد آمریکا مخصوصاً در باره عوامل روحی و هیجانی‌های مقاومت ناپذیر متهم مقرراتی وضع شده است که این کیفیت‌ها را باید بنوبه خود از نظر مسئولیت جزائی در حکم وجود اختلال قوای دماغی دانست.

۲۵ - مسئله‌ای که در عمل مطرح می‌شود این است که بدانیم سلب مسئولیت چگونه ثابت و محقق می‌شود. تقریباً در همه قوانین جزائی فرض بر این است که متهم از نظر روحی سالم است. پس ادعای جنون یا اختلال مشاعر دفاعی محسوب می‌شود که جز بوسیله معاینه پزشکی قابل اثبات نیست. تمایل قانونگذاران جدید بر اینست که این معاینه پزشکی در مورد تمام جنایتهای مهم صورت گیرد، مخصوصاً

هنگامی که مجازات این جنایت‌ها اعدام باشد.

بطور مثال می‌توان از ایالات متحد آمریکا، زلاندنو، ساحل-عاج، کانادا، مالاوی، مجمع‌الجزایر آرام غربی و فرانسه نام برد.

۲۶ - بسیاری از قوانین دیگر نیز در خصوص معاینه پزشکی متهم از نظر قوای دماغی، خواه به درخواست متهم خواه به تصمیم دادگاه، مقرراتی دارند. این مقررات را هم در افریقا در قوانین کشورهای داهومی، سودان، سومالی (شمالی) رودزیای شمالی، جمهوری آفریقای جنوبی و هم در شیلی، گواتمالا، هند، پاکستان، سیام، جمهوری ویت نام، اندونزی، ژاپن، استرالیا، و در بعضی از کشورهای خاورمیانه می‌توان یافت. راجع به چگونگی این معاینه‌های پزشکی در عمل، اطلاعات مختصری در دست داریم. غالباً معاینه توسط پزشکان متخصص از نظر قانون اجباری است. گاهی نیز فقط به معاینه پزشکی اکتفا می‌شود. در بعضی از قوانین، که شماره آنها کم است، بر طبق تعلیمات جرم‌شناسی جدید «آزمایش شخصیت» متهم را لازم می‌دانند.

۲۷ - این موضوع شایان توجه است که بدانیم جنون یا اختلال مشاعر در عمل به چه نسبتی مانع از صدور حکم مجازات اعدام می‌شود. بنظر می‌رسد که در ایالات متحد آمریکای شمالی این وسیله دفاع بیشتر اوقات مورد قبول دادگاه‌ها قرار گیرد. در کشور کانادا از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۸ از ۳۰۸ نفر متهم بقتل ۴۱ نفر مجنون تشخیص داده شده‌اند. بعضی از کشورهای افریقائی اعلام داشته‌اند که یکی

از معاینه‌های پزشکی متهم به جنایت مهم، که در بسیاری از موارد صورت می‌گیرد، عبارتست از تشخیص اینکه آیا متهم مبتلا به نقص قوای دماغی یا مبتلا به مسمومیت مزمن الکلی یا دارای نقص موروثی ناشی از سیفلیس هست یا نه. در **شیلی** دو سوم از معاینه‌های پزشکی به تشخیص فقدان مسئولیت منتهی می‌شود. در **سیلان** گرچه جنون کمتر به عنوان دفاع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بیشتر موارد از طرف دادگاه پذیرفته نمی‌شود. در **زلاندا** نو از ۳۴ نفری که از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷ متهم به جنایت‌های مهم گردیده‌اند ۷ نفر مجنون تشخیص داده شده‌اند.

۲- مسئولیت ناتمام

۲۸ - مسئولیت ناتمام از بسیاری جهات جز بسط تازه مفهوم عدم مسئولیت، که بر اساس اختلال قوای دماغی قرار دارد، چیز دیگری نیست.

به طوریکه دیدیم در قانون جزای انگلستان طبق قاعده‌ای که شرح آن گذشت و نیز در قانون کشورهای که ضابطه مشهور حقوق رم را، که در قانون ناپلئون منعکس است، اقتباس کرده‌اند فقط جنون را در مورد اتهام جنایت مهم می‌توان دفاع محسوب داشت. در طول قرن نوزدهم به طوریکه دیدیم این امکان برای قاضی حاصل شد که توانست با مشاهده نقص مسلم قوای روحی متهم مجازات او را تعدیل کند. اما این قاعده با قاعده سابق که گفتیم جنون موجب سلب مسئولیت متهم و در نتیجه سبب برائت او می‌شود متفاوتهست.

پس مسئولیت ناتمام آنست که قاضی دادگاه به اتکای آن می تواند در مورد يك جنايت مهم حکم مجازاتی خفیف تر از اعدام صادر کند.

۲۹ - با این همه، مسئولیت ناتمام جز از طرف اقلیتی از کشورهای کنونی جهان پذیرفته نشده است. بسیاری از کشورهای افریقائی و ایالت های ایالات متحد آمریکای شمالی (جز ناحیه کلمبیا و نیو هامشایر که به موجب قانونی آنرا پذیرفته اند) این اصل را قبول نکرده اند.

همچنین مسئولیت ناتمام در استرالیا و زلاند نو و تقریباً در تمام کشورهای آسیایی ناشناخته مانده است. ولی اصل مذکور در بعضی از قوانین اروپائی صورت قانونی یافته است، چنانکه قانون جزای ۱۹۳۷ سوئیس و قانون ۱۹۵۷ انگلستان^۱ آن را پذیرفته است. کشورهای دیگر مخصوصاً ژاپن و چین و یونان که در سال ۱۹۵۰ از قوانین قدیمتر اروپائی تأثیر پذیرفته اند مسئولیت ناتمام را در مورد کر و لال ها و کسانی که از نظر قوای عقلی و روانی ضعیف هستند قانونی شناخته اند.

۳۰ - هر چند امروز موضوع مسئولیت ناتمام از نظر علمی محل گفتگو است با وجود این، در نظر اول، این نکته که امر مورد بحث دیگر در مورد صدور حکم اعدام تأثیری ندارد شاید موجب تعجب شود. جوابهای رسیده به پرسش نامه سازمان ملل این اعتقاد را در خواننده ایجاد می کند که گوئی مسئولیت ناتمام به صورت امری

محقق و بی‌نیاز از تجربه تقریباً هیچگونه تأثیری در مسئله اعدام ندارد. در اینجا باید متوجه دو عامل مهم بود:

۳۱ - نخست آنکه مسئولیت ناتمام کمتر از آنچه انتظار می‌رفت مفید واقع شده است. زیرا در جریان تحول جدید قانون، تمایل قانونگذاران بر این است که از شماره جنایت‌هایی که مجازات اعدام دارد بکاهند. در قانون میان Capital Murder یعنی قتل‌ی که «در درجه اول اهمیت» قرار دارد و سایر قتل‌ها وجه تمایزی هست. همین امر غالباً توسل به موضوع مسئولیت ناتمام را منتفی می‌کند.

۳۲ - دوم آنکه بسیاری از قوانین صورتهای مختلف کیفیات تخفیف دهنده را پذیرفته‌اند. این کیفیات به قاضی اجازه می‌دهد که با ملاحظه وضع و حال موجود، مجازات را تخفیف دهد. بر اثر قبول همین موجبات است که بیشتر قانونگذاران اروپای قاره‌ای نوعی مسئولیت ناتمام را پذیرفته‌اند بی‌آنکه صریحاً از آن نامی برده باشند.

۳- کیفیات تخفیف دهنده

۳۳ - چنانکه هم‌اکنون اشاره کردیم قبول کیفیات تخفیف دهنده قاضی را موظف می‌کند که مجازات متهم را از حد مجازات مقرر در قانون تنزل دهد. در خصوص اعدام مجازات تخفیف یافته عبارتست از حبس دائم یا موقت.

۳۴ - در اینجا بی‌آنکه بخواهیم وارد خصوصیات حقوق تطبیقی شویم باید یادآوری کنیم که در قوانین، دو گونه کیفیات تخفیف دهنده وجود دارد: قضائی و قانونی. تشخیص کیفیات تخفیف دهنده

قضائی به موجب قانون در اختیار قاضی است. بنابراین قاضی می-تواند در هر موردی آنکه مجبور به توضیح باشد وجود کیفیات تخفیف دهنده را که خود بخود موجب تخفیف مجازات اعدام است محقق بشناسد. این امر را کشور فرانسه به موجب اصلاح قانون جزای سال ۱۸۳۲ پذیرفته است.

وجود موجبات تخفیف دهنده را در قانون کشورهای مراكش، مصر، آنتیل، فیلیپین، سیام، جمهوری ویت نام، ژاپن، و در قانون جزای ۱۹۳۵ چین، و نیز در قانون لائوس، ایران، لبنان، عراق و تا حدود وسیعی در قانون سوئیس می توان دید. بعضی از قوانین که از این لحاظ به محدودیت قائلند فقط به قاضی اجازه می دهند که ضمن صدور حکم توصیه کند که متهم مستحق عفو است. قانون کشورهای زنگبار و سیلان از این قبیل است.

۳۵ - نظریه دیگری که از نیمه قرن نوزدهم در قانون کشورهای مختلف نفوذ یافته است برقراری کیفیات تخفیف دهنده قانونی را لازم می داند. قانون بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی و قانون یونان و اتحاد جماهیر شوروی این نظر را پذیرفته است. این کیفیات، خاصه در مورد جنایات مهم عبارتست از: اقرار خود بخود متهم یا پشیمانی شدید او یا شرکت جزئی متهم در جرم، در موردی که شریکی داشته یا هنگامیکه جنایت بوسیله چند نفر صورت می گیرد.

۳۶ - نظر دیگری نیز در مورد قبول کیفیات تخفیف دهنده

مجازات وجود دارد. به موجب این نظر باید کیفیات مذکور نه تنها درباره اشخاص بلکه در مورد بعضی از جرائم نیز پذیرفته شود. این مورد در قانون هندوستان و استرالیا دیده می شود.

۳۷ - این نکته را باید دوباره یادآور شویم که تأثیر کیفیات تخفیف دهنده، مانند معافیت های تخفیف دهنده، به کمال نمی رسد مگر هنگامیکه اساساً مجازات اعدام برای جرمی اجباری باشد، زیرا در مورد مجازات اختیاری قاضی همیشه می تواند به مجازات خفیف تر حکم دهد.

بالاخره ممکن است کیفیات و معافیت های تخفیف دهنده (مانند صغر سن و معافیت تحریک شدن به جرم) با هم جمع شوند. در این صورت کیفر مقرر چند درجه، در سلسله درجه های قانونی مجازات، تنزل می یابد.

در اینجا موردی برای بررسی بیشتر جزئیات این موضوع خاص نیست. زیرا وجود هر یک از این دو عامل کافی است که از صدور حکم اعدام جلوگیری کند.

دوم - حکم اعدام در قوانین جاری کشورها

۱- مراجع صالح برای صدور حکم

۳۸ - به نظر می‌رسد که پاسخ گفتن به این پرسش آسان باشد. در واقع اشتباه دربارهٔ مراجعی که در مقام مقایسه تعیین می‌شود خطر بزرگی در بر دارد. زیرا غالباً مراجع صالح برای صدور حکم اعدام، در يك سیستم حقوقی با هم اختلاف دارند، همچنانکه در کشورهای مختلف نیز چنین است. بر حسب اینکه سیستم حقوقی کشوری بر اساس حقوق لاتین یا حقوق انگلوساکسون استوار باشد تعریف مراجع صالح آن کشور، بدان گونه که دیدیم، محقق را در معرض اشتباه قرار می‌دهد. زیرا يك نام مصداقهای مختلف دارد. بر اساس ملاحظات مذکور و بر این مبنا که هرچه بیشتر ممکن باشد از اشتباهی که نامگذاری‌ها و اصطلاحات ایجاد می‌کند اجتناب ورزیم به توضیحات زیر اکتفا می‌کنیم:

باید در اینجا اشاره کنیم که در این بررسی ما به عمد بعضی از اطلاعات رسیده را که به ترتیبی که تهیه شده بود نمی‌توانست واقعیت

مراجع را روشن کند کنار گذاشتیم.

۳۹ - در بعضی از کشورهای اروپایی و امریکای جنوبی و مرکزی و خاور میانه و آسیا ممکن است حکم اعدام از طرف دادگاههای جزائی عمومی صادر شود. این قانون در کشورهای **سالوادور**، **گواتمالا**، **شیلی**، **آنتیل**، **فیلیپین**، **سیام**، **ژاپن**، **جمهوری ویتنام**، **اندونزی**، **هند**، **کامبوج**، **لبنان**، **عراق**، **گینه جدید**، **ترکیه** و **اسپانیا**، مجراست.

۴۰ - برعکس در بسیاری از کشورها و سرزمینها، جرائم مهم مخصوصاً جرائمی که مجازات اعدام دارد در دادگاههای رسیدگی می شود، که هر چند جزء دادگاههای عمومی بشمار می روند، اما وضع خاصی دارند. معمولاً این مراجع را دادگاه عالی می نامند و گاهی نیز حکم اعدامی را که این مراجع داده اند قطعی نمی شود مگر آنکه در يك دیوان عالی تأیید گردد. این طریقه را مخصوصاً قوانین **کانادا**، **ایالات متحده آمریکا**، **استرالیا**، **زلاند نو**، **سیلان**، **هنگ کنگ**، **ایران**، **جزیره موریس**، **جزایر شل**، **زنگبار**، و **بالاخره انگلستان و فرانسه** پذیرفته اند.

۴۱ - هنگامی که دادگاههای جزائی به صورت دادگاه جنائی در آید معمولاً هیئت منصفه ای به جمع قضات دادگاه اضافه می شود. هیئت منصفه ممکن است بنا به سنت انگلیسی مرکب از دوازده تن عضو باشد که اعضای آن بتنهائی (بدون حضور قضات) در باره مجرمیت متهم مشاوره می کند و نظرشان قطعی است، یا اینکه غالباً

طبق مرسوم فرانسه و پاکستان هیئت منصفه که شماره اعضایش متغیر است به جمع قضات اضافه می شود.

در روش دوم که به روش «اشویناژ»^۱ نزدیک است قضات اصلی با هیئتی که از بین طبقات مختلف مردم انتخاب می شود در دادن رأی همکاری می کنند.

در قرن نوزدهم غالباً روش اول را که در آن فقط هیئت منصفه در باره تقصیر متهم اظهار نظر می کند، یکی از تضمین های اساسی امر دفاع می دانستند و بعضی از قوانین اساسی بخصوص این موضوع را پیش بینی کرده بودند. امروز بتدریج این فکر اهمیت خود را از دست می دهد. روشن است که در کشورهای که به دادگاه های جزای عادی اختیار صدور حکم اعدام داده اند مانند ترکیه و اسپانیا و یونان، اساساً هیئت منصفه ای وجود ندارد.^۲

۴۲ - درباره تشریفات خاص و خصوصیت روش دادرسی، در موقعی که دادگاه های جزا حکم اعدام صادر میکنند، اطلاعات مختصری به ما رسیده است. در واقع آئین دادرسی کیفری همیشه بر حسب طبیعت و نوع جرم و درجه دادگاه های جزائی یکسان تدوین میشود بدون آنکه احتیاط های خاصی بمنظور تحکیم یا تغییر روش

۱ - Echevinage مأخوذ از کلمه Echevin و او کسی بود که در فرانسه پیش از انقلاب هم وظیفه عضو انجمن شهر و هم وظیفه قضاوت را به عهده داشت. (م)

۲ - در اینجا از ذکر مواردی که خاصه در زمان جنگ یا به موجب قانون دادرسی ارتش اساساً به دادگاه های نظامی صلاحیت صدور حکم اعدام داده میشود عمداً صرف نظر کرده ایم.

دادرسی در مورد صدور حکم اعدام رعایت گردد. با وجود این روشن است که در چنین موردی رعایت تشریفات آئین دادرسی و تضمین های دفاعی موجود در قانون هر کشور بکمال اهمیت خود میرسد.

۴۳ - با اینهمه در قانون چند کشور پیش بینی شده است که در موقع صدور حکم اعدام باید شماره قضات دادگاه پیش از هنگامی باشد که مجازات دیگری صادر میشود.

در اسپانیا هنگامی که دادگاه جزائی حکم اعدام صادر میکند باید شماره قضات بجای سه نفر پنج نفر باشد.

۲- مجازاتهای تبعی اعدام

۴۴ - تا قبل از پایان قرن هیجدهم ممکن بود در قانون کشورهای مختلف، اعدام بر حسب آثار دارای چند درجه باشد و قوانین اروپا میان مرگ بر اثر محکومیت و مرگ ساده تفاوت قائل بود. لغو شدن شکنجه ها درجه بندی اعدام را نیز از میان برد، همین جنبش فکری موجب شد که مجازاتهای تبعی اعدام نیز به تدریج از میان برود.

مجازاتهای تبعی اعدام بر دو گونه بود:

یکی «ترذیلی» مانند گذاشتن محکوم در انظار عموم و مجبور کردن او به استغفار. دیگری مجازات های مالی مانند ضبط اموال محکوم که در «عصر روشنگری» (قرن هیجدهم) به سبب آن اعتراضهای پردامنه ای بر ضد دولت ها صورت گرفت.

اگر مجازات اعدام را به طور مطلق محروم کردن محکوم از

زندگی بدانیم آیا قبول این موضوع بدان معنی نیست که نباید هیچ مجازات دیگری بدان ضمیمه شود؟

۴۵ - این اندیشه از طوف بسیاری از قانونگذاران کشورها، که از نظر جغرافیائی در نقاط مختلف جهان واقعند، پذیرفته شده است، هم در گامبیا و مالاوی و رودزیای شمالی و غنا و جمهوری افریقای جنوبی و جزایر موریس و جزایر زنگبار چنین اندیشه‌ای نفوذ یافته، هم در ایالات متحده آمریکا و افغانستان و برمه و هند و پاکستان و سیام و اندونزی و ژاپن و سیلان و هنگ کنگ و جبل الطارق و استرالیا و زلاند جدید و مجمع الجزایر آرام غربی و انگلستان و ترکیه.

۴۶ - با این همه قانونهائی که در ابتدای قرن نوزدهم وضع شده، غالباً همراه با مجازات اعدام و سایر مجازات‌های جنائی مهم، محرومیت از حقوق مدنی و اجتماعی و افتخاری محکوم را نیز پیش‌بینی کرده است.

این فکر هنوز هم در قانون کشورهای متعدد اروپا مانند فرانسه و یونان و نیز در کشورهای مراکش، ساحل عاج، داهومی، کانادا، سالوادور، شیلی، لائوس، چین (تایوان) و ایران، وجود دارد. ۴۷ - غالباً با این محرومیت‌ها، مجازات‌هایی از قبیل حجر قانونی، محرومیت از حقوق خانوادگی، محرومیت از حق استیفاء و محرومیت از حق قبول هبه اضافه می‌شود.

مجازات‌های تبعی مذکور وقتی محقق می‌شود که اعدام به مجازات

دیگری تبدیل گردد.

در کشورهای که هم اکنون نام بردیم و بعضی از کشورهای دیگر مانند **سومالی** (مرکزی و جنوبی) و **فیلیپین** این مقررات هنوز به عنوان محرومیت از حقوق مدنی دیده می شود. در قانون کشورهای اخیر تصریح شده است که محرومیت از حقوق مدنی در صورت عفو محکوم تا مدت سی سال ادامه دارد. به اضافه در قوانین قرن نوزدهم اضافه بر مرگ حقیقی، «مرگ حقوقی» محکوم نیز پیش بینی شده بود. به موجب این مقررات محکوم به اعدام دیگر نمی توانست موضوع هیچ حقی قرار گیرد. مرگ حقوقی تقریباً همه جا در دوران جدید در سالهای مختلف از میان رفته، هر چند در ایالت **ویکتوریا** تا سال ۱۹۵۸ وجود داشته است. لازم به تذکر است که در قانون بعضی از کشورها و سرزمین ها مانند **گواتمالا** و **جزایر آنتیل** و **گینه جدید** مجازاتهای اختیاری محرومیت از حق، پیش بینی شده است که قاضی دادگاه میتواند همراه با صدور حکم اعدام بدانها نیز حکم دهد.

۴۸ - در زمان سابق ضبط اموال، که اثرش پس از اجرای حکم اصلی ظاهر می شد، معمولاً با حکم اعدام و سایر مجازاتهای مهم جنائی همراه بود.

در ابتدای قرن نوزدهم به این عنوان که ضبط اموال با اصل «شخصی کردن» مجازاتها مغایر است لغو شد زیرا در واقع مجازات بیش از آنچه متوجه محکوم گردد موجب زیان خانواده او می شد. با وجود این، در قرن بیستم یکبار دیگر مجازات ضبط اموال از

نو زنده شد، مخصوصاً در موضوع جرائم سیاسی یا بعبارت بهتر در جرایم برضد امنیت، چه در زمان جنگ و چه در اوضاع بسیار وخیم و خطرناک. وضع مذکور را در قوانین کنونی فرانسه، مراکش، داهومی و شوروی می‌توان یافت.

در یوگسلاوی نه تنها در مورد جرائم برضد امنیت ملت بلکه در مورد جرائم علیه دولت و علیه انسانیت نیز این مجازات پیش‌بینی گردیده است. اما ضبط اموال معمولاً خود بخود محقق نمی‌شود و باید همیشه در حکم دادگاه قید گردد.

۳- راههای شکایت از حکم اعدام

۴۹- درباره راههای شکایت از حکم اعدام نیز باید از فریب شباهت‌های ظاهری دوری جست. عبارات و اصطلاحاتی که در قوانین مختلف آمده است یا پاسخ‌هایی که نمایندگان سازمان ملل و دولت‌ها فرستاده‌اند همیشه دارای یک ارزش نیستند. غالباً تعریف دقیق «فرجام خواستن» به معنی قضائی آن یا تعریف کامل «تجدید نظر خواستن» از حکم دشوار است. گذشته از این ملاحظات عمومی، باید یادآور شد که راههای شکایت از حکم در اینجا اعم است از:

۱- رسیدگی در مرحله تجدید نظر که به موجب آن دادرسی مجدد به وسیله قضاتی دیگر، که معمولاً در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارند، آغاز می‌شود.

۲- رسیدگی فرجامی که اساساً در آن، نقص قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۳- اعاده دادرسی که در آن فرض بر این است که حکم قطعی شده و دیگر راهی برای شکایت از آن وجود ندارد و حتی ممکن است حکم نیز اجرا شده باشد اما با گذشت زمان معلوم می گردد که اشتباهی در حکم وجود داشته است، در چنین صورتی باتوسل به آئین دادرسی استثنائی، رسیدگی تجدید میشود.

بالاخره در بعضی از قوانین راههای خاص دیگری نیز برای شکایت از حکم میتوان یافت.

۵۰- تجدید نظر از حکم اعدام از طرف اکثریت عظیم دولتها پذیرفته شده است.

بر شمردن این دولتها و بیان خصوصیات دادگاههای تجدید نظر مقدور نیست. در واقع اصطلاحات مختلف در این مورد بیشتر موجب گمراهی میشود. اصطلاحات «دادگاه عالی» و «دادگاه برین» و «دیوان عالی» در سیستم های حقوقی مختلف دارای يك ارزش نیستند. با وجود این باید بطور مثال بگوئیم که خاصه در ایالات متحد امریکای شمالی تجدید نظر بر حسب ایالات مختلف متفاوتست و غالباً رسیدگی در مرحله بعدی ناظر بمسائل صوری است نه ماهیتی و دادگاه در این مرحله تا حد زیادی وارد مسائل مربوط به فرجامخواهی میشود.

در بعضی از دولت ها تجدید نظر خود بخود محقق می شود، یعنی همینکه دادگاهی حکم اعدام صادر کرد، دادگاه بالاتر با جبار باید دوباره بموضوع رسیدگی کند. گویا بموجب قوانین کشور

گواتمالا تجدیدنظر خواستن از حکم اعدام اجباری باشد. در سایر موارد، مانند کشور **انگلستان**، غالباً تجدیدنظر هنگامی پذیرفته می شود که قاضی حکم دهنده بموجب اجازه خاصی آنرا تجویز کند یا در مواردی نادر، قاضی دیگری تجدیدنظر را تصویب کند.

در بعضی از سیستم های حقوقی مخصوصاً در استرالیا ممکن است از حکم دادگاه تجدیدنظر باز هم تجدیدنظر خواست، یعنی سه مرحله رسیدگی ماهیتی پیش بینی شده است. در کشورهایی که از حقوق آنگلو ساکسون الهام گرفته اند و بین رأی هیئت منصفه و حکم دادگاه تفاوتی هست، اصولاً تجدیدنظر خواستن فقط از رأی هیئت منصفه ممکن است. در سیستم قدیم حقوق انگلستان رأی محکومیت هیئت منصفه خود بخود متضمن حکم اعدام بود. این قاعده در بعضی از کشورهای مشترک المنافع بریتانیا مخصوصاً در **کانادا** هنوز هم باقی است. بالاخره باید دانست که در **شیلی** اگر از حکم محکومیت دادگاه عادی تجدید نظر خواسته شد و رسیدگی در دادگاه بالاتر مطرح گردید دادگاه دومی فقط باتفاق آراء میتواند متهم را بمرگ محکوم کند.

۵۱- بر عکس، تجدیدنظر در بعضی از سیستم های حقوقی لغو شده است. این قاعده معمولاً در کشورهای **خاورمیانه** و **فرانسه** و **اسپانیا** و **یونان** پذیرفته شده است. بعضی از کشورها با بستن هر گونه راه شکایتی از حکم اعدام، حتی از اینهم پارافراتر گذاشته اند، مانند **سومالی** (مرکزی و جنوبی) و **اتریش** (البته در چند مورد استثنائی

که کشور اخیر صدور حکم اعدام را مجاز می‌شناسد).

۵۲- نبودن مرحله تجدیدنظر در برخی از کشورها، مانند فرانسه، در واقع متکی بر این اندیشه است که حضور هیئت منصفه در دادگاه جنائی بمنزله حضور نمایندگان خود ملت فرض میشود و در نتیجه مقامی بالاتر از آن متصور نمیگردد. بنابراین رأی هیئت منصفه را نمیتوان مورد تجدیدنظر قرار داد، زیرا ثبوت اتهام ناشی از وجدان آزاد مردم است که بوسیله نمایندگان آنان، یعنی هیئت منصفه، محقق گردیده است. مع هذا این استنباط مانع از آن نشده است که انگلستان در آغاز این قرن يك دیوان تجدید نظر جنائی تأسیس کند. اما جالب اینکه هر چند در فرانسه هیئت منصفه، بر عکس وضع سابق خود بصورت «مددکار» قاضی درآمده، با وجود این حکم دادگاه جنائی همچنان غیر قابل تجدیدنظر باقی مانده است. گویا در سایر کشورهایی که نام بردیم، و تجدید نظر از حکم اعدام در آنها وجود ندارد، اندیشه غالب آنست که محکومیتی که در يك دادگاه عالی و با شرایطی فوق العاده ثابت گردید، نیازی بتجدید نظر ندارد و امعان نظر فرجامی در آن کافیت.

۵۳- این امعان نظر، یعنی بررسی موضوع از نظر رعایت قانون و مراعات مقررات صوری دادرسی، فقط از راه فرجامخواهی حاصل میشود. این حق در قوانین مختلف تا حدود وسیعی پیش بینی شده است و کشورهایی که آنرا پذیرفته اند متفاوتند مانند جمهوری متحد عرب، مراکش، ساحل عاج، داهومی، جمهوری افریقای

مرکزی، سالوادور، جمهوری ویت نام، اندونزی، ژاپن، لبنان، ایران، اسپانیا، فرانسه، یونان و شوروی.

در اسپانیا، همچنان که به جای سه نفر دادرس صالح برای رسیدگی به امور جنائی، در مورد حکم اعدام حضور پنج نفر لازم است برای رسیدگی فرجامی از حکم اعدام نیز بجای پنج نفر دادرس حضور هفت نفر ضروری است.^۱

۵۴- همچنانکه دیدیم اعاده دادرسی متکی بر این فرض است که پس از قطعی شدن حکم موضوعی تازه کشف می شود که اشتباه قضائی را در صدور آن حکم مسلم میدارد. ممکن است تصور شود که اعاده دادرسی در همه کشورها تا حد زیادی تجویز شده است، اما در واقع چنین نیست. بعضی از کشورها ترجیح میدهند که دقیقاً طبق قاعده «اعتبار قضیه محکوم بها» عمل کنند و نمی خواهند بخاطر مصالح قضائی و برای رعایت سیاست جزائی، حکمی که واجد اهمیت است و قطعی شده، دوباره مورد رسیدگی قرار گیرد. با اینهمه در کشورهای مختلف غالباً اعاده دادرسی پذیرفته شده است. مخصوصاً در مراکش، ساحل عاج، داهومی، سومالی، توگو، سالوادور، آنتیل، جمهوری ویت نام، ژاپن، لبنان، ایران، عراق، فرانسه و یوگسلاوی.

۱- بطوریکه یادآوری کردیم در حقوق انگلوساکسون راههای متعدد شکایت از حکم وجود دارد. مراحل مذکور هم تجدید نظر است و هم رسیدگی فرجامی. بیشتر این حق شکایت ها تجلی یکی از مبانی اصلی آئین دادرسی کیفری ایالات متحده امریکا شمالی است.

۵۵ - بعضی از دولتها تأیید حکم اعدام را از طرف مقامی که حتماً باید غیر قضائی باشد لازم میدانند. این قانون خاصه در **فیلیپین و سیام و عراق** وجود دارد، بموجب این قوانین حکم اعدام باید در يك دیوان عالی تأیید شود، شاید بتوان این وضع را نوعی فرجام خواهی اجباری دانست.

در برخی از کشورهای دیگر مانند **سومالی (شمالی) یاسودان**، حکم اعدام باید از طرف هیئت وزیران یا از طرف وزارت دادگستری تأیید شود. شاید بتوان گفت که این وسیله، نوعی تقاضای عفو ساده است. در **هنگ کنگ** حکم اعدامی که از طرف دادگاههای نظامی صادر میشود باید از طرف يك افسر عالیرتبه «تأیید گردد.»

۵۶ - این تأیید بمنزله تضمین دیگری برای محکوم تلقی می شود. با وجود این لازم بتذکر است که در ایالت ویکتوریای امریکا دیوان عالی میتواند با حضور تمام اعضای خود (full court) در اتهام خیانت بوطن حکم اعدام را به مجازات کمتری که از طرف دادگاه عالی معین می شود تبدیل کند.

اعاده دادرسی معمولاً برای احراز بی گناهی محکوم پیش بینی میشود. بنظر میرسد که بعضی از کشورها از اعاده دادرسی عکس این منظور را دارند مانند شوروی و یوگسلاوی. در آنجا دادستان کل میتواند با توسل باین وسیله محکومیت شدیدتر، حتی اعدام، برای کسی که در دادگاه بدوی یا تجدید محکومیت کمتری یافته است تقاضا کند.

سوم - اجرای حکم اعدام

الف - وضع قانونی اجرای حکم

۱ - طریقه اعدام

۵۷- حقوق قدیم طریقه‌های گوناگون برای اعدام شناخته بود. گاهی اعدام باشکجه‌های خشنی همراه بود که برای اهمیت دادن به اعدام وضع شده بود.

حقوق جدید بععل بشر دوستانه و احترام به شخصیت آدمی اساساً این روش را بیک سو نهاده است. مجازات اعدام فقط محروم کردن شخص از زندگی است، و امروز گوناگون بودن وسایل اعدام بدین سبب است که صرفاً قانون سعی میکند طریقه‌های سریعتر و بی رنج‌تر برای سلب حیات محکوم بپاورد. روش‌های جدیدتر و علمی‌تر برگزیده میشود و روشهای کهنه بعلت ضد بشری بودن متروک میگردد. مثلاً به‌دار آویختن در بیشتر ایالات متحد آمریکا منسوخ شده است. یوگسلاوی در سال ۱۹۵۰ آنرا ترك گفته و یونان در سال ۱۹۲۹ گردن زدن را لغو کرده است.

۵۸ - بطو کلی باید دانست که اکثریت عظیم کشورها دو طریقه برای اعدام می‌شناسند. یکی برای جنایات عادی، دیگری که تقریباً همیشه تیرباران است برای جرائم نظامی.

۵۹ - امروزه طریقه‌ای که بیشتر شیوع دارد به‌دار آویختن است. این روش از قدیم در انگلستان و کشورهای مشترك المنافع معمول بوده است^۱، اما اکنون فقط در شش ایالت از ایالت متحده آمریکا رایج است. ولی در این ایالت‌ها، چنانکه گفتیم، طریقه مذکور رو بزوال است، زیرا تا سال ۱۹۳۰ هفده ایالت آنرا قانونی میدانستند و امروز در شش ایالت مرسوم است.

در کانادا نیز همین طریقه اعدام مرسوم است، ولی این اختیار برای «Attorney General» (= فرماندار کل) هست که در مورد خیانت یا جنایات ضد دفاع ملی آن را به تیرباران تبدیل کند. در سومالی (شمالی و جنوبی) روش معمولی اعدام، دارزدن است اما میتوان آنرا به تیرباران تبدیل کرد. دارزدن در کشورها و سرزمین‌های ذیل نیز معمول است:

سودان، گامبی، ردوزیای شمالی، مالاوی، غنا، نیجریه. تانگانیکا، جمهوری افریقای جنوبی، جزیره موریس، جزایر شل، زنگبار، آنتیل، افغانستان، برمه، هند، پاکستان، ژاپن، سیلان، هنگ کنگ، ایران، لبنان، عراق، استرالیا، اتریش، چکسلواکی و ترکیه.

۱- روش مذکور با طریقه دارزدن در زمان قدیم تفاوت دارد، چه عبارتست از قطع آنی وفوری مهره‌های گردن. باوجود این اصطلاح hanging (بدار آویختن) حفظ شده است.

۶۰- چنانکه گفتیم در جنایات نظامی مجازات تیرباران غالباً خودبخود جانشین دارزدن میشود. تیرباران طبعاً در کشورها و سرزمین‌هاییکه اعدام فقط بموجب قانون کیفر ارتش پیش‌بینی شده است وجود دارد. تیرباران در امور غیر نظامی در کشورهای زیر موسوم است:

مراکش، ساحل عاج، جمهوری افریقای جنوبی، توگو، سالوادور، شیلی، گواتمالا، سیام، اندونزی، کامبوج، یونان، گینه جدید، شوروی و یوگسلاوی.

گردن زدن در فرانسه از زمان انقلاب بزرگ ۱۷۸۹ طریقه اعدام معمولی برای جنایات عمومی شناخته شده است. این طریقه مخصوصاً در داهومی، جمهوری ویت‌نام و لائوس معمول است. در کشور اخیر ممکن است گردن زدن را به تیرباران تبدیل کرد.

۶۱- اعدام در اطاق‌گاز از طرف یازده ایالت از ایالات متحد امریکا قانونی شناخته شده است. در اسپانیا طریقه مرسوم اعدام، خفه کردن است. لازم بیادآوری است که در ایالت یوتا از ایالات متحد امریکا محکوم حق دارد از دو مجازات دار و تیرباران، یکی را انتخاب کند.

۶۲- اعدام بوسیله جریان برق از طرف ۲۴ ایالت از ایالات متحد امریکا قانونی شناخته شده است. این روش در فیلیپین و چین نیز برسمیت شناخته شده ولی در این دو کشور اگر مأموران

لازم برای اجرای این کار وجود نداشته باشند اعدام بوسیله دارزدن اجرا میشود.

اعدام در ملاءعام

۶۳ - تا مدتها، اعدام در ملاءعام پیش از آنکه از نظر آثار کیفری مورد توجه قرار گیرد بعنوان تجسم جنبه تهدیدی این مجازات تلقی میشد.

بعضی از جوابهائی که به پرسش نامه سازمان ملل رسیده، نشان میدهد که این فکر از طرف برخی از دولت ها هنوز هم رها نشده است. با این همه، بطور کلی پس از نیمه دوم قرن نوزدهم اعدام در ملاءعام بتدریج از میان رفته است. دیگر از این تفکر جز در قانون چند کشور معدود، اثری نمیتوان یافت.

این کشورها مانند **جمهوری آفریقای مرکزی و سالوادور** حتی مقرر داشته اند که در صورت امکان، اعدام باید در همان محلی که جنایت انجام یافته اجرا شود. این قاعده را در ایران^۱ و **لائوس و کامبوج و شیلی** نیز میتوان یافت. با اینهمه در دو کشور اخیر اعدام در منظر عمومی بیشتر جنبه نظری دارد تا عملی، زیرا مردم بوسیله مأموران انتظامی از محل اعدام دور میشوند و در شیلی

۱- در ایران بموجب آئین نامه اصلاحی اجرای حکم اعدام مورخ ۴۳/۱۰/۳ اجرای حکم اعدام «در محل مخصوص زندان» صورت می گیرد. بنابراین از تاریخ مذکور در کشور ما اجرای حکم اعدام در ملاءعام را باید نسخ شده دانست. (مترجم)

همینکه سی نفر در محل اعدام حاضر شدند، مصداق ملاء عام تحقق می‌یابد.

۶۴ - در کشورهای دیگر اعدام در منظر عموم پیش‌بینی نشده اما در بعضی موارد امکان دارد. در مراکش این امر استثنائی است و باتصمیم وزارت دادگستری امکان اجرای آن هست. در افغانستان اعدام در ملاء عام تجویز نشده اما ممنوع هم نگردیده است. همچنین در فیلیپین و استرالیا **جنوبی** طبق تصمیم «فرماندار کل» ممکن است اعدام در منظر عموم صورت گیرد^۱ در آرژانتین که اعدام جز در امور نظامی وجود ندارد اجرای حکم ممکن است در محل عمومی انجام پذیرد.

بعضی از ایالات آمریکای شمالی حضور جمع معدودی از اشخاص را، علاوه بر کسانی که اجباراً و بر حسب وظیفه باید در مراسم اجرای اعدام حضور داشته باشند، پیش‌بینی کرده‌اند. شماره این اشخاص از سه نفر (در کانکتیکت) تا ۲۴ نفر (در کارولینای جنوبی) در تغییر است. بنظر میرسد که در این مورد نیز این اشخاص نمایندگان مردم در مراسم اجرای حکم باشند.

۶۵ - بدیهی است تمام قوانین حضور اجباری بعضی از اشخاص مانند مدیر زندان، نماینده روحانیت (اگر محکوم تقاضا کند)، يك پزشك، نماینده دادستان و گاهی نماینده دادرسان و غالباً حضور وکلای محکوم را در موقع اجرای اعدام ضرور میدانند. در ۲۷

۱- گویا از سال ۱۸۶۲ از این اختیار استفاده نشده است.

ایالت از ایالات آمریکای شمالی، خویشان و دوستان محکوم نیز میتوانند اجازه شرکت در مراسم اعدام را تحصیل کنند^۱.

۶۶ - حساس‌ترین مسئله در این مورد، حضور روزنامه‌نگاران در مراسم اعدام است. از دیرباز این حق برای روزنامه‌نگاران پذیرفته شده است که قبل از اجرای اعدام با محکوم ملاقات کنند، اظهارات او را بشنوند و به تفصیل در روزنامه‌ها منعکس سازند. لغو تدریجی علنی بودن اعدام موجب شد که از حضور روزنامه‌نگاران نیز در مراسم اعدام جلوگیری شود، و انتشار جزئیات اعدام ممنوع گردد. اکثریت قاطع پاسخ‌های دولت‌ها تصریح دارد که روزنامه‌نگاران، نه میتوانند در مراسم اعدام حاضر شوند و نه میتوانند قبل از اجرای حکم با محکوم مصاحبه کنند.

با وجود این در بعضی از کشورها حضور روزنامه‌نگاران گاهی با اجازه مخصوص میسر است، مانند جمهوری متحده عرب، گواتمالا، چین، عراق، استرالای شمالی، ایالت ویکتوریا و زلاندنو. همچنین بعضی از ایالات آمریکای شمالی ملاقات با محکوم را برای روزنامه‌نگاران مجاز می‌شناسند.

از طرف دیگر نه‌ایالت از ایالات متحده آمریکای شمالی صریحاً حضور روزنامه‌نگاران را در مراسم اعدام پیش‌بینی کرده‌اند.

۱- در ایران کسانی که باید در موقع اجرای حکم اعدام حاضر باشند، بموجب آئین‌نامه ۳/۱۰/۳ عبارتند از «دادستان استان و رئیس شهربانی یا نماینده آنان و پزشک قانونی و منشی دادگاه جنائی و رئیس زندان... وکیل محکوم علیه میتواند در موقع اجرای حکم حاضر شود». (م.)

در کانادا «شریف» (Shérif)^۱ میتواند به روزنامه نگاران اجازه حضور بدهد اما بنظر نمیرسد که در عمل از این اختیار استفاده شده باشد. در سالوادور همیشه حضور روزنامه نگاران در مراسم اعدام امکان دارد.

۶۷- در بعضی از کشورها انتشار گزارش جریان اعدام مجاز است مانند جمهوری متحد عرب، غنا، سودان، سیام، جمهوری ویت نام و بعضی از ایالت های متحده امریکای شمالی.

بر عکس در کشورهای زیرنشر هر گونه گزارشی درباره اعدام ممنوع است: گامبیا، مالاوی، رودزیای شمالی، جمهوری افریقا جنوبی، جزیره موریس، جزایر سشل، زنگبار، لیبریا، تانگانیکا، ساحل عاج، داهومی، توگو، سومالی (مرکزی جنوبی) آنتیل، هند، اندونزی، سیلان، لبنان، مجمع الجزایر آرام غربی، ترکیه، انگلستان، کانادا، فرانسه و بعضی از ایالت های آمریکای شمالی.

سه ایالت از ایالات متحده آمریکا، جر خبر اعدام نشر هیچگونه تفضیلی را در این باره مجاز نمیدانند.

در اتریش که مجازات اعدام جز در مورد کاملاً استثنائی پیش بینی نشده است، انتشار هر گونه خبری در باره اعدام ممنوع

۲- «شریف» در انگلستان (و برخی از کشورهای مشترک المنافع) به یک مقام رسمی اطلاق می شود که در بخش ها و بعضی شهرها خدمت می کند و مزدی دریافت نمی دارد، وظایف تشریفاتی گوناگون و نیز برخی وظایف قانونی به عهده دارد. در ایالات متحد آمریکا شریف مقام رسمی اجرای قانون در بخش ها است. (م)

است، حتی نمیتوان خبر آنرا در يك آگهی رسمی نیز منتشر کرد^۱.

ب- معافیت از اجرای حکم اعدام

۱- معافیت‌های قانونی

۶۸- در بیان آنچه در صفحات پیش گذاشت دقت کافی بعمل آمده است. با وجود این در بعضی از موارد احتمال این هست که در مورد مقرراتی که صدور حکم اعدام را غیر مقدور می‌کند و معافیت‌های قانونی اجرای حکم، اختلاطی صورت پذیرفته باشد زیرا در پاسخ‌های رسیده همیشه رعایت این تشخیص نشده است.

۶۹- یکی از معافیت‌های قدیم اجرای حکم اعدام که بیشتر اوقات رعایت میشود معافیت زن آبستن از اعدام است.

این اصل در قانون کشورهای فرانسه، انگلستان، چکوسلواکی، یوگسلاوی، شوروی، استرالیا، گینه جدید، لائوس، چین، کامبوج، جمهوری آفریقای مرکزی و مراکش پذیرفته شده است.

این فهرست شامل نام همه کشورهاییکه این قاعده را شناخته‌اند نیست. غالباً قانون در این مورد فقط اجرای حکم را متوقف میکند. مدت تعلیق اجرای حکم متفاوتست و گاهی تا پایان شیرخوردن نوزاد از مادر بطول می‌انجامد.

بدین ترتیب مدت قانونی مذکور در ایران سه ماه و در صورت

۱- در ایران بموجب ماده ۱۹ اصلاحی آئین‌نامه اجرای حکم اعدام مصوب ۳/۱۰/۴۳ «از اجرای مراسم حکم توسط شهربانی عکسبرداری می‌شود و عکسها در پرونده محکوم علیه بایگانی میشود. خبر اجرای حکم با ذکر جرم و خلاصه رأی در همان روز منتشر خواهد شد». (مترجم)

شیر خوردن طفل دو سال است. در یونان این مدت سی روز و در صورت شیر خوردن کودک شش ماه است. در واقع متوقف کردن اجرای حکم عملاً به تخفیف مجازات محکوم منتهی میشود^۱.

۷۰ - معافیت دوم مربوط به خردسالان یا لااقل بعضی از خردسالان است. بدیهی است این معافیت خود بخود شامل تمام خردسالانی است که در مورد آنان صدور هیچ حکم مجازاتی امکان ندارد.

همچنین معافیت مذکور شامل خردسالان بزرگتری است که بطور استثناء یا غیر استثناء صدور حکم مجازات درباره آنها میسر است، اما نمیتوان آنها را محکوم باعدام کرد. این سن در فنلاند ۱۵ سال است در فرانسه و برمه ۱۶ سال، در انگلستان و اسپانیا و چکوسلواکی و غنا و نیجریه و فیلیپین ۱۷ یا ۱۸ سال و در اتریش ۲۰ سال.

۷۱ - در بعضی از قوانین، نوعی معافیت از اعدام بنفع کسانی که دچار جنون می شوند وضع شده است. این جنون فقط در موقع ارتکاب جرم مناط اعتبار نیست بلکه در زمان اجرای حکم نیز مانع از اجرای آن میشود. کشورهایی که این اصل را پذیرفته اند بطور مثال عبارتند از : جمهوری افریقای مرکزی، چین، عراق، یونان و یوگسلاوی. باضافه قانون یونان مقرر میدارد که اگر حکم اعدام تا پنج سال اجرا نشود، حکم از اعتبار قانونی می افتد.

بالاخره کشور سالوادور، در صورت متعدد بودن احکام اعدام

۱ - در اینجا معافیتی که بموجب قانون پیش بینی شده مطرح است، بطوریکه در فصل دوم خواهیم دید دایره این امر در عمل بسیار وسیع است.

این طریقه را انتخاب کرده است که بر حسب تعداد اشخاصی که در آن واحد محکوم بمرگ هستند، شماره کسانی که واقعاً اعدام میشوند تغییر می یابد، در این صورت فقط کسانی که نامشان در صدر فهرست جای دارد عملاً اعدام میشوند.

۲ - عفو

۷۲ - عفو از جهتی يك نوع معافیت قانونی از اجرای حکم بشمار میرود، زیرا در قانون پیش بینی می شود، امداد امنه عفو بسیار وسیع است، زیرا وضع محکوم را تغییر میدهد.

این تغییر وضع، بطوریکه غالباً پیش می آید، متضمن تخفیف مجازات است و گاهی بطور استثناء ممکن است مجازات را بکلی موقوف کند. عفو حتی در دوران جدید نیز تا میزان وسیعی جنبه پیشین خود را، مبنی بر امتیازی که شخص پادشاه می بخشد، حفظ کرده است. بموجب این امتیاز، پادشاه که مظهر هرگونه عدالتی است طبعاً میتواند بنام خود یکی از اتباع خویش را از تحمل مجازات معاف دارد.

۷۳ - از این معنی چنین استنباط میشود که مقام صالح برای عفو کردن محکوم، در ممالکی که هنوز رژیم سلطنتی دارند، شخص پادشاه والا رئیس جمهور یا رئیس دولت است. گاهی نیز رئیس حکومت یا در بعضی شرایط حاکم ایالت یا رئیس دولت مرکزی این حق را داراست.

در بسیاری از کشورهای مشروطه سلطنتی، مانند انگلستان،

دولت یا یکی از وزیران مثلاً Home Secretary که از طرف پادشاه این حق باو واگذار شده است، حق عفو دارد. کمتر اتفاق می افتد که حق عفو به مجمعی واگذار شود. ولی در شوروی این حق به هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی واگذار شده و در سالوادور و ترکیه حق عفو مخصوص مجلس قانونگذاری است.

۷۴ - از طرف دیگر مقامی که حق عفو دارد غالباً دستور میدهد که پرونده امر از طرف هیئتی مطالعه و بررسی شود. باوجود این در بیشتر موارد از نظر قانون دخالت مجمع خاصی در این امر ضروری است مانند آنچه در مراکش، مالاوی، ایالات متحد آمریکا (که هیئت مذکور عبارتست از Board of pardon یا Board of Parole)، فیلیپین، جمهوری ویتنام، فدراسیون مالزی، کامبوج، لبنان و یونان مجراست.

در فرانسه شورای عالی قضات موظف است که نظر خود را در این باره به ریاست جمهوری تقدیم دارد. در کشورهای زیر جلب موافقت حکومت ضروری است: سودان، گامبی، چین و ژاپن که دولت پس از اظهار نظر مجمع خاصی نظر می دهد. همچنین در جمهوری افریقای جنوبی، جزیره موریس، کانادا، هنگ کنگ نظر قبلی شورای اجرائی کشور لازم است.

۷۵ - بعضی از قوانین صریحاً اعلام داشته اند که دادگاه صادر-

کننده حکم باید در باره امکان عفو نظر بدهد؛ مانند سیلان و شیلی و شاید از بعضی جهات استرالایای جنوبی. در سالوادور و اسپانیا

و در بعضی از ایالات متحد امریکا قانون دخالت دیوان عالی را لازم میدانند.

بسیاری از کشورهایی که حضور هیئت منصفه را در دادگاههای جنائی لازم میدانند معمولاً از هیئت منصفه نیز میخواهند که ضمن رأی خود، بترتیبی که غالباً نیمه رسمی است، تمایل خود را دربارهٔ تبدیل مجازات اعدام دارد. بموجب قانون ۱۹۶۱ کانادا در این خصوص باید ضمن پرسشنامهٔ خاصی نظر هیئت منصفه استفسار شود.

۷۶ - در بارهٔ آثار عفو مطلب گفتنی زیاد نیست. عفو از این حیث که قدرتی متکی به سنت پادشاهی است گاهی موجب بخشودگی کامل مجازات میشود و گاهی به تخفیف مجازات می انجامد. اما واضح است که حتی در کشورهایی که بخشودگی کامل محکوم ممکن باشد، این امر کاملاً استثنائی است. بنابراین اعدام در مقام عفو، به مجازات دیگری که معمولاً طویل ترین حبس مقرر در قانون آن کشور است تبدیل میگردد.

۷۷ - بی شک دربارهٔ اینکه در عمل و بر حسب معمول، عفو شامل چه محکومیت‌هایی می شود؛ اطلاعات کمی داریم، زیرا باز باید تکرار کنیم که هنوز هم جنبهٔ دلخواه تصمیم مقام عفو کننده همچنان محفوظ است. با وجود این باید این رسم را که در بسیاری از کشورها وجود دارد یادآور شویم که معمولاً زنان را از اعدام معاف میدارند. این امر بسیار رایج است و گاهی تقریباً اجباری است. در این حال مجازات زن تخفیف می یابد. دربارهٔ پیرمردان نیز همین رسم جاری

است. قانون **فیلی پین** تصریح دارد که اشخاص مسن تر از هفتاد سال را نمیتوان اعدام کرد.

در کشورهای دیگر مانند **پاکستان** رسم بر این است که اشخاص جوان تر از ۱۸ سال و مسن تر از ۶۰ سال اعدام نمیشوند. در **روزیای شمالی** کسانی که به اتهام هتک ناموس بعنف محکوم با اعدام میشوند طبق سنت این کشور مجازاتشان تخفیف می یابد. در اینجا موضوع مورد نظر، طبع جرم است نه شخص مجرم.

۷۸- نباید از یاد برد که در ممالکی که مجازات اعدام را لغو کرده اند حذف اعدام نه تنها اقدامی تقنینی است بلکه موجب میشود که در مورد محکومین با اعدام عفو نیز همیشه و بی قید و شرط تحقق یابد. چنانکه در کشورهای **بلژیک** و **لوکزامبورگ** چنین است.

۳- عفو عمومی

۷۹- تفاوت عفو عمومی با عفو از نظر قضائی این است که عفو عمومی نه فقط اجرای مجازات را موقوف میدارد، بلکه خود محکومیت را نیز محومی کند.

تفاوت دیگر آن دو - لا اقل آنچنان که تا کنون معمول بوده - آنست که عفو جنبه فردی و شخصی دارد، حال آنکه عفو عمومی اساساً دارای خصلت همگانی است. عفو عمومی شامل مجموعه ای از جرائم میشود که بعلت رعایت مصالح عالی کشور فراموش کردن آنها بهتر بنظر میرسد. بهمین سبب است که اساساً عفو عمومی جز بوسیله قانون یا فرمانی که معادل قانون شناخته شود (مانند «ظهير»

در مراکش (محقق نمیگردد. در این صورت قانون آزادانه موارد و شرایط و حدود اجرای عفو عمومی را معین می کند.

گاهی چنانکه در **سومالی شمالی** مرسوم است این حق بموجب و کالتی از طرف **قوة قانونگذاری** به رئیس جمهور واگذار میشود. همچنین در **ژاپن و یونان**، در بعضی موارد، ممکن است بطور استثناء عفو عمومی بوسیله امپراطور یا پادشاه اعمال شود.

۸۰ - با اینهمه ممکن است که قلمرو عفو عمومی محدود باشد.

قانون بعضی از کشورها مانند **داهومی** تصریح دارد که عفو عمومی فقط شامل مجازاتهای حبس یا جریمه میشود. همچنین در تمام کشورهایی نیز که عفو عمومی را پذیرفته اند، ولی هیچگونه مقررات قانونی در این مورد وجود ندارد، ممکن است در عمل دایره اجرای آنرا محدود کنند.

۸۱ - بعضی از کشورها عفو عمومی را فقط شامل جرائم سیاسی یا جرائم مشابه آن میدانند مثل **سالوادور**، **گواتمالا** و **یونان**. بالاخره باید دانست که در حقوق بسیاری از کشورها مانند **ایالات متحده امریکا** و **ممالك مشترك المنافع بریتانیا** عفو عمومی از نظر حقوقی بی سابقه است.

۸۲ - این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که در اینجا بحث عفو عمومی را از نظر کامل شدن موضوع و برای منظور داشتن پاسخهایی که در این باره رسیده بود بپیمان آوردیم. لزوم دخالت **قوة قانونگذاری** یا حداقل رعایت روش منظمی در این مورد، عملاً اجازه نمیدهد

که عفو عمومی محکومی را از اعدام معاف دارد. جز آنکه در موقع تغییر حکومت عفو عمومی که جنبهٔ سیاسی دارد هنگامی صورت گیرد که برخی از احکام محکومیت هنوز بمرحلهٔ اجراء نرسیده باشد. طبیعت عفو عمومی آن را عملاً در مورد محکوم بمرگ غیر قابل اجراء میسازد. از طرف دیگر همانطور که خاطر نشان کردیم هنگامی که قوهٔ قانونگذاری بعضی از جرائم را مشمول عفو عمومی قرار می دهد معمولاً به جرائم متوسط و محکومیت های بالنسبه سبک نظر دارد.

از این معنی نیز چنین بر می آید که بعلم و جهاتی که میتوان باندکی تسامح آن را روانشناسی سیاسی نامید عفو عمومی عملاً در قلمرو اعدام تأثیری ندارد.

بخش دوم

کشورها و سرزمینهایی که مجازات اعدام در آنها اجرا نمیشود

الف - لغو اعدام

۸۳ - لغو مجازات اعدام در پایان قرن هیجدهم، بموجب قانون مشهور لئوپولد دوم که بسال ۱۷۸۶ در «تسکان» وضع شد، نخستین بار در قوانین راه یافت. این قانون تحت تأثیر مستقیم عقاید «بکاریا» بود. سپس بسال ۱۷۸۷ این اندیشه بموجب قانون جزای ژوزف دوم در قانون اتریش نیز راه یافت.

این حوادث که بالطبع پرهیاهو بود چند سال بعد به استقرار مجدد حکم اعدام منجر شد.

در فرانسه مجلس مشهور کنوانسیون بنوبه خود اعلام داشت که «بمحض طلوع آفتاب صلح» مجازات اعدام را لغو خواهد کرد. اما استقرار صلح با استقرار حکم اعدام توأم بود. پس از این زمان

کوشش طرفداران لغو اعدام (همانطور که کوشش سرساموئل رومیلی^۱ نمونه مشهور آنست) نه تنها متوجه لغو مجازات اعدام شد بلکه کاستن از تعداد جرائمی هم که مجازات اعدام دارد، مورد توجه آنان قرار گرفت. این نکته بسیار بازگو شده است که در سال ۱۸۰۰ در انگلستان مجازات بیش از دویست جرم، اعدام بود. در سال ۱۸۶۳ شماره این جرائم به سه رسید که از آن میان تنها يك جنایت یعنی قتل باسابق تصمیم (murder) عملاً مجازات اعدام داشت.

۸۴ - بدین گونه می توان از نوعی لغو نسبی اعدام سخن گفت که جانشین لغو کامل اعدام شد. زیرا رسیدن به مرحله لغو کامل این مجازات برای حکومت ها، قانونگذارها و افکار عمومی ملت ها بسیار مشکل بود.

میتوان گفت که در قرن نوزدهم سیاست کلی لغو اعدام بشرحی بود که باز گفتیم. اضافه بر آن در موارد نادری که مجازات اعدام باقی مانده بود کوشش میشد که از اجرای آن پیشگیری شود. در اواسط قرن نوزدهم و مخصوصاً پس از وضع قانون جزای ۱۸۸۹ ایتالیا لغو کامل اعدام از نو مطرح شد و در قرن بیستم رونق تازه ای یافت.

۸۵ - با وجود این نگاهی بجدول جرائمی که مجازات مرگ دارد کافی است تا ثابت کند که شماره کشورهایی که جنایاتی جز قتل همراه با موجبات مشدد را مستوجب مرگ میدانند بیش از پیش رو بکاهش است. با این همه برقراری مجازات اعدام را در باره

جرائم سیاسی، که از پدیده‌های چشمگیر جامعه‌شناسی قضائی در سی سال اخیر است، باید استثنائی بر این امر دانست. پیدایش تمایلی بسوی قانون جزای «سخت گیر»^۱ که در نیمه اول قرن بیستم آغاز شد، پیشرفت آرام نهضت لغو اعدام را که تقریباً جهانگیر شده بود متوقف کرد.

بدنبال موجبات و اوضاع و احوال مختلفی که بیشتر آنها زاده همین امر بود، مجازات اعدام در بعضی موارد با جنبه‌های کم و بیش خشن دوباره احیاء شد و از نظری میتوان گفت وسعت تازه‌ای یافت.

۸۶- عملاً کشوری را نمیتوان یافت که در آن هیچگاه مجازات اعدام مرسوم نبوده است. اما بعضی از سرزمین‌ها که در دورانهای اخیر بصورت کشوری درآمده است مانند **آلاسکا و هاوایی** از این قاعده مستثناست؛ ولی حتی در این سرزمینها نیز قبل از آنکه بصورت کشوری در آیند مجازات اعدام رایج بوده است.

۸۷- غالباً پیش از آنکه اعدام رسماً در کشوری منسوخ شود مدتی در عمل متروک بوده است. در این باره ذکر چند مثال کافی است:

در **پرتغال** آخرین اعدام بسال ۱۸۴۸ صورت گرفته و مجازات مذکور بسال ۱۸۶۸ رسماً لغو شده است. در **دانمارک** آخرین اعدام بسال ۱۸۴۲ اجراء شده و قانون ۱۸۶۶ این مجازات را پیش‌بینی کرده اما هیچکس بموجب آن اعدام نشده است. قانون ۱۹۳۰ این

کشور ذکری از مجازات مذکور ندارد.

بنابراین میتوان گفت که در این کشور اعدام لغو شده است. در دولت **دلاوار** اعدام برطبق نظریه‌یست خاصی که بسال ۱۹۵۸ مأمور این کار شد لغو گردید. در این دولت از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۹ دوازده تن اعدام شده‌اند، در حالی که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۸ هیچکس اعدام نشده است.

۸۸ - در سایر موارد ابتدا اعدام منحصر بجرائم محدودی گردیده و سپس بطور کلی از میان رفته است. در **برزیل** هنگام اعلام استقلال، بسال ۱۸۲۲، در حدود چهل جرم مجازات اعدام داشت، سپس این جرائم به سه جرم: قتل و سرقت همراه با موجبات مشدد و قیام بردگان تقلیل یافت. پس از جمهوری شدن این کشور در سال ۱۸۸۹ قانون اساسی جدید مجازات اعدام را لغو کرد.

همچنین در **اکوادور**، نهضت مداوم محدود کردن اعدام که از سال ۱۸۵۲ آغاز شده بود در سال ۱۸۹۷ بموجب قانون اساسی جدید موفق به لغو این مجازات گردید. گاهی لغو اعدام پیش از آنکه در جرائم عادی معمول شود در مورد جرائم سیاسی عملی گردیده است. مثلاً در **پرتغال** این امر در دو مرحله انجام شده: یکی بوسیله فرمان ۱۸۲۶ سپس، بموجب قانون جزای ۱۸۶۷.

در **ونزوئلا** بسال ۱۸۵۷ اعدام در مورد جرائم سیاسی حذف شد و در مورد جرائم عادی در سال ۱۸۶۳ لغو گردید. ممکن است حذف مجازات اعدام در مورد جرائم سیاسی به لغو

بعدی اعدام در مورد جرائم عادی منتهی نشود چنانکه وضع قانون فرانسه مصداق این مدعا است. در این کشور بسال ۱۸۴۸ اعدام در مورد جرائم سیاسی لغو شد ولی این امر هیچگاه به لغو کامل مجازات اعدام نینجامید. از طرفی فرامین قانونی سال ۱۹۶۰ این مجازات را در مورد بعضی از جرائم سیاسی دوباره برقرار کرد. بالاخره باید دانست که در گال جدید جنوبی تقریباً لغو کامل اعدام در سال ۱۹۵۵ عملی شده است. در این کشور تنها خیانت و راهزنی مجازات مرگ دارد. ولی از سال ۱۹۳۹ تا کنون هیچکس اعدام نشده است.

۸۹ - دانستن علل لغو مجازات اعدام در کشورهایی که باین کار دست زده اند موضوعی جالب است اما تحقیق در آن گاهی دشوار می نماید. با وجود این بموجب مندرجات پرسشنامه هایی که در این باره تنظیم شده است، علل این اقدام که رسماً اعلام شده در بسیاری از موارد بشرح زیر است :

۱- عبرت انگیز بودن مجازات اعدام مسلم نیست، یا اینکه محل بحث و تأمل است.

۲ - بسیاری از جرائم مستوجب اعدام عملاً توسط کسانی صورت میگیرد که فاقد تعادل قوای روانی هستند و بیشترشان بدین سبب محکوم بمرگ میشوند.

۳ - در مورد مجازات اعدام عدم تساویهای زننده ای در عمل بچشم میخورد. این امر یا به سبب سخت گیریهای گوناگون دادگاههاست، یا بسبب، موجبات اقتصادی و اجتماعی. بهمین جهات

مجازات مرگ ممکن است بیشتر دامان متهمانی را بگیرد که بعلت ضعف قوه مالی قادر به دفاع از خود نیستند.

۴ - مجازات مرگ روال عادی عدالت جزائی را بخطر می افکند، خواه بسبب عدم مساواتهای که بدانها اشاره شد، خواه بدین سبب که دادگاهها در مقابل مجازات سنگین دچار تردید میشوند.

۵ - با همه دقتها و احتیاطها باز هم امکان غیر قابل انکار اشتباه قضائی باقی است و بعضی از کشورها به سبب تردید در باره مجرمیت اشخاص اعدام شده این مجازات را لغو کرده اند (مخصوصاً ایالت های ردایلند و ویس کنسین و ماین واقع در ایالات متحد آمریکا در این شمارند).

۶ - هیجان حاصل از اعدام، هم در موقع صدور حکم و هم در حین اجرای آن، وضع سلامت زدائی ایجاد میکند. تا بدانجا که عده ای با قطع یقین عقیده دارند که خود اعدام زمینه ای برای وقوع جرم ایجاد میکند.

۷ - آنجا که در فواید مجازات اعدام سخن از حمایت مؤثر جامعه در برابر وقوع جرائم است ملاحظه میشود که حبس دائم برای تأمین این منظور کافی است. این اندیشه مخصوصاً در کشورهای آمریکای لاتین که مجازات اعدام را لغو کرده اند مورد نظر بوده است.

۸ - کوشش های کسانی که منفرداً در این راه کوشیده اند و همچنین جمعیت ها و مجامعی که بمنظور لغو اعدام تشکیل گردیده در حذف مجازات مرگ مؤثر بوده است.

۹- رشد افکار عمومی در پاره‌ای از کشورها موجب شده است که اعدام مجازاتی بیهوده و ناپسند تلقی گردد. در این باره عدم مساوات در امر اجرای حکم اعدام چه بسا که اندیشه مذکور را تقویت کرده است. رعایت نشدن مساوات در این امر، اعدام را بصورت قماري شوم درمی آورد، در صورتی که در قانون مجازات، اعدام يك ضمانت اجرای مطلق تعریف میشود.

۱۰- در بعضی از کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده باین نتیجه رسیده اند که هیچ مجرمی، حتی مرتکب جنایات مهم را نیز نمیتوان غیر قابل اصلاح دانست.

۱۱- کم بودن شماره اعدام‌ها نیز غالباً قانونگذاران را به لغو این مجازات وادار کرده است. مثال این امر پرتقال و بعضی از کشورهای امریکای لاتین است. همینکه اعدام عملاً امری استثنائی شد؛ دیگر، هم جنبه تهدیدی خود را از دست میدهد، و هم تساوی در برابر اجرای مجازاتها را متزلزل می کند.

۱۲- ترس از اینکه مبدا اعدام بمنظورهای سیاسی بکار رود نیز یکی دیگر از موجباتی بوده که قانونگذاران را مخصوصاً در آمریکای لاتین به لغو این مجازات واداشته است.

۱۳- افراط در مجازات اعدام، چه از نظر کثرت اعدامهای اجرا شده چه از نظر زیادی جرائمی که مجازات مرگ دارد، نیز از مواردی است که جزو دلایل لغو این مجازات ذکر شده، چنانکه بسال ۱۹۵۹ در جمهوری متحد آلمان اعدام بدین سبب لغو گردیده است.

۱۴ - بعضی از اوقات لغو اعدام (و گاهی متقابلاً بر قراری مجدد آن) بعلت قدرت یافتن حزبی بوده که الغاء یا بر عکس ابقای اعدام جزء برنامه آن قرار داشته است. چنانکه این وضع در زلاندنو پیش آمده است.

۱۵ - همچنین در بعضی از کشورها و مخصوصاً در کشورهای مختلف آمریکای لاتین قوانین عادی و گاهی قوانین اساسی، حیات بشری را مطلقاً تجاوز ناپذیر میدانند و با قبول این اصل وجود اعدام طبعاً منتفی میگردد.

۹۰ - میدانیم که گاهی حذف اعدام موقتی بوده است. اگر تاریخچه حذف این مجازات را در سه ربع قرن اخیر مرور کنیم معلوم می شود که مثلاً در اسپانیا اعدام در سال ۱۹۳۲ لغو گردیده است، آنگاه در سال ۱۹۳۴ در باره بعضی از جنایات دوباره برقرار شده، سپس استقرار مجدد آن بموجب قانون ۱۹۳۸ تأیید گردیده و بعد بسال ۱۹۴۴ در رأس مجازات های قانون جزا قرار گرفته است.

در اتریش اعدام در سال ۱۹۱۹ لغو شده، در ۱۹۳۴ دوباره معمول گردیده، سپس در سال ۱۹۴۵ لغو شده و در ۱۹۵۰ قطعاً از میان رفته است.

در ایتالیا قانون ۱۸۸۲ اعدام را مسکوت گذاشته بود، اما حکومت فاشیست ابتدا در سال ۱۹۲۸ آن را احیاء کرد و سپس در قانون جزای سال ۱۹۳۰ گنجانید. اما در سال ۱۹۴۴ بموجب قانون دهم اوت، اعدام دوباره در این کشور لغو شد.

در سوئیس قانون اساسی ۱۸۷۴ اعدام را لغو کرد اما بسال ۱۸۷۹ تجدید نظر در قانون اساسی کانتون‌ها آن را احیاء کرد، تا اینکه قانون جزای ۱۹۳۷ که از سال ۱۹۴۲ بمرحله اجرا درآمد، اعدام را بطور قطع لغو کرد.

در ایالات متحد آمریکا **ایالتی** ۹ ایالتی که اعدام را لغو کرده بودند دو باره آن را قانونی شناختند. در این باره باید اشاره کرد که ایالت کانزاس ۴۸ سال، از ۱۸۸۷ تا ۱۹۳۵، لغو اعدام را حفظ کرد، در صورتیکه در داکوتای جنوبی حذف اعدام فقط ۲۴ سال از ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۹ ادامه داشت.

در زلاند نو از ۱۹۱۹ تا ۱۹۵۱ مجازات اعدام حذف شده بود، سپس در این سال احیاء شد و سرانجام دوباره بسال ۱۹۶۱ لغو گردید.

در **شوروی** اعدام بموجب فرمان ۱۹۴۷ نسخ گردید، در ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۰ برای مجازات خیانت و جاسوسی و خرابکاری دوباره برقرار شد و در ۳۰ آوریل ۱۹۵۴ دامنه آن تا قتل عمد توسعه یافت. اصول حقوق جزای سال ۱۹۵۸ این کشور، اعدام را در مورد مختلف لازم دانست. ماده ۲۳ قانون جزای ۱۹۶۰ نیز این نظر را تأیید کرد. در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ اعدام در قوانین مختلف شوروی در مورد جرائم تازه‌ای که جنبه اقتصادی دارد یا برضد نظم عمومی صورت میگیرد، وضع گردیده است.

ب - مجازاتی که جانشین اعدام میشود

۹۱ - همانطور که گفتیم مجازاتی را که جانشین اعدام میشود

نمی‌توان دقیقاً تعیین کرد مگر اینکه مطالعه کاملی درباره کلیه مجازات‌های که اکنون اجرا می‌شود صورت گیرد و چنین مطالعه‌ای از حوصله این کتاب بیرون است.

۹۲ - عملاً در تمام کشورها کیفری که جانشین اعدام می‌شود مجازات حبس است. غالباً، یا لا اقل در مورد جنایات مهم، این کیفر طویل‌ترین مدت حبس است که در کشورهای مختلف به اسامی گوناگون نامیده می‌شود. در بلژیک و جمهوری متحد آلمان این مجازات به حبس با اعمال شاقه موسوم است، در ایتالیا Ergastolo نام دارد. در اتریش و سوئیس و آرژانتین و اکواتور حبس دائم نامیده می‌شود. همچنین است در کشورهای دانمارک و فنلاند و نروژ و هلند و سوئد و کویتز لاند و گال جدید جنوبی و زلاندنو.

۹۳ - در قانون بعضی از کشورها حبس دائم پیش‌بینی شده است، مثلاً در پرتغال که به سال ۱۸۶۷ حبس دائم جانشین اعدام شده بود، در سال ۱۸۸۴ دائمی بودن مدت زندان لغو گردید. امروز در این کشور بموجب فرمان ۱۹۳۶ اصلاحی سال ۱۹۵۴ حبس از بیست تا بیست و چهار سال جانشین اعدام شده است. در سن مارن و جمهوری دومینیک و اوروگه و برزیل و ونزوئلا نیز چنین است. در شوروی بموجب فرمان ۱۹۴۷ مجازات اعدام لغو شد و حبس بمدت ۲۵ سال بجای آن مقرر گردید.

۹۴ - باید اضافه کرد که در کشورهایی که بحکم قانون اعدام بحبس دائم تبدیل می‌شود، حبس دائم را نیز می‌توان بعلل معمول

دیگر به حبس موقت تبدیل کرد همچنین می توان اعدام را مستقیماً به حبس موقت تخفیف داد. این قانون در بلژیک مجراست.

۹۵ - جای آن نیست که در اینجا به جزئیات مسئله مورد بحث بیش از این توجه کنیم. همه می دانند که حبس دائم هر چند در قانون پیش بینی شده باشد طبق سیاست تأدیبی جدید، در عمل، دائمی نخواهد ماند. راست است که بعضی از قوانین مانند قانون جمهوری فدرال آلمان و کویتز لاند مقرر داشته اند که محکوم به حبس ابد اصولاً نمی تواند از آزادی مشروطه استفاده کند. اما استفاده از عفو، در کشورهایی که آنرا پذیرفته اند، ممکن است حبس دائم را به حبس موقت تبدیل کند و در این صورت محکوم می تواند از آزادی مشروط برخوردار شود.

۹۶ - چنین آزادی مشروطی، در قوانین کشورهای زیر صریحاً قید شده است:

اتریش، دانمارک (اگر دو سوم محکومیت اجرا شده باشد یا نه سال از آغاز محکومیت گذشته باشد) لوگزامبورگ، بلژیک، نروژ، سوئد، هلند (که آزادی مشروط، بشرط گذارندن دو سوم مورد محکومیت ممکن است).

۹۷ - بی شک در کشورهایی که اعدام معمول است در صورت عدم اجرای مجازات اعدام، ممکن است محکوم از مجازاتی خفیف تر و حتی از آزادی مشروط استفاده کند.

در این مورد نیز اگر قانون، استفاده از آزادی مشروط را خواه

برای محکومین به حبس ابد خواه برای محکومینی که مجازات اعدامشان بمجازات دیگری تبدیل شده است، منع کند (و بطوریکه دیدیم معمولاً بجای اعدام حبس ابد مقرر میشود) عفو بعدی محکوم ممکن است بابتزل حبس دائم وی به حبس موقت، او را مشمول مقررات آزادی مشروط قرار دهد.

فصل دوم

مسائل عملی مربوط به اعدام

۹۸- مسائل عملی مربوط به اعدام را فقط در کشورهایی بررسی میکنیم که این مجازات پیش‌بینی شده باشد.

در ممالکی که مجازات اعدام لغو شده است مسئله اصلی عبارت است از بررسی مجازاتی که جانشین اعدام میشود، و دانستن این موضوع که از چه تاریخی آزادی محکوم امکان دارد. همانطور که دیدیم برای بررسی کامل این مسئله باید مطالعه جامعی در مجازات‌های سلب‌کننده آزادی و آزادی مشروط و آزادی بقید قول شرف صورت پذیرد. مسائل مربوط به زندانیان و سیاست تأدیبی در واقع کاملاً متمایز از مسئله اعدام است. هر چند زندانیان کسانی باشند که بر اثر عواملی از اعدام نجات یافته باشند. چون مجبوریم موضوع سخن را به مسئله اعدام، که خود مسائل گوناگونی را مطرح میکند، محدود سازیم، در این فصل فقط به مسائل عملی در کشورهایی که مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند خواهیم پرداخت.

۹۹- در این باره سه رشته مسئله شایان توجه و بررسی است: ابتدا باید دانست در زمان ما چه جنایاتی واقعاً مجازات اعدام دارد؛ ثانیاً باید دید نتیجه اطلاعات و معلومات ما از آمار مربوط به اعدام در مدتی که میتوان آن را به پنج سال اخیر محدود کرد کدام است. ثانیاً با توجه باین مسئله و ملاحظات فنی دیگر باید شرایط اجرای حکم اعدام را تعیین کرد.

اول - جرائمی که در قوانین مختلف امروز مجازات اعدام دارد

۱۰۰ - گذشته از اشکالات ناشی از اصطلاحات مختلف، میتوان در عمل جنایاتی را که مجازات اعدام دارند به چند دسته تقسیم کرد:

اولین آنها جنایات ضد اشخاص و مخصوصاً ضد حیات افراد است. این جرائم بسیار زیادند و میتوان گفت که تا این اواخر تکامل حقوق در این مسیر بوده است که جز قتل همراه با کیفیات مشدد، جرائم دیگر این نوع را مستوجب اعدام نشناسند. با وجود این، خواه بنا به پیروی از سنت گذشته خواه بعقل جامعه شناسی، در مورد بعضی از جرائم دیگر نیز مجازات اعدام را حفظ کرده اند.

بالاخره بر اثر اندیشه‌ای که در برخی از کشورها جنایات بر ضد اقتصاد و جامعه را در درجه اول اهمیت قرار داده، مجازات آن جرائم در بعضی موارد اعدام تعیین شده است. در حالی که

نهضت آزادی طلبی در حقوق قرن نوزدهم بحذف اعدام در مورد جرائم سیاسی منتهی شده بود، عده‌ای از کشورها در قرن بیستم جراثمی را که متعرض نظام عمومی دولت است تا حد وسیعی در ردیف «جرائم برضد تخت و تاج» یا «جرائم نفرت‌انگیز» حقوق قدیم قرار داده‌اند.

۱۰۱ - گذشته از این ملاحظات مقدماتی برای اطلاع از جنایاتی که امروزه در کشورهای مختلف عملاً مجازات اعدام دارند میتوان بتوضیحات زیر اکتفا کرد. این توضیحات جدولی را که در پایان کتاب آورده‌ایم و هر جرم را در مقابل کشور و سرزمین مربوط ذکر کرده‌ایم تکمیل میکند.

۱- جرائم برضد اشخاص

۱۰۲ - الف) اقدام برضد حیات اشخاص - این جنایت ممکن است بچند صورت انجام گیرد:

۱۰۳ - قتل باسبق تصمیم - این جرم در بیشتر موارد جنایت بزرگی بشمار میرود و در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد:

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، استرالیا، (دولت مرکزی، استرالیای غربی و جنوبی و شمالی، تاسمانی، ویکتوریا)، افغانستان، انگلستان، ایالات متحد آمریکای شمالی (آرکانزاس، آریزونا، آلاباما، اورگون، اوکلاهما، اوهایو، آیداهو، ایلینویز، ایندیانا، آیووا، پنسیلوانیا، تکزاس، تنسی، جورجیا، داکوتای جنوبی، دولت مرکزی، فلوریدا، کارولینای شمالی و جنوبی،

کالفرنیا، کانزاس، ناحیه کلمبیا، کلورادو، کنتاکی، کنگتی کت،
 لوئیزیان، ماریلاند، ماساچوست، مونتانا، میسوری، میسیسیپی،
 نبراسکا، نوادا، نیوجرسی، نیومکزیکو، نیوهمپشایر، نیویورک،
 واشنگتن، ورمونت، ویرجینیا، ویرجینیای غربی، وایومینگ، یوتا) ایران،
 برمه، بلژیک^۱، پاکستان، تانگانیکا، ترکیه، توگو، جبل الطارق،
 جزیره موریس، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب،
 جمهوری ویتنام، چکوسلواکی، چین، داهومی، رودزیای شمالی،
 زنگبار، ژاپن، ساحل عاج، سالوادور، سودان، سورینام، سومالی
 (شمالی) سیام، سشل، سیلان، شیلی، عراق، غنا، فدراسیون مالزی،
 فرانسه، فیلیپین، کانادا، گامبی، گواتمالا، گینه جدید، لائوس،
 لبنان، لوگزامبورک، لهستان، لیبیا، مجمع جزایر آرام غربی،
 مراکش، نیاسالند، نیجریه، نیکاراگوئه، هند، هنگ کنگ،
 یوگسلاوی، یونان.

۱۰۴ - مطلق قتل در کشورهای زیر کیفر اعدام دارد:

پاکستان، تانگانیکا، جمهوری آفریقای جنوبی، رودزیای
 شمالی، زنگبار، سودان، سومالی (شمالی)، سیام، غنا، فدراسیون
 مالزی، فیلیپین، گامبی، گینه جدید، لهستان، نیاسالند، نیجریه، هند.

۱۰۵ - باین موارد میتوان « قتل در ضمن جنگ تن بدن » را

۱ - هر چند بلژیک و لوگزامبورک اعدام را عملاً اجرا نمی کنند،

اما در قوانین آنها پیش بینی شده است. بنابراین ممکن است حکم اعدام از
 دادگاهی صادر شود اما هیچگاه اجرا نمی گردد.

اضافه کرد که در ایالات متحد آمریکا در ایالت‌های زیر کیفر اعدام دارد:

آرکانزاس، اوکلاهما، ایندیانا، آیوا، تکزاس، جورجیا، داکوتای جنوبی، فلوریدا، کارولینای شمالی، ماساچوست، می‌سی‌سی‌پی، نبراسکا، نوادا، ویرجینا، ویرجینای غربی، وایومینگ.

۱۰۶- همچنین در ایالات متحد آمریکا میتوان «لینچ» کردن را بعنوان جنایتی که مجازات اعدام دارد ذکر کرد. این قانون در ایالت‌های آرکانزاس، آلاباما، ایندیانا، پنسلوانیا، جئورجیا، کارولینای جنوبی، کانزاس، کنتاکی، ویرجینا و ویرجینای جنوبی مجراست.

۱۰۷- مسموم کردن که در واقع قتلی توأم با سبق تصمیم و همراه با کیفیات مشدد است در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد: بلژیک، توگو، جزیره موریس، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب، جمهوری ویتنام، داهومی، ژاپن، (مسموم کردن آب آشامیدنی که منجر بمرگ شود) ساحل عاج، عراق، فرانسه، گواتمالا، لائوس، لوگزامبورگ، مراکش.

۱۰۸- پدرکشی یا فرزندکشی در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد:

اسپانیا، بلژیک، ترکیه، توگو، جزیره موریس، چین، داهومی، ژاپن، ساحل عاج، سالوادور، سیام، عراق، فرانسه، فیلیپین،

گواتمالا، لائوس، لبنان، لوگزامبورک، مراکش، نیکاراگوئه.

۱۰۹ - قتل توأم باجنایتی دیگر (سرقت، راهزنی، راهزنی دریائی) در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد:

اسپانیا، انگلستان، برمه، بلژیک، پاکستان، ترکیه، توگو، جبل الطارق، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب، جمهوری ویتنام، چین، داهومی، ژاپن، ساحل عاج، سالوادور، سودان، سورینام، سیام، سشل، شیلی، عراق، فرانسه، فیلیپین، کانادا، گواتمالا، لبنان، لوگزامبورک، مجمع الجزیر آرام غربی، مالاوی، نیکاراگوئه، هند، هنگ کنگ.

۱۱۰ - قتل مأمور پلیس یا مستخدم دولت در حین انجام وظیفه. (غالباً اعمال قهر و خشونت شدید منجر بمرگ این اشخاص نیز در همین حکم است) که در کشورهای زیر کیفر اعدام دارد:

انگلستان، برمه، پاکستان (در مواقع استقرار حکومت نظامی) جبل الطارق، داهومی، ساحل عاج، سودان (شروع باین جرائم نیز مجازات دارد)، سومالی (شمالی) (شروع باین جرم ها هم مجازات دارد) سیام، عراق، لائوس، هند (در دو کشور اخیر برای شروع بجرائم مذکور نیز مجازاتهای پیش بینی شده است).

۱۱۱ - همچنین است قتل یا جرح و ضرب شدید بوسیله یکتفر زندانی نسبت بدیگران حتی نسبت به زندانی دیگر در مدت گذراندن مجازات که در ایالات متحد آمریکا (آریزونا، داکوتای شمالی، رد آیلند و کالیفرنیا) کیفر اعدام دارد.

۱۱۲- ضرب و جرح شدید منتهی بمرگ كودك در کشورهای توگو، داهومی، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری، ویتنام، ساحل عاج، فرانسه، مراکش، مجازات اعدام دارد.

۱۱۳- آتش زدن عمدی یا هر گونه تخریب منتهی بمرگ، در کشورهای زیر کیفر اعدام دارد:

انگلستان، ایالات متحد آمریکای شمالی، (آرکانزاس، آلاباما، ایلینویز، ایندیانا، جورجیا، کارولینای شمالی، کانزاس، میسوری، میسیسیپی، ورمونت، ویرجینا) ایران، بلژیک، ترکیه، توگو، جبل الطارق، جزیره موریس، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب، چین، داهومی، ژاپن، ساحل عاج، سومالی (شمالی)، شیلی، گواتمالا، یوگسلاوی.

۱۱۴- شرکت در خودکشی کودکان، مسمومین یا دیوانگان در کشورهای سودان، سومالی (شمالی)، سیلان (در مورد شرکت در خودکشی هر کس) ایالات متحد آمریکا (در آرکانزاس همدستی با خودکشی اشخاص در هر مورد) و هندوستان مجازات اعدام دارد.

۱۱۵- سقط جنین منتهی بمرگ زن که در ایالات متحد آمریکای شمالی، در ایالت های ایلینویز و کنتاکی و ویرجینای غربی، مجازات اعدام دارد. همچنین است سقط جنین ساده در جورجیا.

۱۱۶- (ب) جنایات برضد افراد

۱۱۷- هتك ناموس خواه منتهی بمرگ شود مانند آنچه در ترکیه، ژاپن و فیلیپین مقرر است، خواه هتك ناموس ساده که در

کشورهای زیر مجازات مرگ دارد:

ایالات متحد آمریکای شمالی (آرکانزاس، آلاباما، اوکلاهما، تکزاس، تنسی، جئورجیا، فلوریدا، کارولینای جنوبی، کارولینای شمالی، ناحیه کلمبیا، کنتوکی، لویزیان، ماری لاند، میسوری، میسیسیپی، نوادا، ویرجینیا، ویرجینیای غربی) جمهوری افریقای جنوبی، چین، رودزیای شمالی، مالاوی.

۱۱۸- اخته کردن منتهی بمرگ در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد: ایالات متحد آمریکای شمالی (در جئورجیا اخته کردن در هر مورد مجازات مرگ دارد)، توگو، جمهوری افریقای مرکزی، جزیره موریس، داهومی، ساحل عاج، لائوس، مراکش.

۱۱۹- خرید و فروش مواد مخدر در بعضی موارد خاص و مهم در کشورهای ایران، ترکیه، چین، ایالات متحد آمریکا (ایالت مرکزی) مجازات اعدام دارد.

۱۲۰- ربودن اطفال مجازات اعدام دارد، خواه در موردیکه منجر بمرگ طفل میشود: در کشورهای توگو، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری ویت نام، ساحل عاج، فرانسه، مراکش، خواه در موردیکه با کیفیات مشدد مخصوصاً طلب مالی در ازای پس دادن کودک توأم باشد: در کشورهای شیلی و ایالات متحد آمریکای شمالی (آرکانزاس، آریزونا، آلاباما، اوکلاهما، اوهایو، آیداهو، ایلینویز، ایندیانا، آیوا، تکزاس، تنسی، جئورجیا، داکوتای جنوبی، فلوریدا، کارولینای جنوبی، کالیفرنیا، کلرادو،

کنتوکی، کانکتی کت، لویزیان، ماریلاند، مونتانا، میسوری، میسیسیپی، نبراسکا، نوادا، نیوجرسی، نیومکزیکو، نیویورک، واشنگتن، ورمونت، ویرجینیا، ویرجینیای غربی، وایومینگ، یوتا. این جرم با دامنه‌ای وسیع‌تر در کشورهای داهومی، فدراسیون مالزی، فیلیپین و ایالت مرکزی آمریکای شمالی مجازات مرگ دارد.

۱۲۱- توقیف غیرقانونی همراه با شکنجه بدنی در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد:

ایران، توگو، چکوسلواکی، چین، داهومی، فرانسه، فیلیپین، گواتمالا، لائوس (که نقص عضو بر اثر جادوگری نیز مجازات مرگ دارد).

۱۲۲- جرائم دیگری که ممکن است برضد اشخاص صورت گیرد یا مرکب از چند جرم باشد:

۱۲۳- شهادت دروغ هنگامی که منتهی به محکومیت کسی با اعدام گردد یا در موارد مهم منجر بتوقیف بیمورد افراد شود، در کشورهای زیر کیفر اعدام دارد:

ایالات متحد آمریکا شمالی (آریزونا، آیداهو، ایلینویز جورجیا، کالیفرنیا، کلرادو، مونتانا، میسوری، نبراسکا، نوادا، ورمونت، ویرجینیای غربی)، ترکیه، توگو، جمهوری متحد عرب، داهومی، ساحل عاج، سودان، سومالی (شمالی و مرکزی و جنوبی)، سیلان، عراق، فرانسه، لوگزامبورگ، مراکش، هند. ۱۱۴- ارتکاب جرم پس از گذراندن طویل‌ترین مدت حبس

پیش‌بینی شده در قانون یا در مورد تعدد جرم هنگامی که مجازات یکی از آنها طویل‌ترین مدت حبس باشد، در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه، توگو، داهومی، چین، سومالی، (جنوبی و مرکزی)، شیلی، عراق، مراکش، کیفر مرگ دارد.

۱۲۵ - خسارات مهمی که به وسائط نقلیه وارد آید از قبیل متوقف کردن قطار برای دزدی و تخریب آن^۱ در ایالات متحد آمریکای شمالی (آریزونا، آلاباما، اورگون، اوهایو، آیداهو، ایندیانا، پنسیلوانیا، جئورجیا، فلوریدا، کالیفرنیا، ناحیه کلمبیا، کنتوکی، ماریلاند، مونتانا، براسکا، نوادا، نیویورک ویرجینیای غربی، وایومینگ).

۲ - جرائم برضد اموال و جرائم اقتصادی

۱۲۶ - الف) سرقت همراه با کیفیات مشدد (مخصوصاً در موقع داشتن سلاح) در کشورهای زیر مجازات اعدام دارد:
ایالات متحد آمریکا (در ایالت مرکزی سرقت مسلحانه در بانکها، و نیز در آلاباما، تکزاس، کارولینای شمالی، کنتوکی، میسوری، می‌سی‌سی‌پی، ویرجینیا)، توگو، جمهوری افریقای جنوبی، داهومی، ساحل عاج، فرانسه، گینه جدید، یونان.

۱۲۷ - ب) دزدی دریائی بقوه قهریه در کشورهای اسپانیا، استرالیا (حکومت مرکزی، استرالیای غربی و جنوبی و شمالی، گال جدید جنوبی)، جبل الطارق، سشل، شیلی، فیلیپین، کانادا،

گواتمالا، مجمع‌الجزایر آرام غربی، مالاوی، هنگ‌کنگ .
 ۱۲۸ - پ) احتکار یا گرانفروشی در موارد مهم و اختلاس
 اموال عمومی در کشورهای اسپانیا، جمهوری ویت نام، چین،
 یوگسلاوی، مجازات مرگ دارد.

۱۲۹ - ت) جعل اسکناس و ساختن سکه‌قلب و انجام دادن معاملات
 نامشروع ارزش خارجی در شوروی و لهستان مجازات مرگ دارد.
 ۱۳۰ - ث) جنایت ضد مالکیت اجتماعی در شوروی، لهستان،
 یوگسلاوی که در همه این موارد مجازات مرتکب مرگ مقرر شده
 است.

۳ - جرائم برضد مصالح عمومی و جرائم سیاسی

۱۳۱ - الف) اقدام برضد امنیت خارجی دولت :

۱۳۲ - خیانت در کشورهای زیر کیفر اعدام دارد:

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، استرالیا، اندونزی، ایالات متحد
 آمریکای شمالی؛ (ایالت مرکزی، آرکانزاس، آریزونا، آلاباما،
 اورگون، ایلینویز، ایندیانا، تکزاس، جورجیا، داکوتای شمالی،
 کالیفرنیا، کانزاس، کانکتی‌کت، لوئیزیان، ماریلاند، مونتانا،
 میسوری، می‌سیسی‌پی، میشیگان، نوادا، نیوجرسی، نیویورک،
 واشنگتن، ورمونت، ویرجینیا، ویرجینیای غربی)، ایران، برمه،
 بلژیک، پاکستان، تانگانیکا، ترکیه، توگو، جبل‌الطارق، جزیره
 موریس، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری آفریقای جنوبی،
 جمهوری متحد عرب، جمهوری ویت نام، چکوسلواکی، چین،

داهومی، رودزیای شمالی، زلاندنو، زنگبار، ژاپن، ساحل عاج، سالوادور، سومالی، (مرکزی و جنوبی)، سیام، سشل، سیلان، عراق، غنا، فدراسیون مالزی، فرانسه، فیلیپین، کانادا، گامبی، گواتمالا، شیلی، لبنان، لوگزامبورگ، لهستان، لیبیا، مجمع - الجزایر آرام غربی، مراکش، نیجریه، هنگ کنگ، یوگسلاوی، یونان.

۱۳۳ - جاسوسی در کشورهای زیر :

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، ایالات متحد آمریکا (دولت مرکزی)، ایران، ترکیه، توگو، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب، جمهوری ویتنام، چکوسلوواکی، چین، داهومی، سالوادور، سومالی (مرکزی و جنوبی)، فرانسه، لوگزامبورگ، لهستان، مراکش، یوگسلاوی، یونان.

۱۳۴ - داشتن رابطه یا همکاری با دشمن در کشورهای زیر :

استرالیا، آنتیل، اندونزی، انگلستان، ایران، بلژیک، پاکستان، ترکیه، جمهوری افریقای مرکزی، چین، زلاندنو، ژاپن، سورینام، عراق، فیلیپین، کانادا، لبنان، لوگزامبورگ، مجمع الجزایر آرام غربی، یوگسلاوی.

۱۳۵ - اقدام برضد تمامیت و استقلال کشور، در ممالک زیر :

اسپانیا، استرالیا، چین، رودزیای شمالی، زنگبار، ژاپن، سورینام، سومالی (مرکزی و جنوبی)، عراق، فرانسه، یوگسلاوی، یونان.

۱۳۶ - ب (اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور

۱۳۷ - شورش مسلحانه، قیام یا توطئه بر ضد دولت در کشورهای

زیر:

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، استرالیا، ایران، برمه،
پاکستان، ترکیه، جزیره موریس، جمهوری آفریقای مرکزی،
چکوسلواکی، چین، زلاند نو، ژاپن، سودان، سومالی (شمالی
و مرکزی و جنوبی) عراق، غنا، گواتمالا، لائوس، لهستان، مراکش،
هند، یوگسلاوی.

۱۳۸ - قتل در ضمن آشوب یا شورش: در ایالات متحد

آمریکای شمالی (اوکلاهوما، جئورجیا، کلرادو، کنتوکی).

۱۳۹ - ج (اقدام بر ضد نظم داخلی کشور

۱۴۰ - سوء قصد بر ضد حیات رئیس دولت در کشورهای زیر

مجازات اعدام دارد:

اسپانیا، استرالیا، اندونزی، ایران، بلژیک، ترکیه، زلاند نو،
سورینام، سیام، ایالات متحد آمریکا (اوهایو، کانکتی کت،
نیوجرسی)، گواتمالا، گینه جدید، لائوس، لوگزامبورگ، مراکش،
یوگسلاوی، یونان.

باید دانست که غالباً سوء قصد بر ضد حیات شخصیت‌های

مهمی که در هر کشور مقامشان متفاوتست در حکم سوء قصد بر ضد
حیات رئیس دولت شمرده میشود. مثلاً در کانکتی کت سوء قصد بر ضد
جان سفیر خارجی مقیم امریکا در همین حکم است. همچنین است

در ایالت‌های ذیل:

در نیوجرسی (سوءقصد برضد حیات معاون رئیس یا حاکم)
در اوهایو (سوءقصد برضد جان معاون رئیس دولت، هر یک از وزیران،
حاکم و معاون حاکم) در تروکیه (قتل یکی از اعضای مجلس) در
یوگسلاوی (قتل باسابق تصمیم هر یک از نمایندگان توده مردم یا اعضای
مؤسسه‌های اجتماعی کشور).

۱۴۱ - تمرد نظامیان - یا تحریک آنان بتمرد بشرط مؤثر
بودن تحریک در کشورهای زیر:

آنتیل، اندونزی، انگلستان، ایران، پاکستان، جزیره موریس،
عراق، غنا، سودان، سورینام، سومالی (شمالی)، سیلان، هند.

۱۴۲ - غارت - کشتار - تخریب در ضمن غارت - خرابکاری
در کشورهای ذیل:

اتحاد جماهیر شوروی، اسپانیا، جمهوری افریقای مرکزی،
چکوسلواکی، چین، عراق، سومالی (مرکزی و جنوبی) فرانسه،
لائوس، لبنان، لهستان، مجمع‌الجزایر آرام غربی، یوگسلاوی
یونان.

۱۴۳ - در کشورهای زیر جرائمی که نام می‌بریم مجازات
اعدام دارد:

در افغانستان هتک ناموس؛ در شیلی ضرب و جرح روحانیون؛
در داهومی خارج کردن مجنون یا طفل کمتر از ۱۸ سال بدون
رضایت والدین او از موطن آنان بقصد انتفاع؛ در ایالات متحد
آمریکای شمالی، در ایالت تنسی، اعمال زور مسلحانه بطور ناشناس

و با لباس مبدل بنحوی که احتمال مرگ برود؛ در آرزای قتل بر اثر تصادم کشتی و نیز کشتن کسی که در جرم مشهود دستگیر میشود و در برابر بازداشت خود مقاومت میکند، همچنین اعمال خشونت منتهی بمرگ نسبت بمحکوم در مدت اجرای حکم محکومیت او .

دوم - اطلاعات و نتایجی که از آمارها بدست آمده است

۱- آمار محکومیت‌ها و اعدام‌های اجرا شده در پنج سال اخیر

۱۴۴ - ابتدا باید توجه داشت که در پنج سال اخیر و حتی قبل از آن در برخی از کشورها و سرزمینهایی که از نظر قانون صدور حکم اعدام را مجاز دانسته‌اند هیچگونه حکم اعدامی صادر نشده است.

از این قبیل است کشور: **سالدور**، **گینه جدید** و **جبل الطارق**. در **گواتمالا** آخرین اعدام در اول دسامبر ۱۹۵۶ صورت گرفته است. در جزایر **آنتیل** این تاریخ سال ۱۸۷۰ است. در **لائوس** پس از تحصیل استقلال یعنی از سال ۱۹۴۹ تا کنون هیچ حکم اعدامی صادر نشده است. از طرف دیگر در این پنج سال، احکام اعدامی صادر شده اما اجرا نگردیده است. در این باره ارقام زیر به‌مارسیده است:

در **ساحل عاج** در پنج سال اخیر ۱۶ حکم اعدام صادر شده

که همه بمجازات دیگر تبدیل گردیده است. در **داهومی** سه حکم اعدام صادر شده که یکی غیابی بوده و دومی تخفیف یافته و محکوم سوم فرار کرده است. در **توگو** يك حکم صادر شده که آنهم در دیوان کشور نقض شده است. در **گامبی** در این مدت دو حکم اعدام صادر شده که هر دو مورد عفو قرار گرفته است. در این کشور از سی سال پیش تاکنون هیچ محکومی اعدام نشده است. در **استرالیا** در ایالت ویکتوریا از سال ۱۹۵۱ بعد هشت حکم اعدام صادر شده که هیچکدام اجرا نشده است. در **مجمع الجزایر آرام غربی** نیز چنین بوده است.

۱۴۵ - در کشورهای که احکام اعدام اجرا شده تنها بموجب پاسخ حکومت چین در این کشور شماره محکومیت ها و حکم های اجرا شده مساوی بوده است .

در پنج سال اخیر در این کشور پانزده حکم اعدام صادر شده و پانزده نفر محکوم نیز اعدام شده اند^۱.

۱۴۶ - در برخی از کشورها و سرزمینها، شماره اعدام های اجرا شده بیش از ۵ درصد محکومیت هاست، از این قبیل است مخصوصاً **جمهوری متحد عرب** (که از ۱۰۳ تن محکوم ۶۶ نفر اعدام شده اند) **سودان** (که از ۵۴۷ نفر محکوم ۳۵۴ تن اعدام شده اند) **سومالی** (از ۱۵ تن ۸ نفر) **رودزیای شمالی** (از ۴۹ تن محکوم

۱ - باید توجه داشت که چون چین کمونیست در تاریخ نگارش این کتاب

بسیار مان ملل راه نیافته بوده ، همچنانکه مصنف چند بار تذکر داده است، منظور از چین در این کتاب حکومت فرمز است. م .

۲۶ نفر) **جمهوری افریقای جنوبی** (از ۵۹۲ تن ۳۹۲ نفر) ژاپن (که در این مدت ۱۱۸ حکم اعدام صادر شده و ۱۲۶ نفر اعدام شده‌اند و عده‌ای از اعدام شدگان قبل از این تاریخ محکوم شده بوده‌اند) **هنگ کنگ** (از ۳۰ محکوم ۲۶ نفر) **یوگسلاوی** (از ۳۸ نفر محکوم ۳۱ نفر) **زلاندنو** (از ده نفر محکوم ۷ نفر بین سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۷ اعدام شده‌اند) **جزایر فیجی** (از ۱۴ محکوم ۷ تن) **ترکیه** (از ۳۳ محکوم ۳۲ نفر بین سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ اعدام شده‌اند).

۱۴۷ - بنظر میرسد که در بیشتر کشورها و سرزمینها شماره اعدام‌ها کمتر از پنجاه درصد احکام محکومیت بوده است. در جزایر **موریس** این نسبت در مدت مذکور درست پنجاه درصد است، چه از چهار نفر محکوم به اعدام حکم درباره دو تن از آنها اجرا گردیده است.

۱۴۸ - در کشورهای زیر نسبت احکام اجرا شده کمتر از نصف حکم‌های محکومیت بوده است :

در مراکش از ۴۳ حکم اعدام ۱۴ حکم اجرا شده است. در **مالاوی** از ۲۵ حکم ۹ اجرا گردیده. در **زنگبار** از ۱۴ نفر ۵ نفر اعدام شده‌اند. در **غنا** از ۱۷۹ نفر ۵۴ تن. در **نیجریه** از ۵۹۰ تن ۲۵۱ نفر. در **تانگانیکا** از ۲۸۹ نفر ۱۴۴ تن. در **کانادا** از ۵۹ نفر محکوم ۱۶ تن. در **سیام** از ۲۷ نفر ۱۴ تن. در **سیلان** از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۹ از ۵۴۱ نفر ۴۸ تن (اجرای این حکم‌ها از آوریل ۱۹۵۶ تا سپتامبر ۱۹۵۹ در حال تعلیق بوده است). در **لبنان** از ۳۰ نفر محکوم ۴ نفر اعدام شده‌اند (اما بیست و دو حکم از این جمله در دیوان کشور تحت رسیدگی

است) در اسپانیا از ۳۳ حکم ۸ حکم اجرا شده است. در فرانسه از ۳۳ نفر محکوم یازده تن اعدام شده‌اند و در انگلستان بین سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۸ از صد حکم اعدام ۲۸ حکم اجرا گردیده است.

۲ - مقایسه آمار تعقیب‌شدگان یا متهمین با محکومین و اعدام‌شدگان

۱۴۹ - بدبختانه اطلاع دقیق از این امر که تعقیب متهم بقتل به چه نسبت منجر به محکومیت میشود و احکام محکومیت تا چه اندازه عملاً اجرا میگردد، کار دشواری است. اطلاعاتی که در این باره بما رسیده بسیار ناقص است. وانگهی مفهوم «تعقیب» غالباً تا حدی مبهم و متغیر است و همیشه با اتهام یکی نیست. بعضی از کشورها مانند مراکش پاسخ داده‌اند که تهیه اطلاعات در این مورد ناممکن است. جزئیات دقیق کیفرخواست دادستان همیشه در پرونده‌ها منعکس نیست و در نتیجه نمیتوان از آنها آمار تهیه کرد. با اضافه در بسیاری از موارد مبنای اتهام جز آنچه واقعاً هست توصیف میشود. این موضوع در کشورهای تابع حقوق انگلیس و آمریکا بیشتر پیش می‌آید. چه در این کشورها غالباً قتل با سبق تصمیم^۱ را قتل بی سبق تصمیم^۲ وصف می‌کنند. در گزارش‌های رسیده نسبت دقیق میان تعقیب و محکومیت بسیار کم تصریح شده است. ولی دولت چین گزارش داده است که در آن کشور ۶۰ درصد اتهام‌های اعدام بمحکومیت منجر میشود.

۱۵۰ - در مورد قتل همراه با کیفیات مشدد و قتل با سبق تصمیم اطلاعات زیر از طرف بعضی از کشورها و سرزمین‌ها به ما رسیده

1 - Murder

2 - Manslaughter

است:

نام کشور	شماره اتهام‌ها	شماره محکومیت‌ها	شماره اعدام‌های اجرا شده
کانادا	۳۰۸	۱۱۱	۵۱
استرالیا ی جنوبی	۲۷	۹	۲
استرالیا ی غربی	۲۴	۸	۱
استرالیا ی شمالی	۵۷	۴	۲
زلاند نو	۲۱	۱۰	۷
جزایر فیجی	۴۲	۱۴	۷
ژاپن	۳۸۵	۱۲۴	*
هنگ کنگ	۷۳	۳۰	۲۳
نیاسالند	۱۵۹	۲۵	۹
رودزیای شمالی	۱۷۴	۴۹	۲۶
جزیره موریس	۲۱	۴	۲

۱۵۱ - همچنین دانستن اینکه در چه مواردی حکم اعدام اجرا نمیشود و آگاهی از علل و موجبات این امر شایان توجه است. توضیحاتی که در این باره رسیده باز هم کامل نیست. با این همه، دانستن اطلاعات زیر بی فایده به نظر نمی رسد: گویا در **کانادا** سن و زن بودن متهم علت عدم اجرای حکم است. در این کشور از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ هیچ محکومی که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد و همچنین هیچ زنی اعدام نشده است. در **زلاند نو** در این مدت فقط يك زن اعدام شده است.

* - شماره اعدام‌ها تعیین نشده است.

۱۵۲ - به موجب گزارشهای رسیده در بسیاری از موارد دیگر نیز اتهام قتل منجر به تبرئه متهم شده است. در کانادا از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸ از ۲۳۴ متهم به قتل ۷۰ نفر تبرئه شده‌اند. و در استرالیا ی غربی بین سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ از ۲۴ متهم چهارتن تبرئه شده‌اند. در استرالیا ی شمالی از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۵ از ۵۷ تن یک نفر تبرئه شده است. در زلاندنو بین سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۷ از ۲۱ متهم سه تن برائت حاصل کرده‌اند. در غنا از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ از ۱۳۲ نفر متهم به قتل ۱۴ تن بیگناه تشخیص داده شده‌اند. در تانگانیکا بین سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۱ از ۲۸۹ نفر ۱۷ نفر تبرئه شده‌اند.

۱۵۳ - گاهی نیز به علت تعیین شدن مجازات خفیفتر، موضوع حکم اعدام منتفی شده است، ارقامیکه در این باره مربوط به پنج سال اخیر رسیده است به شرح زیر است:

در کانادا از ۲۳۴ مورد اتهام ۱۵۴ نفر به مجازات دیگری محکوم شده‌اند. در استرالیا ی غربی از ۲۴ اتهام ۵ نفر. در زلاندنو از ۲۱ اتهام سه نفر. در ایالت ویکتوریا تنها کسیکه متهم به قتل تشخیص داده شده بود به سال ۱۹۵۹ محکوم به مرگ گردید ولی دادگاه او را مستحق عفو دانست و سرانجام در مرحله دادرسی بعدی متهم به حبس دائم محکوم گردید. در غنا از ۱۳۲ اتهام به قتل ۱۵ نفر و در تانگانیکا از ۲۸۹ اتهام ۶۵ نفر به مجازاتی جز اعدام محکوم شده‌اند.^۱

۱- در اینجا وضع خاص بعضی از کشورها مانند نروژ و هلند و بلژیک، که اجرای حکم اعدام را فقط پس از جنگ جهانی دوم برای مجازات همکاری با دشمن دوباره برقرار کرده‌اند، مورد بحث نیست.

۱۵۴ - بی‌فایده نیست بدانیم که در مورد چه جرم‌هایی حکم اعدام صادر شده است، در این باره اطلاعات زیر را در اختیار داریم:

۱۵۵ - قتل - در سومالی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ پانزده حکم محکومیت صادر شده که همه در مورد قتل بوده است. در سودان در پنج سال اخیر ۵۴۷ حکم صادر شده که همه در مورد اتهام قتل بوده است، در گامبی ۲ حکم هر دو در مورد قتل، در مالاوی ۲۵ حکم همه در مورد قتل، در رودزیای شمالی ۴۹ حکم همه به علت ارتکاب قتل. در ژاپن ۱۶ حکم از ۱۸ حکم در مورد اتهام قتل صادر شده است. در سیلان در فاصله سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۹ تمام اعدام‌ها به علت ارتکاب قتل صورت گرفته است. همچنین است در چین و هنگ‌کنگ. در لبنان از ۱۹۵۹ تا سپتامبر ۱۹۶۱ سی حکم اعدام صادر شده، که همه در مورد قتل بوده است. در یونان از سال ۱۹۵۳ تا کنون از ۵۴ حکم اعدام ۲۹ حکم به علت آدم‌کشی صادر شده است. در ایالت ویکتوریا از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ هشت حکم همه به علت قتل و در تاسمانی از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ چهار حکم برای قتل و در استرالایای غربی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ هشت حکم در مورد قتل. در استرالایای جنوبی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ نه حکم به سبب ارتکاب قتل صادر گردیده است. در یوگسلاوی از ۳۸ حکم اعدام بیست حکم به علت آدم‌کشی بوده است. در زلاند نو از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷ دوازده حکم اعدام صادر شده که همه در مورد قتل بوده است (در این کشور به سال ۱۹۶۱ اعدام در مورد قتل لغو گردیده) در جزایر فیجی همه محکومیت‌های اعدام به سبب قتل بوده و در

مجمع الجزایر آرام غربی حکم اعدام منحصر بفرد به علت قتل صادر شده است. در ساحل عاج^۱ و داهومی از هرسه محکومیت یکی به علت ارتکاب قتل بوده است.

۱۵۶ - قتل همراه با جرم دیگر - در ساحل عاج، قتل با شروع به سرقت همراه بوده است در داهومی از سه حکم اعدام يك حکم به علت قتل همراه با اخته کردن صادر شده است. در سیام دو قتل با شکنجه همراه بوده و از ۱۴ حکم اعدام اجرا شده هفت مورد به علت محکومیت به قتل با سبق تصمیم بوده است. در یوگسلاوی از ۳۸ حکم ۴ حکم چنین بوده و در شیلی چند مورد چنین بوده که در پاسخ قید نشده است.

۱۵۷ - پدرکشی - در ساحل عاج مجازات اعدام دارد. در شیلی از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ از ۱۲ حکم اعدام اکثر آنها به اتهام پدرکشی صادر شده. در ژاپن از ۱۱۸ حکم ۲ اتهام قتل اسلاف بوده است.

۱۵۸ - راهزنی - در یونان از ۴۵ حکم ۶ حکم به علت راهزنی توأم با قتل بوده است.

۱۵۹ - دزدی - در سیام از ۱۴ محکومیت ۳ حکم و در جمهوری آفریقای جنوبی از ۵۹۲ محکومیت ۱۹ حکم به علت دزدی صادر شده است.

۱۶۰ - دزدی با کیفیات مشدد - در داهومی از ۳ محکومیت يك حکم باین سبب بوده است.

۱- از طرف حکومت ساحل عاج هیچ رقمی در این مورد اعلام نشده

۱۶۱ - دزدی همراه با اعمال زور که منجر به قتل شده است -
 در ژاپن از ۱۱۸ محکومیت، صد حکم باین اتهام صادر شده است.
 ۱۶۲ - هتک ناموس - در جمهوری افریقای جنوبی از
 ۵۹۲ محکومیت ۳۲ حکم و در ایالات متحد آمریکا به سال ۱۹۶۰
 از ۳۰۳ محکومیت ۴۶ حکم (به موجب قانون دولت مرکزی و ۴۲
 ایالتی که اعدام را لغو نکرده اند) به این اتهام صادر گردیده است
 (در دادگاههای نظامی از ۱۵۹ حکم اجرا شده ۵۲ مورد به علت
 این اتهام بوده است).

۱۶۳ - درباره این موضوع که آیا ممکن است احکام صادر
 شده مبنی بر اشتباه قضائی باشد بیشتر کشورها پاسخ داده اند که
 هیچگونه اشتباهی صورت نگرفته است. بی شک بهتر بود ادعا شود
 که هیچگونه اشتباهی کشف نشده است. بر عکس بعضی از کشورها
 وجود اشتباه قضائی را پذیرفته اند.

۱۶۴ - سرانجام این سؤال پیش می آید که در چه مواردی
 حکم اعدام نسبت به مجرمانی که سابقه کیفری نداشته اند اجرا میشود
 و در چه مواردی نسبت به مجرمان با سابقه. در این باره اطلاعات
 زیر جمع آوری شده است:

۱۶۵ - مجرمان بی سابقه کیفری - در جمهوری افریقای
 جنوبی بین سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ از ۵۹۲ مورد محکومیت ۴۴ نفر
 بی سابقه کیفری بوده اند. از ایالات متحد آمریکا آماری نرسیده
 است، اما گمان می رود که شماره «آدمکشان حرفه ای» در میان محکومین

به اعدام کم باشد. از **گواتمالا** نیز آمار مطمئنی نرسیده است. در این کشور به سال ۱۹۵۱ سه نفر مجرم بی سابقه کیفری محکوم به اعدام شده اند. **پاکستان** نیز آمار کاملی نفر ستاده است. اما مجرمان بی سابقه کیفری در این کشور اکثریت دارند. در ژاپن از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ از ۲۵۱ نفر اعدام شده ۱۳۴ نفر بی سابقه محکومیت بوده اند که این نسبت ۵۳/۴ درصد است. در **اتریش** از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ دوازده مجرم با سابقه محکوم شده اند. در **اسپانیا** شماره مجرمان بی سابقه بیش از کسانی است که سابقه تکرار جرم داشته اند. در **استرالیا** در ایالت ویکتوریا از سال ۱۹۵۹ تا پایان ۱۹۶۱ از ۹ نفر محکوم ۵ نفر بی سابقه محکومیت بوده اند. از **زلاند نو** آماری دقیق نداریم اما بیشتر محکومان سابقه محکومیت نداشته اند.

۱۶۶ - برعکس در **جمهوری متحد عرب** مجرمان با سابقه اکثریت دارند. در **کوبا** مجرمان بی سابقه محکومیت جز در مورد جرائم سیاسی اعدام نمیشوند. در **گواتمالا** بیشتر کسانی که به اتهام سرقت همراه با قتل محکوم به اعدام شده اند مجرمان سابقه دار بوده اند. در **انگلستان** از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ از ۲۸ نفر محکوم به مرگ ۱۶ نفر سابقه تکرار جرم داشته اند.

۱۶۷ - این اطلاعات را متخصصان تأیید کرده اند. اما افکار عمومی از اینکه جنایت مجرمان بی سابقه محکومیت منجر به اعدام میشود غالباً ناخشنود است.

سوم - شرایط اجرای حکم اعدام

۱- فاصله میان ارتکاب جرم، تعقیب، محکومیت، اجرای حکم

۱۶۸ - مدتی که معمولاً بین ارتکاب جرم و دادرسی، یا به عبارت دیگر شروع به محاکمه در دادگاهها فاصله می افتد بسیار متغیر است و در اینجا جزمعدلی از ارقام نمیتوان به دست داد. در این باره آماری به شرح زیر تحصیل شده است:

در برخی از کشورها و سرزمینها گویا معدل این مدت کمتر از شش ماه باشد. در داهومی این مدت ۴ ماه و ۱۹ روز است. در سوماتی (شمالی) از ۲ تا ۴ هفته. در مالایوی يك ماه و بیست روز. در رودزیای شمالی دو ماه. در نیجریه شش ماه. در جزیره موریس ۵ ماه و ۴ روز. در سشل از ۸ تا ۱۲ هفته. در انگلستان سه ماه. در جزایر فیجی ۸۴ روز. در کشورهای دیگر این مدت از شش ماه تا يك سال است. در سودان ۷ ماه و ۲۲ روز. در ویتنام از شش ماه تا يك سال. در شیلی يك سال. در لبنان نیز گویا این مدت يك سال است. بالاخره در کشورهای دیگر معمولاً این مدت بیش از يك سال

است. در ژاپن تقریباً ۱۴ ماه میان ارتکاب جرم و دادرسی فاصله می افتد.

۱۶۹ - همچنین این پرسش پیش می آید که فاصله میان محکومیت و اجرای حکم چه مدت است. این مدت در کشورها و سرزمینهای زیر کمتر از شش ماه است.

در توگوسه تا ۴ ماه. در سودان ۵۱ روز. در سومالی شمالی ۳ تا ۴ ماه. در نیاسالند چهار ماه و نیم. در رودزیای شمالی پنج ماه. در تانگانیکا از ۳ تا ۴ ماه. در جزیره موریس ۲۴ روز. در سشل (در صورت نخواستن تجدیدنظر) سه هفته. در زنگبار چهار ماه. در کانادا از ۲ تا سه ماه. در سیلان از ۲ تا ۳ ماه. در هنگ کنگ ۱۲۹ روز. در چین ۱۴ تا ۱۸ روز. در عراق سه ماه. در فرانسه پنج ماه و ۱۲ روز. در انگلستان از ۱۸ تا ۲۵ روز. در اتریش دو ساعت.^۱ در استرالیا ی جنوبی يك ماه، اما در همه ایالتهای استرالیا این مدت از ۲۸ روز تا ۸ یا ۹ ماه است. در زلاند نو از ۴ تا ۵ هفته و در جزایر فیجی مدت مذکور ۱۶۱ روز است.

۱۷۰ - این مدت در کشورهای زیر از شش ماه تا يك سال است:

در مراکش معدل این مدت نه ماه است. در داهومی ۷ ماه و ۱۷ روز. در غنا تقریباً شش ماه. در نیجریه ۸ ماه. در شیلی ۷ تا ۸ ماه.

۱- در این کشور وقتی حکم اعدام صادر میشود که وضع غیر عادی اعلام

در کشورهای زیر مدت مذکور بیش از يك سال است:

در جمهوری متحد عرب ۱۵ ماه و ۲۲ روز. در ایالات متحد آمریکا در سال ۱۹۶۰ چهل حکم اعدام از ۵۷ حکم بین ۱۳ تا چهار سال پس از محکومیت اجرا شده است. در این کشور تنوع زیادی از این نظر به چشم می خورد. در سال ۱۹۶۰ دو مدت مختلف در جهت افراط و تفریط دیده شده است: در ایالت واشنگتن این مدت ۳۶ روز و در کالیفرنیا ۱۱ سال و ده ماه بوده است. در ویتنام مدت مذکور ۱۸ ماه است. مدت مدیدی که ممکن است از این حیث در بعضی از ممالک مانند ایالات متحد آمریکای شمالی پیش آید بدین سبب است که امکان شکایات متعدد و مختلف از حکم در قانون پیش بینی شده است.

۲- تعیین تاریخ اجرای اعدام و وضع محکوم از زمان محکومیت تا اجرای حکم

۱۷۱ - بسیاری از کشورها صریحاً مقرر داشته اند که اجرای حکم اعدام نباید در اعیاد رسمی و مذهبی بعمل آید. در اینجا منظور از عید مذهبی، مذهب شخص محکوم است. از این قبیل اند کشورهای **جمهوری متحد عرب و داهومی و جمهوری افریقای مرکزی.**

۱۷۲ - تاریخ اعدام بترتیب زیر پیش بینی شده است:

در شیلی سه روز پس از برگشت پرونده بدادگاه صادر کننده حکم. در گواتمالا ۲۴ ساعت پس از امضای مقامی که حکم به اجرا میدهد. در سیام شصت روز پس از قطعی شدن حکم. در عراق و ویتنام ۲۴ ساعت پس از قطعیت حکم و در ژاپن حداکثر شش ماه پس از قطعی شدن آن.

۱۷۳ - بیشتر کشورها و سرزمینها مقرر داشته‌اند که محکوم پیش از اعدام باید در اطاقك خاصى زندانى شود. در این مورد معمولاً محکوم از هر حیث تنها نگاهداری میشود و درباره او مراقبت خاصى صورت میگیرد. در این مدت محکوم از مزایائی مخصوصاً از نظر تغذیه برخوردار است. در این باره تمایل عمومى بر این است که ضمن مراقبت دائمى از محکوم به اعدام تا آنجا که ممکن است آخرین روزهای حیات او با مدارا و ملایمت بگذرد. واضح است که تقریباً در همه جا كمك مراجع روحانى به محکوم تا حد زیادى پذیرفته شده است. در این باره میتوان توضیحات زیر را بدست داد. در کشورهای زیر محکوم به تنهائى زندانى میشود، تحت مراقبت بیشترى قرار میگیرد و طرز رفتار با او صورت خاصى دارد: گواتمالا، نیجریه، تانگانیکا، مراکش، ساحل عاج، داهومی، سومالی (شمالی)، توگو، گامبى، مالاوی، شیلی، آنتیل، بومه، پاکستان، سیام، جمهوری ویت نام، اندونزی، ژاپن، سیلان، هنگ کنگ، لبنان، فرانسه، انگلستان، استرالیا، سالوادور.

۱۷۴ - در برخی از کشورهای دیگر مخصوصاً تنها نگاهداشتن متهم و مراقبت شبانه روزى از او مورد توجه است. از قبیل کانادا، جمهوری افریقای جنوبی، شیلی، گواتمالا، هند، عراق، ایران، (در این کشور جدا نگاهداشتن متهم صریحاً در قانون پیش-بینی نشده اما در عمل چنین است). در کشورهای دیگر محکوم بمرگ تابع وضع سایر زندانیان است. مثلاً در یوگسلاوی یا استرالیاى غربى، اصولاً تنها نگاهداشتن محکوم غالباً در محل خاصى صورت

می گیرد که هم مراقبت از او را آسان تر میسازد و هم وضع او را بهبود می بخشد. این امر مخصوصاً در قوانین ایالات متحد آمریکای شمالی پیش بینی شده است.

۱۷۵- در خصوص تاریخ محکومیت باید خاطر نشان ساخت که بموجب سنت کشور انگلیس، که در ایالات متحد آمریکا و ممالک مشترك المنافع نیز پذیرفته شده است، قبلاً در روز دادرسی تاریخ اجرای حکم را بمحکوم صریحاً اعلام میدارند. این نکته که از نظر اخلاق و مذهب توجیه میشود برعکس به علل بشر دوستانه در سایر نظام های متعدد حقوقی، که میخواهند محکوم را تا آخرین لحظه در آرزوی عفو باقی بگذارند، نفی شده است.

۱۷۶- با وجود این در هر دو مورد محکوم در انتظار مرگ است. یا خود را آماده اعدام میکند یا در کار چاره جوئی است. محکومان هستند که در مرحله دادرسی با وجود اطلاع از اعدام خود پیشاپیش از دادگاه طلب اعدام میکنند. علت این امر متفاوتست و همیشه بیان دقیق آن کار آسانی نیست. بنا بگزارشهای رسیده در **جمهوری متحد عرب، ژاپن، ایران و آمریکا** بعضی از متهمان که در معرض اعدامند از محکومیت خود دفاع میکنند و پس از صدور حکم هیچگونه تخفیفی را نمی پذیرند.

۱۷۷- با این همه چنین اتفاق هائی نادر است. گزارشهای رسیده از آمریکا نشان میدهد که بیشتر اوقات محکومی که مواجه با اعدام است سعی میکند خود را از مهلکه برهاند. وانگهی متخصصان آمریکائی خاطر نشان میکنند که صدور حکم اعدام همیشه امری

استثنائی است و نیز پس از صدور حکم این امکان مساعد هست که محکوم از اعدام معاف گردد. این گزارشها حاکی است که از ۱۳۰۰ قتلی که بسال ۱۹۶۰ در ایالات متحد آمریکا صورت گرفته در ۱۲۵۰ مورد محکوم از اعدام نجات یافته است.

۱۷۸- ملاحظه میشود که در برخی از کشورها از **کانادا** گرفته تا **ژاپن** بیشتر اوقات محکوم با اعدام محکومیت خود را نمی پذیرد و غالباً با خلوص نیت آنرا ظالمانه می داند. استفاده از حق شکایت از حکم که معمولاً خود بخود صورت میگیرد در این مورد فقط نشانه تمایل اصلی محکوم مبنی بر فرار از اعدام نیست بلکه استفاده از این حق، دلیل اعتقاد صادقانه اوست به اینکه عمل مجرمانه او کاملاً موجه بوده است.

۱۷۹- برعکس در معدودی از کشورهای آمریکای لاتین که مانند برخی از کشورهای اروپائی مجازات اعدام را حفظ کرده اند ملاحظه میشود که نخستین عکس العمل متهم و محکوم توسل به روسیله مساعد برای استرحام است.

۱۸۰- در مورد بعضی از متهمان محکومیت قطعی احساس ندامتی بوجود میآورد که صمیمانه بنظر میرسد و ممکن است به استغفار قلبی و ارادی بینجامد. این حالت نظیر موردی نیست که هم اکنون بیان کردیم و گفتیم که مجرم به نحوی از انحاء از دفاع خودداری می ورزد و در طلب مرگی است که برخی از جرم شناسان آنرا «خود-کشی قانونی» می نامند، بلکه در این مورد متهم با توسل بتمام وسایل قانونی و قضائی از خود دفاع کرده است ولی همینکه حکم قطعی

محکومیت صادر شد مجرم بسبب عطف توجه به شخص خود تسلیم سرنوشت میشود و آنگاه اعدامی را آرزو میکند که اخلاقاً مهبای پذیرفتن آنست. چند مورد از این قبیل در پاکستان دیده شده و در اروپا و ایالات متحد آمریکا هم نظیر آن را میتوان یافت.

۱۸۱- با این همه چنین وضعی استثنائی است و تذکر این نکته ضرورت دارد که در این مورد نباید وضع روانی محکوم و مجرم را با هم اشتباه کرد. بیشتر اوقات مجرمیکه به جنایت بزرگی دست میزند رفتارش با چنان هیجان و التهایی توأم است که گوئی متوجه نتایج احتمالی جنایت خود نیست. اما حالت روانی يك محکوم بمرگ که در زندانی خاص، در يك اطاقك محدود، در خود فرو رفته پیچیده تر است.

۳- محکومیت های فسخ شده یا احکام اجرا نشده

۱۸۲- در این مورد دو فرض وجود دارد : فرض اول آنکه حکم محکومیت بر اثر شکایت ممکن است فسخ یا نقض شود. اطلاعاتی که در خصوص معدل متوسط اینگونه آراء در اختیار داریم جزئی و کم است. با وجود این در پنج سال اخیر اطلاعات زیر را میتوانیم بدست بدهیم.

در **مراکش** در ده مورد حکم نقض شده یا مجازات تخفیف یافته یا متهم تبرئه شده است. در **ساحل عاج** سه حکم نقض شده و يك حکم به تبرئه متهم انجامیده و دو حکم به مجازات دیگر بدل شده است. در **سودان** ۱۳۹ محکومیت به مجازات کمتری تبدیل شده.

در جمهوری افریقای جنوبی در ۵۷ مورد یا حکم نقض شده یا مجازات تخفیف یافته است. در برمه از اول ژانویه ۱۹۶۰ تا یازدهم اکتبر ۱۹۶۱ شصت و دو حکم نقض یا فسخ شده است. در هنگ کنگ در پنج سال اخیر يك حکم فسخ شده است. در یوگسلاوی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ از ۸۲ حکم ۴۲ حکم فسخ گردیده است. در استرالیا ی جنوبی از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ دو حکم محکومیت فسخ شده است.

۱۸۳- بر عکس در بعضی از موارد، محکومیت بر اثر عفو محکوم منتهی با اجرای اعدام نمیشود. در این مورد نیز اطلاعات رسیده بسیار ناقص است. با وجود این، گویا در بعضی از کشورها کمتر از نصف محکومیت‌ها مشمول عفو قرار میگیرد. در مراکش در پنج سال اخیر از ۴۳ محکومیت ۱۷ مورد مشمول عفو شده است.

در کانادا از ۱۹۵۱ تا پایان ۱۹۵۸ از ۱۱۱ حکم ۵۰ مورد آن به مجازات کمتری بدل شده است که این نسبت ۴۵٪ است. در کشور داهومی ۵۰٪ محکومیت‌ها منجر بعفو شده است (در پنج سال اخیر از دو محکومیت یکی بخشوده شده) ولی در سایر ممالک این نسبت از ۵۰٪ زیادتر است. در استرالیا ی غربی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ از ۸ محکومیت ۷ مورد بخشوده شده و در استرالیا ی جنوبی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ از نه محکومیت ۵ مورد مشمول عفو واقع شده است. در مورد کشور فرانسه آمار دقیقی موجود نیست اما موارد تخفیف مجازات زیاد است. در انگلستان قبل از سال ۱۹۵۷ تقریباً ۵۰٪ محکومیت‌ها بخشوده شده است. پس از وضع قانون Homicide Act

نسبت عفو کمی تنزل یافته است. در اسپانیا از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ از ۷۶ محکومیت ۴۲ محکومیت بخشوده شده است. در ترکیه در بیست سال اخیر این نسبت تقریباً ۰.۳/ بوده است. در یونان نیز چنین نسبتی در سالهای اخیر دیده شده است.

۱۸۴- بالاخره باید یادآوری کرد که در بلژیک ولو کزامبورگ نسبت عفو به صد درصد میرسد زیرا در این کشورها اعدام از نظر قانونی مجاز است ولی عملاً اجرا نمیشود. همچنین بقرار اطلاع در ایالت ویکتوریا از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ از ۸ محکومیت به اعدام همه مورد عفو قرار گرفته و نیز در تاسمانی بین سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ از چهار حکم محکومیت همه بخشوده شده است.

۴- تعلیق حکم اعدام

۱۸۵- در اینجا اطلاعاتی را که صرفاً در زمینه قضائی راجع به معافیت از اجرای حکم اعدام به دست آورده ایم دوباره یادآوری میکنیم: در کشورها و سرزمینهای زیر زنان آبستن پیش از وضع حمل اعدام نمیشوند:

افغانستان، آنتیل، ایالات متحد آمریکا (۲۵ ایالت صریحاً تعلیق اعدام را تا موقع وضع حمل پیش بینی کرده اند. سایر ایالتها به موجب سنن حقوق انگلو ساکسون به همین ترتیب رفتار می کنند. در ۲۳ ایالت صریحاً يك آزمایش پزشکی از محکوم در قانون پیش بینی شده است تا معلوم شود که آیا زن آبستن است یا نه)، برمه، پاکستان، توگو، جمهوری افریقای جنوبی، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری متحد عرب، داهومی، رودزیای

شمالی، ساحل عاج، سودان، سورینام، سومالی، سیام، فرانسه، فیلیپین. در شیلی دستور اجرای حکم محکومیت ممکن است چهل روز پس از وضع حمل صادر شود. در ویتنام جنوبی این موضوع ارزش عملی ندارد زیرا در آن کشور اساساً زن اعدام نمیشود. تجربه نشان میدهد که اکثریت دولت‌هایی که اعدام را جایز می‌شناسند عملاً زن را اعدام نمیکنند.

۱۸۶ - در کشورها و سرزمینهای دیگر ممکن است بیماری محکوم، دست کم به طور موقت، او را از اعدام معاف دارد. در سومالی و توگو اعدام پس از بهبود محکوم جایز است. در آفریقای جنوبی این مورد در قانون پیش‌بینی نشده است اما شورای اجرایی میتواند بدین سبب اجرای حکم را معلق کند. در زنگبار و ایالات متحد آمریکا جز در مورد کسالت‌های کم دوام و در هند و پاکستان و عراق پس از آزمایش پزشکی و در جزایر فیجی که تعلیق مجازات عملاً وجود دارد نیز بیماری موقتاً مانع اجرای حکم اعدام است. کشورهای دیگر صریحاً اعدام را در مورد جنون یا بیماری دماغی محکوم، که پس از صدور حکم عارض شده است، جایز نمیدانند مانند کشورهای غنا، نیجریه، سشل، ایالات متحد آمریکا (در ۲۷ ایالت مقرر داشتند که محکوم به بیمارستان بیماریهای روانی اعزام شود و پس از معالجه ممکن است اعدام گردد) و نیز در کشورهای سالوادور، گواتمالا، آنتیل، سیام، ژاپن اعدام چنین کسانی جایز نیست.

۱۸۷ - بعضی از کشورها نیز تعلیق اعدام را به علل گوناگون

جایز میدانند. مثلاً در **سالوادور** قاضی مأمور اجرای حکم اعدام میتواند حداکثر نه روز پس از قابل اجرا شدن حکم به محکوم مهلت بدهد که بکارهای خود رسیدگی کند. در **فیلیپین** امکان تعلیق به مدت سه سال برای زنان پیش‌بینی شده است. در برخی از **ایالات متحد آمریکا** اگر در محلی که محکوم باید اعدام شود مأموران لازم برای اجرای اعدام وجود نداشته باشند ممکن است مجازات تعلیق گردد. در **ویتنام** صریحاً پیش‌بینی شده است که اگر محکوم به اعدام متهم به ارتکاب جرم دیگری باشد ممکن است برای تعقیب مجدد یا برای دادرسی جدید، اعدامش به تعویق افتد.

۱۸۸ - بالاخره مقامیکه حق عفو دارد در بعضی از کشورها گاهی فقط به تعلیق اجرای حکم اکتفا میکند. در **ایالات متحد آمریکا** که اینگونه تعلیق‌ها به مدت کمی صورت می‌پذیرد نظیر این مورد زیاد دیده میشود. همچنین در کشورهای ذیل تعلیق بدون تعیین مدت مشخص صورت میگیرد:

کانادا، گامبی، مالاوی، رودزیای شمالی، نیجریه، زنگبار، سیلان، گینه جدید.

۵- حقوق خانوادگی در مواردیکه وجود اشتباه قضائی مسلم میشود

۱۸۹ - بیشتر کشورها و سرزمین‌ها پاسخ داده‌اند که در این خصوص هیچگونه مورد و موجبی پیش نیامده و در قانون آنها هیچ مقررات خاصی در این باره وجود ندارد. مخصوصاً کشورهای **سومالی و سیلان و گامبی و مالاوی و نیجریه** (که در این کشور ممکن است

موضوع با کسان محکوم بطور خصوصی فیصله یابد). همچنین است قانون کشورهای زیر:

افریقای جنوبی ، جزیره موریس (که در این مورد غرامتی پیش بینی شده است) **سشل ، زنگبار ، کانادا** (که موردی پیش نیامده اما در قانون غرامت پیش بینی شده است) **ایالات متحد آمریکا** (که در آنجا مورد تازه ای پیش نیامده اما این امکان هست که با تصویب کنگره غرامتی به کسان محکوم پرداخت شود) **شیلی ، آنتیل ، سیام ، سیلان ، هنگ کنگ ، استرالیا ، زلاندنو**، (که در آنجا «بخشودگی بعدی» پیش بینی شده است) **مجمع الجزایر آرام غربی ، گینه جدید ، عراق ، ایران** ، که در این دو کشور اخیر فقط اعاده دادرسی پس بینی گردیده است. برعکس ، کشور و سرزمینهای دیگر بمنظور اعاده حیثیت محکوم (حتی پس از اعدام او) قوانینی وضع کرده اند. در این باره در خواست کننده دادرسی خانواده محکوم یا درموردی مقام دیگر است. چنانکه مثلاً در شوروی و لهستان دادستان چنین حقی دارد. نام این کشورها بشرح زیر است.

اتحاد جماهیر شوروی ، اندونزی ، تانگانیکا ، توگو ، ویتنام ، ساحل عاج ، گواتمالا ، لبنان ، لهستان.

بالاخره کشورها و سرزمینهای دیگر تصریح کرده اند که بموجب قانون ممکن است این اعاده حیثیت با تقاضای غرامت از طرف خانواده و نزدیکان محکوم اعدام شده توأم باشد. واضح است در موردی هم که محکوم ، اعدام نشود و بیگناهییش ثابت گردد ، چنین

تقاضائی ممکن است.

جبران چنین زیانی در کشورهای زیر پیش‌بینی شده است:

مراکش، ساحل عاج، داهومی، توگو، رودزیای شمالی،
سالوادور، افغانستان، ویتنام، ژاپن، چین، لبنان، فرانسه، هلند،
سویس، سوئد، یوگسلاوی.

فصل سوم

مسائل مربوط به جامعه شناسی و جرم شناسی

۱۹۰- این مسائل در کشورهای مختلف جهان سبب گفتگوهای زیادی در مطبوعات و کتابها گردیده و نیز پاسخهای گوناگون بآنها داده شده است. قسمت مهمی از پرسشنامه‌هایی که برای نمایندگان سازمان ملل و مقام‌های غیردولتی فرستاده شده باین موضوع اختصاص یافته است. بدبختانه، همچنانکه اشاره کردیم، بیشتر این پاسخها در آخرین لحظات مدت تعیین شده رسید و حتی بعضی از آنها پس از مهلت مقرر و در حین تنظیم گزارش حاضر بدست ما رسید. با تأسف بسیار باید بگوئیم که برای ما ممکن نبود که اینگونه پاسخها را بحساب آوریم، همچنانکه بررسی همه آثار و کتابها و یادداشت‌ها و مقاله‌هایی نیز که در این خصوص نگاشته شده است، در این مورد امکان پذیر نبود. بی آنکه منکر فوائد سرشار این آثار و تحقیقات شویم، معتقدیم که بحث مانسبت به گفتگوهای پیشین مطالب تازه‌تر و بکرتری دارد. بعلاوه چون ممکن نبود که از میان عقاید مختلف کارشناسان

صاحب صلاحیت، انتخابی بعمل آوریم و چون بعلت مختصر بودن کتاب، آوردن همه آن نظرها هم امکان نداشت، بهتر دانستیم که به نظر شخصی هیچکدام اشاره ای نکنیم.

در اینجا کار خود را به مطالعه چهار مسئله اساسی محدود میکنیم:

اول - آثار اعدام.

دوم - اعدام و افکار عمومی.

سوم - نظریه متخصصان و مراجع صالح.

چهارم - طرح های کنونی در باره اعدام.

اول - آثار اعدام

۱- اطلاعاتی که اکنون در دست داریم:

۱۹۱- در این باره منظور ما این بود که اطلاعات مسلمی در خصوص آثار و نتایج اعدام بدست آوریم و سپس آنها را باهم مقایسه کنیم. چنانکه میدانیم تحصیل اطلاعات کامل و مخصوصاً عینی و بی طرفانه بسیار دشوار است. در مدارك جمع آوری شده از این حیث نقایص متعددی وجود دارد. در بسیاری از جوابها موضوع بطور کلی مسکوت گذاشته شده است و نیز هدفها و نظرهایی که براساس آنها اطلاعات مورد نظر جمع آوری شده در کشورهای مختلف با هم تفاوت فاحش داشته است.

۱۹۲- باتوجه به این ملاحظات ابتدا باید تصدیق کنیم که بموجب اطلاعات گردآوری شده ، تقریباً در همه جهان ، امروزه این نظر پذیرفته شده است که لغو اعدام- یا به عبارت درست تر تعویق اعدام- منجر به افزایش فوری جرائم نمیشود. این موضوع مخصوصاً از طرف کشورهای که مجازات اعدام را لغو کرده اند اعلام شده است.

در این کشورها پیش از آنکه اعدام از نظر قانون لغو شود عملاً مدتی وجود نداشته است. همچنین بسیاری از کشورهایی که اعدام را حفظ کرده‌اند، مدتی به این مجازات حکم نمی‌داده‌اند یا لا اقل آنرا اجرا نمی‌کرده‌اند. این امر بر همهٔ مردم و در نتیجه بر مجرمان عادی نیز معلوم بوده است. مثلاً در فرانسه در ابتدای قرن بیستم در زمان ریاست جمهوری فالیر (Fallières) و نیز در انگلستان قبل از سال ۱۹۵۷ یعنی هنگامی که هنوز اعدام برای قتل عمد پیش بینی نشده بود حذف اعدام منجر به ازدیاد محسوس جرائم نشد.

۱۹۳- بسیاری از کشورهایی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند مخصوصاً کشورهای اسکاندیناوی و اتریش و بعضی از کشورهای امریکای لاتین نوشته‌اند که اساساً مسلم نیست مجازات اعدام نتیجهٔ تهدیدکننده‌ای داشته باشد. حتی بعضی از کشورهایی که مجازات اعدام را هنوز قانونی می‌شناسند در جنبهٔ تهدیدی اعدام تردید کرده‌اند. از آن جمله کشورهای اسپانیا، یونان، ترکیه و مخصوصاً انگلستان و تا حدی ژاپن را میتوان بعنوان مثال نام برد.

۱۹۴- با وجود این بسیاری از جوابهای دیگر که از طرف دولت‌ها فرستاده شده حاکی است که نمیتوان در بارهٔ وجود و عدم اثر تهدید مجازات اعدام هیچگونه نظر قطعی داد. از آن جمله مخصوصاً باید کشورهای استرالیا و یوگسلاوی را نام برد.

۱۹۵- در ایالات متحد آمریکا چنانکه از آمار جزائی بر میآید مطالعات متعددی دربارهٔ اثر تهدیدی اعدام صورت گرفته است

اما این مطالعات بوسیله متخصصان غیررسمی بعمل آمده و در این خصوص جواب رسمی بمعنای اخص در دست نیست.

۲- لغو مجازات اعدام و منحنی تغییرات جرائم

۱۹۶- باید میان لغو کامل مجازات اعدام و لغو قسمتی از موارد آن فرق قائل شد. منظور از قسمت دوم آنست که اعدام فقط در باره بعضی از جرائم که مجازات آنها اعدام است لغو شود. در این مورد شاید بادقت بیشتر بتوان افزایش و کاهش جرمی را که مجازات اعدام آن لغو شده است مطالعه کرد.

۱۹۷- چنین بنظر میرسد که تمام اطلاعات گردآوری شده در این نتیجه مشترکند که حذف اعدام در مورد جرمی هیچگاه موجب نشده است که ارتکاب آن جرم بطور کلی افزایش یابد. این نتیجه ای است که در قرن نوزدهم در مورد جرائمی مانند سرقت ساده یا همراه با کیفیات مشدد و جعل اسناد و اسکناس که تدریجاً مجازات اعدامشان حذف شده بدست آمده. حتی پس از حذف اعدام به جای افزایش، از شماره این جرائم کم شده است. مثلاً در مورد فرزند کشی که سابقاً قتل با کیفیات مشدد بشمار میرفت و بتدریج مجازات آن تخفیف یافت این نتیجه محقق شده است. دولت یونان گزارش میدهد که پس از لغو مجازات اعدام در مورد راهزنی، این جرم تخفیف یافته است. اما این نکته نیز اضافه شده که در عین حال تشکیلات قوای انتظامی هم منظم تر گردیده است. در کانادا بسال ۱۹۵۴ مجازات اعدام در مورد هتک ناموس لغو شد. بموجب گزارش رسیده در سال ۱۹۵۰ سی و

هفت حکم محکومیت در این مورد صادر شده بود. در سال ۱۹۵۳ چهل و چهار حکم و در سال ۱۹۵۴ - سال لغو مجازات اعدام - فقط ۲۷ حکم صادر شده بود. از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ شماره محکومیت‌ها مرتباً رو بنقصان بوده است (از ۵۶ به ۴۴)، حال آن که در همین زمان ۰/۲۷ به جمعیت کانادا افزوده شده است.^۱ در انگلستان پس از ۱۹۵۷، که قتل از فهرست جنایاتی که مجازات اعدام دارند حذف شد، بر شماره این جرم افزوده نشده است. بالاخره باید گفت که در یوگسلاوی بعد از اصلاحات ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پس از کاستن از تعداد جرائمی که کیفر اعدام داشت شماره اینگونه جرم‌ها زیاد نشده، با این که در این کشور نیز بطور محسوسی جمعیت افزایش یافته است.

۱۹۸- همین آزمایش کلی در مورد لغو کامل مجازات اعدام نیز بعمل آمده است. در این باره باید مخصوصاً بوضع بعضی از دولت‌ها که پس از لغو اعدام مجدداً آنرا معمول داشته‌اند توجه داشت. در ایالات متحده آمریکا ایالت آریزونا مجازات مرگ را از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ لغو کرده بود. پیش از این اقدام، قتل‌هایی که منجر بمجازات اعدام میشد ۲۰/۵ درصد مجموع جرائم بود. در زمان الغای اعدام این نسبت به ۲۳ درصد افزایش یافت، ولی پس از احیای این مجازات نسبت مذکور به ۲۲/۵ درصد رسید. در کلرادو که

۱- در این مورد خاص باید در نظر داشت که از طرفی قبل از سال ۱۹۵۴

احکام اعدامی که در مورد هتک ناموس صادر میشد بسیار کم بموقع اجرا در می‌آمد. از طرف دیگر در سال ۱۹۶۱ شماره محکومیت‌ها در مورد این جرم به ۶۳ افزایش یافته است.

اعدام بین سالهای ۱۸۹۷ و ۱۹۰۱ لغو شده بود این نسبت، پیش از لغو اعدام ۱۶/۳ درصد و در زمان الغای اعدام ۱۸ درصد جرائم بود و پس از احیای آن به ۱۹ درصد رسید. در ایالت آیوا که مجازات اعدام از سال ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۸ لغو شده بود، نسبت مذکور پیش از لغو اعدام ۲/۶ درصد و در زمان الغای اعدام ۸ درصد بود و پس از احیای آن به ۱۳/۱ درصد رسید. در ایالت کانزاس که لغو اعدام نسبتاً مدتی بطول انجامید (از ۱۸۸۷ تا ۱۹۳۵) نسبت قتل به مجموع جرائم در مدت الغای اعدام ۶/۵ درصد و پس از احیای آن ۳/۸ درصد بوده است. در استرالیا ایالت کوئینزلند مجازات اعدام را در سال ۱۹۲۳ لغو کرد. در این ایالت تناسب میان قتل و سایر جرائم نسبت به هر صد هزار نفر جمعیت بشرح زیر است:

از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۷ - ۳/۶ درصد. از ۱۹۲۳ - سال لغو مجازات اعدام - ۲/۶ درصد. و از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ - ۳/۲ درصد. اما از ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۹ که همچنان الغای اعدام ادامه داشته این نسبت به ۱/۷ تا ۱/۱ درصد تنزل کرده است. **گال جدید جنوبی** الغای اعدام را در سال ۱۹۵۵ تصویب کرد. در این کشور بسال ۱۹۵۱ ده حکم در مورد قتل صادر شده بود، در ۱۹۵۲ دوازده حکم، در ۱۹۵۷ ده حکم، در ۱۹۵۹ دوازده حکم و در ۱۹۶۰ چهارده حکم. ظاهراً بنظر میرسد که در تمام این مدت قتل افزایش مختصری داشته است. اما باید در نظر داشت که در همه جهان جمعیت بطور محسوسی رو بتراید است. در **زاندنو** از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۱ اعدام متوالیاً در عمل متروک شده

و از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۰ رسماً لغو گردیده است، سپس بسال ۱۹۵۱ در قانون مجاز شناخته شده و از ۱۹۵۷ عملاً اجرا شده است. در این کشور بین سالهای ۱۹۱۶ تا ۱۹۳۵ معدل محکومیت در مورد قتل ۲ تا ۳ درصد بوده، جز در سالهای ۱۹۵۵-۱۹۵۶ که تعداد قتل به ۶ تا ۸ درصد افزایش یافته است. در آرژانتین اعدام در سال ۱۹۲۲ لغو شد اما بشرح گزارش این دولت، برغم افزایش مداوم جمعیت در ده سال اخیر، از شماره قتل‌هایی که سابقاً مجازات اعدام داشته کاسته شده است.

۱۹۹- آلمان غربی نیز اطلاعاتی از همین قبیل داده است: در این کشور بسال ۱۹۴۹ اعدام لغو شده است. در سال ۱۹۴۸ شماره قتل‌ها ۵۲۱ بوده است. در ۱۹۵۰ این رقم به ۳۰۱ و در ۱۹۶۰ به ۳۵۵ رسیده که بطور کلی در تنزل دائم بوده است.^۱

در اتریش که مجازات اعدام در سال ۱۹۳۳ دو باره وضع شده بود مجدداً در سال ۱۹۴۵ ملغی گردید، و لغو مجازات به سال ۱۹۵۰ قطعی شد. بموجب گزارش رسیده موارد قتل در این کشور پس از لغو اعدام نقصان یافته، زیرا در پنج سال اخیر آمار این جنایت کمتر از سالهای پیش بوده است. بطور کلی چنین آزمایشی در ممالک اسکاندیناوی مخصوصاً در فنلاند نیز صورت پذیرفته است. در این کشورها نیز آمار قتل پس از لغو مجازات اعدام مرتباً تنزل یافته

۱- با وجود این ملاحظه میشود که در سالهای قبل از الغای اعدام کثرت قتل بسبب آثار و نتایج دوران جنگ و زمان پس از جنگ بوده است.

است. در این ممالک بسال ۱۹۵۰ صدوسی وهفت جنایت مجازات اعدام داشته، اما در سال ۱۹۵۹ این شماره بیش از هفتادونه نبوده است. گزارش دولت نروژ حاکی است که جمعیت این کشور افزایش یافته و پس از سال ۱۸۷۵ از شماره جنایاتی که مجازات اعدام داشته دائماً کاسته شده است. در کشور سوئد نیز که اعدام در سال ۱۹۱۰ عملاً و در سال ۱۹۲۱ رسماً متروک گردیده، و همچنین در کشورهای هلند و دانمارک و بلژیک نیز وضع به همین منوال بوده است. در انگلستان برغم سخت گیری های پی در پی و الغای تقریبی اعدام در عمل، آمار جنایت از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ تغییری نکرده است.

۳- مقایسه شماره اعدام ها با تغییرات جرائم

۲۰۰- در اینجا آمار بیش از هر مورد دیگر بکار می آید، ولی بدبختانه عموماً نقایصی در آمار هست. غالباً آمار احکام اعدام یا جنایاتی که مجازات اعدام دارد بیش از آمار اعدام های اجرا شده در دست است. با وجود این میتوان چند مورد شایان توجه را بوسیله آمار نشان داد.

۲۰۱- در کانادا از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۸ معدل سالانه مجازات اعدام شش بوده است. اما در سال ۱۹۵۲ در این کشور دوازده اعدام و در سال ۱۹۵۳ یازده اعدام صورت گرفته است، یعنی منحنی جرائم در تمام این مدت بطور محسوسی یکنواخت بوده است. در استرالیا ی جنوبی و غربی از سال ۱۹۳۵ معدل سالانه اعدام های اجرا شده ۲ بوده است، در پنج سال اخیر هیچ اعدامی اجرا نشده و

این امر هیچگونه تأثیر محسوسی در منحنی جرائم نداشته است.

۲۰۲- بموجب گزارش دولت اتریش پس از قانونی شدن مجدد اعدام در آن کشور (سال ۱۹۳۴) شماره جرائم رو بافزایش نهاده است. در آن تاریخ مجازات اعدام بیشتر در مورد جرائم سیاسی اعمال میشده. اما تجربه نشانه میدهد که تقریباً در همه جا اعدام در مورد جرائم سیاسی نشانه ازدیاد این نوع جرم است. مورد اثبات این ادعا وضع فدراسیون مالزی است که در سال ۱۹۴۹ مجازات اعدام را در مورد انواع ترور برقرار کرد. اتریش نیز پس از ۱۹۳۴ مصداق دیگر این ادعا است. هر چند که در این کشور حکم مذکور در مورد جرائم عادی نیز تاحدی صادق است.

دوم - اعدام و افکار عمومی

۱- وضع کلی افکار عمومی

۲۰۳ - در بعضی از کشورها، مخصوصاً در آفریقا، مانند کشور
لیبریا لغو مجازات اعدام هیچگاه بطور جدی از طرف هیچ جمعیتی
که نماینده افکار عمومی باشد خواسته نشده است. کشورهای مختلفی
هستند که مجازات اعدام را لغو نکرده اند اما در این کشورها نیز
تلاش های انفرادی یا کوشش های بعضی از جمعیت ها در مسیر لغو
اعدام است. بطور کلی در ممالک اروپائی که مجازات اعدام را حفظ
کرده اند مانند فرانسه، انگلستان، یونان، ترکیه، اسپانیا و شوروی
شاید افکار عمومی رویهمرفته موافق با این مجازات باشد.
گویا در بعضی از موارد افکار عمومی تشخیص امر را بعهده
حکومت یا کارشناسان فن واگذار میکند، مانند استرالیا. اما گاهی
در اروپا و در بعضی از ایالت های متحد آمریکا شمالی عفو محکومین
(و در موارد کمتری رد پیشنهاد عفو) موجب مشاجره های قلمی میشود،
و مسئولان امر از این نظر مورد انتقاد قرار میگیرند. در بعضی از

ممالکی که اعدام را لغو کرده‌اند استقرار مجدد آن گاهی مورد تأیید افکار عمومی قرار گرفته است. اما باید دانست که افکار عمومی در این مورد همیشه ثابت نیست. گویا این امر در **آلمان غربی** تا حد زیادی حقیقت یافته و در **اتریش** کمتر و در **بلژیک** بطور بسیار محدود دیده شده است.

۲۰۴- بموجب اطلاعات جمع آوری شده بعضی از دولتها با اصرار زیاد بر سر لغو اعدام ایستاده‌اند. مانند **آرژانتین** و کشورهای دیگر آمریکای لاتین که اعدام را لغو کرده‌اند. **کشورهای اسکاندیناوی** و **هلند** و **ایتالیا** و تا حد زیادی **سوئیس**، نیز در همین حکم‌اند. در **گواتمالا** هرچند مجازات اعدام هنوز قانونی است گویا نهضتی قوی موافق با لغو اعدام بوجود آمده که موفق شده است حذف اعدام را در مقدمه طرح قانون جزای ۱۹۶۰ آن کشور بگنجاند.

۲۰۵- این کوشش‌ها که بمنظور لغو اعدام صورت گرفته در **انگلستان** نیز همزمان و بعد از فعالیت انجمن پادشاهی در خصوص مجازات اعدام، پیش از وضع قانون Homicide Act در ۱۹۵۷ مؤثر بوده است. همین قانون بنظر گروهی نخستین گام بسوی لغو کامل مجازات اعدام است. این حکم در **کانادا** نیز با توجه به قانون سال ۱۹۶۱ آن کشور صادق است. بموجب گزارش‌های رسیده در **کوبا** و بعضی از ایالات متحد آمریکا که اعدام را لغو کرده‌اند (مانند کالیفرنیا) نیز نهضتی نیرومند برای لغو این مجازات بوجود آمده است. همچنین گفته میشود که در ایالت دلاوار لغو اعدام در سال ۱۹۵۸ با موافقت

افکار عمومی مواجه شده است. زیرا پیشنهاد دهندگان اصلاح مذکور که این کار را نزد رأی دهندگان موجب افتخار خود میدانستند دوباره بوسیله آنان بنمایندگی انتخاب شدند. همچنین گفته میشود که جنبش موافق الغای اعدام در ماساچوست نیز در پیشرفت است و پس از اعدام ساکو و وانزتی^۱ در ۱۹۲۷ توسعه کامل یافته و از سال ۱۹۴۷ نوعی الغای عملی اعدام در این ایالت معمول گردیده است. در نیو هامشایر پس از ۱۹۳۹ کسی اعدام نشده است. نهضت الغای مجازات اعدام در فرانسه نیز به شیوه های مختلف تجلی کرده و بتازگی پیشنهادی مبنی بر الغای مجازات اعدام بمجلس تقدیم شده است.^۲

۲۰۶ - در صورت امکان ، گردآوری نظرها و اندیشه های مختلف طبقات مردم کشورهای جهان درباره اعدام بسیار جالب است. میدانیم که انجام این منظور واستناد بآن جز با احتیاط فراوان عملی نیست ، زیرا برای کسب اطلاع هیچگاه جز نظر عده محدودی تحصیل نمیشود. با توجه باین مراتب اطلاعات زیر را نباید از نظر دور داشت :

در آلمان غربی نسبت رأی موافق مردم در مورد اعدام در سال

۱- Vanzatti- Sacco دو آنا رشیست ایتالیائی مقیم امریکا که در سال

۱۹۲۰ به اتهام قتل بازداشت شدند و با وجود ضعف دلیل از طرف داگاه عالی ماساچوست به مرگ محکوم شدند و پس از مدتی حکم درباره آنان اجرا شد. این امر در داخل و خارج امریکا اعتراضهای فراوان برانگیخت . م .

۲- میدانیم که در انگلستان مجلس نمایندگان در سال ۱۹۴۸ به حذف

اعدام در مورد قتل و در سال ۱۹۵۶ به لغو کامل این مجازات رأی داد.

۱۹۵۲ پنجاه و پنج درصد کل آراء بود، و در سال ۱۹۵۷ هفتاد و دو درصد و در سال ۱۹۵۸ هفتاد و پنج درصد. در کانادا در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ شصت و هشت درصد آراء جمع آوری شده موافق با الغای اعدام بوده است. در ایالات متحده آمریکا رای جوئی «مؤسسه آمریکائی بررسی افکار عمومی» در سال ۱۹۵۵ همین نسبت ۶۸٪ را به دست میدهد. اماد در رای جوئی ۱۹۵۸ مؤسسه Public Pulse آمار زیر بدست آمده است: ۴۲٪ آراء موافق با اعدام. ۵۰٪ مخالف و ۸٪ رأی-دهندگان در این باره نظری نداشته اند. در سال ۱۹۶۰ - ۱۹۵۹ از رای جوئی فقط در ایالت تکزاس این نتیجه حاصل شده است که ۴۹٪ رأی دهندگان موافق با اعدام و ۵۰٪ مخالف با آن بوده اند. در استرالیا، بموجب گزارش یکی از نمایندگان سازمان ملل، آخرین تحقیقات مؤسسه گالوپ حاکی است که بر موافقان لغو اعدام کمی افزوده شده است.

۲۰۷ - در ژاپن در ۱۹۵۶ شصت و پنج درصد رأی دهندگان موافق با اعدام و ۱۸٪ مخالف با آن نظر داده اند. بقیه گفته اند که در این خصوص عقیده ثابتی ندارند. در فنلاند بسال ۱۹۴۸، ۵۸٪ رأی-دهندگان موافق با اعدام بوده اند. در ۱۹۵۳ شصت و هشت درصد و در سال ۱۹۶۱ فقط ۴۶٪ آنان بر این عقیده بوده اند. در سوئد از رای جوئی جدیدی این نتیجه بدست آمده است که ۲۸٪ رأی دهندگان موافق و ۵۵٪ آنان مخالف با اعدام هستند. در نروژ نیز بموجب رای جوئی تازه ای ۱۵٪ شرکت کنندگان موافق اعدام و ۷۰٪

مخالف آن و ۱۵. / دارای رأی نامعلوم بوده‌اند.

۲- عکس‌العمل افکار عمومی در مورد اجرای حکم اعدام

۲۰۸- برای اینکه به بحث درباره افکار عمومی در این مورد خاتمه دهیم، بجاست که عکس‌العمل افکار عمومی را نسبت به اجرای حکم اعدام بدانیم. بدبختانه کسب اطلاعات دقیق در این خصوص، جز تحصیل نظر شخصی بعضی از صاحب‌نظران، دشوار است.

۲۰۹- با این همه میتوان گفت که حذف تدریجی اعدام در ملأ عام نشان می‌دهد که از عکس‌العمل افکار عمومی بیمی هست. در همین اواخر مواردی پیش آمد که بعضی از روزنامه‌نگاران با هیاهو، و گاهی بطرزی زننده، از اعدام بعضی از تبهکاران بدنام اظهار خشنودی کرده‌اند. باوجود این در لحظه اعدام و در مواردی که مطبوعات اجازه تفسیر و تعبیر خبر اعدام را دارند اغلب احساسات ترحم آمیزی در این مورد ابراز میشود.

۲۱۰- هنگامی که در گناه بعضی از محکومین اعدام شده تردید شود (همچنانکه اخیراً در انگلستان و آمریکا مشاهده شده) هیجان حقیقی افکار عمومی احساس میشود. گاهی همین امر طرفداران جدید یا دلایل جدید برای هواداران لغو مجازات اعدام فراهم میکند. اغلب عکس‌العمل مردم در این مواقع محدود به اعتراض برضد اعدامی است که اجرا شده است.

۲۱۱- در کانادا به سبب اجرای اعدامی که در نتیجه سهل انگاری به وضع بدی صورت گرفت و محکوم پیش از اعدام رنج فراوان تحمل

کرد افکار عمومی بشدت به هیجان آمد. برعکس گویا در بعضی از کشورها مانند اسپانیا و شوروی، مخصوصاً هنگامی که جنایات مهمی صورت گرفته باشد، افکار عمومی اعدامهای متعدد را تأیید میکند. ۲۱۲- بدیهی است که مطالعه کامل تری از نظر جامعه شناسی در این باره لازم است.

وضع کنونی موافقان و مخالفان اعدام

۲۱۳- لا اقل از زمان « بکاریا » تا کنون مباحثه ای نظری درباره مسئله اعدام وجود داشته است. لازم به ذکر جزئیات این موضوع نیست که از سال ۱۶۵۱ بحث مذکور بوسیله جرج فوکس (G. Fox) آغاز گردید. وی در نامه هایی که به دادرسان وقت نوشت و مخصوصاً در رساله ای که به سال ۱۶۵۹ ازیر عنوان « به مجلس و دولتهای مشترک المنافع انگلیس » To the Parliament and Commonwealth of England منتشر کرد، اصلاحات مورد نظر خود را ضمن ۵۹ ماده، که یکی از آنها لغو مجازات اعدام جز در مورد قتل با سبق تصمیم (murder) بود، پیشنهاد کرد. این پیشنهاد در آن زمان بسیار جسورانه تلقی میشد. آمریکاییان از استقلال این فکر را پذیرفت. باز هم باید گفت که در اینجا نیازی به یادآوری نظریه های پایان قرن هیجدهم و دوره بشر دوستانه و آزادی طلب قرن بیستم^۱ نیست. در بیست سال اخیر، خواه ناخواه، مجدداً این مباحثه مسئله روز شده است. در این گزارش که مربوط به مجموعه مسائل اعدام است ضروری است که

۱- ظاهراً قرن بیستم اشتباه و قرن نوزدهم درست است . م .

تا حد امکان وضع کنونی هر دو طرف مباحثه را روشن کنیم.

۲۱۴- موضوع سخن ما، نه تکرار علل و موجباتی است که کشورهای لغوکننده اعدام بهنگام الغای این مجازات رسماً اعلام داشته‌اند، و نه مطالعه نظرهای خاص کشورهای مختلف و مکتب‌های آنهاست. بلکه نظر بر این است که توجیهات و استدلال‌های مترقی را که بمنظور هدایت و روشن ساختن افکار به‌میان می‌آید، باختصار بیان کنیم، خواه این استدلال‌ها برای حفظ مجازات اعدام باشد خواه برای الغای آن.

۲۱۵- در مورد حفظ مجازات اعدام اندیشه‌ای که عموماً بیش از همه پذیرفته میشود، جنبه تهدیدکنندگی اعدام است که بر اساس حراست جامعه قرار دارد. مبنای این اندیشه آنست که مجرم اعدام نشده ممکن است آزاد شود یا فرار کند و از این راه خطر ارتکاب جرم جدیدی به‌میان آید. طرفداران این فکر به اصل حقوقی قدرت دولت برای دفاع از خود متوسل میشوند و بسیاری نیز به دفاع مشروع استناد میکنند. بعضی نیز در این خصوص اعدام را امری ضرور و واجب میشناسند و قدرت عمومی را نماینده اقتدار خدا در زمین میدانند.

۲۱۶- بدین ترتیب میتوان استدلالی نزدیک به لزوم کفاره دیدن گناهکار در این اندیشه‌ها یافت. برای توجیه اعدام توسل به این استدلال بیشتر بچشم می‌خورد. طرفداران این فکر عقیده دارند که در مورد جرائم بسیار مهم تنها مجازات شایسته‌ای که ممکن است

جنایت نابخشودنی را محو کند، اعدام است. بعضی دیگر بر این گفته می‌افزایند که بفرض آنکه از نظر فلسفی، مشروع بودن اعدام مورد تردید قرار گیرد، این مجازات بعنوان سیاستی اجتناب‌ناپذیر به منظور حراست جامعه و حفظ نظم اجتماعی لازم است. بر اساس این مقدمه چنین نتیجه می‌گیرند که چون اعدام تنها وسیله طرد کامل مجرم است بنابراین هنگامی که نظم عمومی بسبب وقوع بعضی از جرم‌ها که خطر خاصی دارد تهدید میشود وجود اعدام لا اقل بطور موقت امری است لازم. این نظر کم و بیش مشتق از اندیشه‌ای است که بر اصل «خطرناك بودن» و اصلاح‌ناپذیری بعضی از مجرمان متکی است. بدین ترتیب مجازات اعدام در رأس اقدامات تأمینی طرد‌کننده مجرم قرار می‌گیرد. برخی از صاحب‌نظران با این استدلال طرد «دیوسیرتان اجتماع» را توجیه می‌کنند. این استدلال که جنبه فایده‌تی‌امر را در نظر دارد گاهی با استدلالی دیگر توأم است: بر طبق نظر اخیر دولت حق دارد مقررات اجتماعی را بشیوه‌های غیر قابل انعطاف بر افراد تحمیل کند.

۲۱۷- در کنار این فکر نظریه دیگری است که گاهی «واقع بینی در مبارزه با جرائم» نامیده میشود. بموجب این نظریه باید بر ضد مجرمان یا افراد خطرناك سلاحي بسیار مؤثر به کار برد. بر اساس این معنی بعضی عقیده دارند که حفظ منافع عمومی، که اصول قضائی پشتیبان آنست، مجازات اعدام را ایجاب میکند. این منافع نه فقط شامل زندگی فردی یا بعضی از ارزش‌های فرهنگی است بلکه حتی

شامل بعضی از منافع اجتماعی نیز هست.

۲۱۸ - دلیل عده‌ای دیگر آن است که افکار عمومی معمولاً

با اعدام موافق است و مردم در صورت مجموع، و مخصوصاً مأموران پلیس و مسئولان زندانها، به‌مؤثر بودن اعدام معتقدند و باید عقیده‌این عده را محترم شمرد. چنانکه در صورت حفظ مجازات اعدام، زیان دیدگان احتمالی جنایات نیز حمایت خواهند شد.

گویا در خاورمیانه و آفریقا اساساً اثر تهدیدی مجازات اعدام مورد قبول باشد. بسیاری عقیده دارند که هر چند ممکن است این اثر مورد تردید باشد، اما بهتر است آن را چون امری تحصیل شده و مکتسب تلقی کرد و یا به سبب حفظ امنیت عمومی، اشخاصی را که با این امر سروکار دارند به آن معتقد ساخت.

۲۱۹ - در همین زمینه عده‌ای بر این عقیده‌اند که مجازات

اعدام بدان سبب لازم است که نمیتوان مجازات دیگری را جانشین آن کرد. به عقیده اینان حبس، حتی به مدت‌های طولانی نیز، معنای برای تأمین این منظور کافی نیست. مخصوصاً از این لحاظ که ممکن است بعضی زندانی زودتر از وقت مقرر آزاد شود. بنظر این عده در صورتی که حبس ابد واقعاً دائمی و مجرد باشد چنین حبسی دشوارتر از اعدام است و عقیده دارند که حبس دائم چون هیچگونه امیدی برای محکوم باقی نمیگذارد مانند تهدید اعدام، در محکوم ایجاد پشیمانی نمیکند.

۲۲۰ - بر اساس همین اندیشه نظر دیگری نیز هست که یکسره

مبنای فایده‌ی دارد. بموجب این نظر که در بعضی از کشورها طرفدار دارد، اعدام محکوم موجب میشود که خزانه عمومی و در نتیجه مالیات‌دهندگان از پرداخت مخارج نگهداری دائمی یا دراز مدت مجرمان ضد اجتماعی معاف شوند. و نیز به عقیده عده‌ای اعدام مانع از این میشود که در مورد جنایات مهم افکار برانگیخته مردم، بر اثر اطلاع از اینکه محکوم ممکن است اعدام نشود، منجر به بعضی عکس‌العمل‌ها گردد.

۲۲۱- در مقابل این دلایل که بر طرفداری از مجازات اعدام است کسانی نیز خواستار لغو این مجازات‌اند. امروز دلایل این عده بشرح زیر است:

۲۲۲- مبنای دلیل اول آنست که زندگی بشری و دیعه‌ای مقدس و خدشه‌ناپذیر است. اگر قتل نفس عمدی گناه است دولت و حکومت باید سر مشق این دستور باشد و بعهده اوست که بیش از هر کس احترام به حیات انسانی را تضمین و حراست کند. عده‌ای تا آنجا پیش می‌روند که عقیده دارند اعدام يك فرد مانند آنست که جامعه عضوی از بدن خود را قطع کند. مسلماً دولت، هم حق دفاع از خود دارد و هم قدرت فرمانروائی؛ اما نمیتواند افراد خود را بکشد زیرا با این کار نه تنها جنایت را محو نکرده بلکه جنایتی دیگر نیز بدان افزوده است.

۲۲۳- مخالفان اعدام این دلیل را نیز اضافه میکنند که مجازات اعدام جز از جنبه‌های ذیل قابل توجیه نیست: انتقام اجتماعی، قصاص، و جنبه فایده‌ی امر. اما هر گونه تحول جدیدی بر این اساس

استوار است که مجازات تنها باید اثر پیشگیری از وقوع جرم داشته باشد. بنظر اینان ممکن است پیشگیری از وقوع جرم، جز به وسیله سلب حیات مجرم از راه دیگر نیز تحقق یابد.

این صاحب نظران عقیده دارند که قانونی شناختن اعدام ممکن است به سوء استفاده از آن و سرایت این مجازات به جرمهائی که در حقیقت کیفر اعدام ندارد منتهی شود، و از این حیث خطری بوجود آید. چنانکه در زمان ما نیز شواهدی بر این امر میتوان ذکر کرد. در آمریکای لاتین، صاحب نظران مخصوصاً در باره پیشگیری از سوء استفاده هائی که ممکن است بدین وسیله در راه مقاصد سیاسی صورت پذیرد، اصرار میورزند.

۲۲۴- باز در این زمینه فکری چنین استدلال میکنند که دوران قصاص سپری شده است. اعدام نوعی مرگ قضائی یا قانونی است و وجود اعدام چهره عدالت را کریه می کند. در سالهای اخیر در آمریکا و اروپا در این خصوص تأکید زیاد میشود که صرف وجود اعدام در سلسله مجازاتها به محاکمات جزائی جنبه ای شوم و نفرت انگیز می بخشد، صحت دادرسی را متزلزل میکند، و عدالت جزائی را نامطمئن میسازد. بررسی های جدید جامعه شناسی و روانشناسی قضائی نسبی بودن فوق العاده محکومیت های به اعدام را مدلل می کند.

۲۲۵- همچنین استدلال میکنند که مجازات اعدام متکی به نوعی آزادی مابعد طبیعی اراده بشری است. در صورتی که علوم انسانی ثابت میکند که آزادی متهم در بیشتر اوقات تام و کامل نیست.

بنابر این عدالت مطلق، توهمی است و قصاص تخیلی. وانگهی عدالت بشری چگونه میتواند مسئولیت فردی را بطور مطلق ارزیابی کند؟ در واقع محکوم بخاطر دیگران و برای عبرت مردم قربانی میشود، ولی در این حال کیفر فاقد اساس اخلاقی می گردد.

۲۲۶ - بعلاوه بنظر اینان اعدام دارای آن جنبه تهدیدی که ادعا میشود نیست. دلیل این امر آمار جزائی است که ثابت میکند حتی لغو اعدام موجب افزایش جرائم نمیگردد و این موضوع یکی از دلایل اساسی و قدیم مخالفان را متزلزل میکند.

۲۲۷ - از طرف دیگر به عقیده مخالفان این مجازات، اعدام نه فقط نشانه خشونت و غیر انسانی بودن مجازاتی است که با تمدن مبتنی بر اصول بشریت منافات دارد، بلکه مجازاتی است غیر قابل جبران. و دلیل ضد بشری و خشن بودن آن این است که بنا به تصدیق پزشکان حتی وسیله های جدید نیز نمیتواند مرگ آنی و بی درد ایجاد کند.

برغم تمام اطلاعات رسمی که گاهی برای ظاهر آرائی است و وقوع اشتباه قضائی امری ممکن است و در بعضی موارد تازه، در وجود آن تردیدی نیست. در چنین موردی اعدام جنایتی نابخشودنی است که بردوش جامعه سنگینی میکند.

۲۲۸ - وانگهی جامعه میتواند از راهی دیگر حمایت خود را تأمین میکند، مجازات اعدام راه حل مسامحه آمیزی است که جامعه را از جستجوی وسایل برای مبارزه مؤثر با جرائم و طریقه ای عاقلانه

برای پیشگیری از جرم باز میدارد.

مجازات اعدام از جهتی دیگر نیز غیر عادلانه است زیرا برغم آنچه ادعا میشود، این مجازات تنها در مورد محکوم مؤثر نیست بلکه در نزدیکان او نیز تأثیر دارد و برای تمام خانواده محکوم ننگی بزرگ است. وانگهی این ادعا که تنها مجازات اعدام پشیمانی ایجاد میکند مایه شگفتی است و بدیهی است که این مجازات هرگونه اعاده حیثیت بشر معدوم را ناممکن میسازد. بعلاوه جنبه مطلق این مجازات، تطبیق دقیق آن را با هر یک از درجه های گناه ارتكابی ناممکن میسازد. و هرگونه کوششی برای تشخیص قتل با سبق تصمیم از سایر قتل ها مبنی بر نظر شخصی است. در يك جامعه متمدنی چنین مجازاتی در حقیقت با کیفر واقعی و دقیق منافات دارد.

۲۲۹ - اضافه بر این ، مخالفان اعدام میگویند این ادعا که مجازات اعدام جنبه تهدیدی دارد با اجرای آن در غیر ملایم متناقض است. تماشای منظره اعدام ناگوار تشخیص داده شده است ، و هر زمان بیش از پیش مسلم میشود که خود مجازات اعدام ممکن است نوعی تمایل به جرم ایجاد کند. مخصوصاً در مورد اشخاص غیر طبیعی که برغم تمام احتیاط های قضائی و قانونی در معرض خطر قرار دارند.

بالاخره در بعضی از کشورها اجرای مجازات اعدام . بعامل اجتماعی و نژادی در مورد همه مردم یکسان نیست. بعضی از افراد بعلت نداشتن وسائل مادی دفاع ، و برخی بسبب داشتن موانع اخلاقی

در استفاده از این وسائل، در معرض تبعیض قرار دارند.
 از این مقدمات چنین نتیجه میگیرند که مجازات اعدام بجای
 آنکه مصداق عدالت مطلق باشد در عمل غالباً بصورت بی‌عدالتی
 خاصی نمایان میشود.

۲۳۰- دلایلی را که معمولاً از طرف موافق و مخالف مجازات
 اعدام اقامه میشود برشمردیم. به احتمال زیاد بیشتر این دلایل از
 مدتها پیش تکرار شده است. با وجود این اختلاف درباره اعدام
 باز هم موضوعی تازه است و حتی اختلافی است حاد. و بنظر ما
 درست نبود که در این جا از یادآوری آن دلایل فهرست وار خودداری
 کنیم.

سوم - نظریه متخصصان و سازمانهای صلاحیتدار

۱- عقیده صاحب نظران

۲۳۱- ابتدا باید یادآور شد که میان دانشمندان حقوق جزا عده طرفداران لغو مجازات اعدام بنحو محسوسی زیادتر از مخالفان آنست. متخصصان علوم انسانی، جرم شناسان، جامعه شناسان، دانشمندان علوم جزائی، روانشناسان، پزشکان و صاحب نظران علوم اجتماعی و محققان رشته سیاست جزائی همه با اکثریت عظیمی جزو مخالفان اعدام قرار دارند.

طرفداران مجازات اعدام، جز برخی از سیاستمداران و صاحبان مقامهای دولتی و مصادر امور مهم اجتماعی، بیشتر حقوق- دانان سنت پرست و قضات هستند.

۲۳۲- درباره وضع موافقان اعدام می توان به ملاحظات خاص دو گانه ذیل نیز اشاره کرد:

نخست آنکه طرفداران اعدام معمولاً این مجازات را در

مورد جرائم جدید جایز نمی‌دانند. بنظر اینان فقط بعضی از جرم‌های بسیار نفرت‌انگیز یا جرائمی که برای جامعه خطر بسیار بزرگی در بردارد مستوجب اعدام است. اعدام بنظر همین گروه نیز بی‌پرده- پوشی مجازاتی استثنائی تلقی میشود و در حقیقت جز با این منطق هم توجیه پذیر نیست.

۲۳۳- مورد دوم آنست که عده‌ای از متخصصان، در این باره نظریه‌ای را پذیرفته‌اند که اگر نتوان آنان را «تجربه گرا» نامید باید گفت که در حد وسط موافق و مخالف قرار دارند. در واقع اینان بدان سبب طرفدار اعدام‌اند که چنین مجازاتی عملاً وجود دارد. اگر در نظام حقوقی مورد نظر آنان اعدام حذف میشد، استقرار مجدد آنرا توصیه نمی‌کردند. با وجود این پیش از آنکه بنحوی قاطع مطمئن شوند که لغو اعدام يك اقدام مفید اجتماعی است، در طلب حذف آن نیستند.

۲۳۴- میتوان عقیده کسانی را که طرفدار الغای اعدام در مورد قسمتی از جرائم هستند به نظریه مذکور اضافه کرد. عده‌ای در این خصوص به وضع دولت اتریش استناد میکنند. در این کشور مجازات اعدام وجود ندارد اما هنگام اعلام وضع فوق‌العاده این مجازات پیش‌بینی شده است. متخصصان مختلف درباره این موضوع عقیده «بکاریا» را بصورت‌های تازه تکرار میکنند. این دانشمندان طرفدار جدی لغو اعدام بود، اما امکان استقرار آنرا در مواقع استثنائی پذیرفته بود. از طرفی نیز بیشتر متخصصان عقیده دارند که در زمان

جنگ یا انقلاب یا در مواردیکه در قانون کیفر ارتش پیش بینی شده است، مجازات اعدام را میتوان از نظر قضائی توجیه کرد. بهر حال از نظر جامعه شناسی تجربی، برقراری موقت اعدام در بعضی موارد اجتناب ناپزیر است و بدینگونه الغای کامل و بی قید و شرط اعدام از نظر اینان توهمی و تخیلی است.

۲۳۵- با این همه بیشتر متخصصانی که مشاور ما بوده اند عقیده دارند که در وضع عادی نباید جرائم عمومی یا بعضی از جرمهای سیاسی محض (باستثنای جرمهای نظیر خیانت در زمان جنگ) مجازات اعدام داشته باشد. بدین ترتیب این عده از نظر اصول طرفدار الغای اعدامند.

۲۳۶- این نظریه، اختلافهای مربوط بمجازات را که باید جانشین اعدام شود تشدید میکند که در اینجا مجال بحث مجدد آن نیست. فقط بذکر این نکته اکتفا میکنیم که بعضی از جرم شناسان و کیفر شناسان پیشنهاد میکنند که بجای اعدام مجازاتی واقعاً دائمی بوجود آید که حتی دائمی بودن آن نیز تضمین شود. در مقابل عده ای دیگر از این گروه معتقدند که کافی است قانون فقط آزاد شدن محکوم را پیش از گذشتن مدتی طولانی از حبس او تجویز نکند.

بالاخره بعضی از مصنفان، بخصوص تحت تأثیر وضع خاصی که در بلژیک وجود دارد، عقیده دارند که مسئله مخصوصاً مهم وضع مجرمان غیر عادی و کسانی است که در حالت بیماری خاصی بسر میبرند. حتی در کشورهایی که مجازات اعدام وجود دارد از اعدام

اینگونه اشخاص خودداری میکنند. تجربه نشان میدهد که اغلب اوقات اینگونه اشخاص آسانتر از مجرمان عادی و قابل تربیت آزاد میشوند.

۲۳۷ - این مسئله نه تنها از نظر کیفرشناسی بلکه از نظر فلسفه

جزائی نیز بسیار شایان توجه است، زیرا نشان میدهد که در هر حال مسئله اعدام و مجازات جانشین آن را نمیتوان فقط بر اساس مسئولیت اخلاقی فردی حل کرد. اگر وظیفه اساسی اعدام یا مجازات جانشین آن حمایت از جامعه و افراد فرض شود، باید در نظر داشت که در بسیاری از موارد این منظور بوسیله اقدامات تأمینی بهتر تحقق می یابد تا بوسیله مجازات بمعنای اخص. زیرا جنبه تربیتی مجازات را در وضع کنونی تمدن ما نمیتوان بطور مطلق و قطعی همچنان ثابت پنداشت.

۲۳۸ - این مسئله آخر بسیاری از متخصصان را متقاعد میکند

که مجازات جانشین اعدام حبس موقت باشد. اگر معتقد باشیم که دولت حق ندارد حیات یکی از اعضای جامعه را سلب کند، بر اساس چنین منطقی باید معتقد شویم که يك فرد، حتی مجرم، نباید از هر امیدی محروم شود و باید بتواند روزی بآزادی خود امیدوار باشد. فقط لازم است که قانون يك دوره آزمایشی برای محکوم تعیین کند که قاضی بدان حکم دهد و از طرف مأموران زندان تحت مراقبت قرار گیرد.

این اندیشه بیشتر بوسیله کیفرشناسان و جرم شناسان کشورهای اسکندیناوی و هلند و آمریکای لاتین و ایالات متحد آمریکا و بعضی

از نمایندگان کشورهای مشترك المنافع بریتانیا بیان شده است. ما بیش از این وارد این مبحث نمی‌شویم، زیرا موضوع مذکور مسئله‌ای موبوط به کیفرشناسی است که بامسئله اعدام نباید توأم شود. با وجود این باید بخوبی متوجه بود که به‌نسبتی که مجازات اعدام لغو میگردد، با توجه به معلومات کیفرشناسی جدید، لزوم مطالعه‌ای کامل در باره مجازات جانشین آن احساس میشود.

۲- نظریه مذاهب عیسوی و جمعیت‌های تخصصی

۲۳۹- در میان فرقه‌های مسیحی، مسئله اعدام از نظر مذهبی همچنان مطرح است و گفتگوهای دیرین در این باره ادامه دارد. گفته میشود که اکثر کاتولیک‌ها با اعدام موافقند و نیز هواداران اعدام را در میان طرفداران مذهب کالون بیش از سایر فرقه‌های پروتستان میتوان یافت. حقیقت این است که صاحبان این مذهب از هر دو نظریه موافق و مخالف اعدام، حمایت کرده‌اند.

طرفداران لغو اعدام باین امر استناد می‌کنند که در تورات برای قتل‌هاییل به دست قابیل مجازات مرگ تعیین نشده است (سفر پیدایش، باب چهارم آیه‌های ۲ و ۱۵)^۱ و نیز در انجیل به خطبه مسیح

۱- «...قائن (قابیل) به خداوند گفت عقوبتم از تحمل زیاد است* اینک مرا امروز بر روی زمین مطرود ساختی و از روی تو پنهان خواهم بود و پریشان و آواره در جهان خواهم بود و بی‌شک هر که مرا بیابد خواهد کشت* خداوند بوی گفت هر که قائن را بکشد هفت چندان انتقام گرفته شود و خداوند به قائن نشانه‌ای داد که هر که او را بیابد نکشد». (تورات، سفر پیدایش، آیه‌های ۱۳ و ۱۴). (یادداشت مترجم)

بر کوه (خطبة الجبل)^۱ (انجیل لوقا، باب ششم آیه ۳۵ و انجیل متی باب پنجم آیه ۴۴)^۲ و همچنین به داستان بخشایش زن زناکار^۳ - که در آن زمان مجازات مرگ داشته است - استناد می کنند.

در زمانهای بعد، درباره این استنباط مخالفت‌هایی از زمان

۱- اشاره است به این قسمت از انجیل: «... و گروهی بسیار دیده، بر فراز کوه آمد. وقتی که او (مسیح) بنشست شاگردانش نزد او حاضر شدند* آنگاه دهان خود را گشوده ایشان را تعلیم داد و گفت...» در این قسمت از انجیل مسائل مهم مسیحیت مطرح شده است. (انجیل متی، باب پنجم تا آخر و باب هفتم).

۲- به دشمنان خود مهربانی و احسان کنید، و بدون امید عوض قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود و پسران حضرت اعلی خواهید بود. چون که او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. (انجیل لوقا، باب ششم آیه ۳۵)

«اما من بشما میگویم که به دشمنان خود مهربانی کنید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و بر هر که به شما دشنام دهد و جفارساند، دعای خیر کنید.» (انجیل متی، باب پنجم، آیه ۴۴)

۳- اشاره به داستان زن زناکاری است به نام «راحاب» که جاسوسان یوشع بن نون را که نهانی به شهر او آمده بودند در خانه خود پنهان کرد و در ازای این کمک از آنان قول گرفت که پس از فتح شهر، او و کسانش را نیازارند. جاسوسان بر این پیمان سوگند خوردند. پس از گشودن شهر، به فرمان یوشع «شهر را با آنچه در آن بود به آتش سوزانیدند. لیکن نقره و طلا و ظروف مسین و آهنین را به خزانه خانه خداوند گذاردند و یوشع، راحاب روسپی و خاندان پدرش را با هر چه از آن او بود زنده نگاهداشت و او تا به امروز در میان بنی اسرائیل ساکن است...» (عهد قدیم باب دوم آیه اول. باب دوم آیه‌های ۸ تا ۱۲ و ۱۷ تا ۲۳. باب ششم آیه ۱۷ تا ۲۵) و نیز «به ایمان، راحاب روسپی با عاصیان هلاک نشد...». (عهد جدید، رساله به عبرانیان، باب یازدهم، آیه ۳۱)

(یادداشت مترجم)

سنت اگوستن تازمان سن توماس آکوئینی دیده میشود. سن توماس آکوئینی مجازات اعدام را جایز میدانست.

۲۴۰- در واقع، کلیسای کاتولیک همیشه از این که خود را طرفدار یکی از این دو نظریه نشان دهد، امتناع داشته است. بویژه آن که اختیار اعدام، بر حسب سنن، به حکومت های وقت اختصاص داشته است. گویا در دوران معاصر، توسعه طرفداری از لغو اعدام در فکر معتقدین به این مذهب نیز تأثیری شایان توجه داشته است.

۲۴۱- از طرفی نیز نباید نظریه «کویکر»^۱ ها و تلقی آنان را از مجازات اعدام در مستعمره های پیشین انگلیسی در قاره آمریکا و سپس در ایالات متحد آمریکا، فراموش کرد. همچنین کوششهایی که از طرف نخستین «پیشگامان مذهبی»^۲ در مورد اصلاح وضع زندان ها و اصلاح قوانین مربوط به مجازات در هلند در قرون شانزدهم و هفدهم به عمل آمده و جنبه قصاص نداشته قابل ذکر است. فرقه های مختلف پروتستان، خاصه در کشور انگلستان و ممالک مشترك المنافع بریتانیا، در قرن اخیر، بتدریج به لغو مجازات اعدام نظر داده اند. همچنین باید تصمیمی را که در آوریل ۱۹۶۲ به وسیله «شورای کلیساهای انگلیس»^۳ گرفته شده است ذکر کرد. به موجب این تصمیم حذف مجازات

۱ - Quaker - فرقه ای مذهبی که در قرن هفدهم تشکیل شد و در انگلستان و آمریکا توسعه ای شایان توجه یافت. این فرقه حمل سلاح را حرام میدانست و هر نوع کشتاری را برادر کشی میشمرد. م.

۲ - pionniers

۳ - British Council of Churches

اعدام، یا لا اقل تعلیق آن به مدتی طولانی و کافی، و پیش بینی مجازاتی بجای اعدام که بادقت و مواظبت تعیین شده باشد خواسته شده است.

۲۴۲- گویا کلیسای ارتدکس یونان اساساً با اعدام مخالف است. ولی نیازی نمی بیند که برای این عقیده، توجیهی مذهبی بیابد و نیز دولت را مجاز میدانند که لزوم این مجازات را جایز شمارد.

۲۴۳- همچنین نباید از یاد برد که کوششهای قابل ملاحظه ای برای لغو اعدام از طرف انجمن ها و گروه های مختلفی که بدین منظور تشکیل میشود بعمل می آید. در ایالات متحد آمریکای شمالی کافی است که کوشش شایان توجه «انجمن دوستان مخالف اعدام» را که از سال ۱۶۵۱ آغاز بفعالیت کرده است یادآور شویم.

به توصیه این انجمن در سال ۱۹۲۵ در نیویورک جمعیتی بنام «جمعیت آمریکائی لغو مجازات اعدام»^۲ تشکیل شد که بعداً مرکز آن در سال ۱۹۴۶ به بروکلین (در ماساچوست) انتقال یافت. این جمعیت موجب شد که پس از آن کمیته ها و انجمن های دیگری که امروزه در ۳۴ ایالت از ایالت های متحد آمریکای شمالی میتوان یافت، تأسیس شود. گویا شماره این جمعیت ها در سال های اخیر افزوده شده چنانکه در ایالت نیوجرسی تاکنون سه جمعیت بدین منظور تشکیل یافته است.

۲۴۴- در انگلستان بسال ۱۹۲۵ «شورای ملی لغو مجازات

1- Society of Friends against Capital Punishment

2- The American League to abolish Capital Punishment

اعدام»^۱ تحت حمایت «انجمن اصلاح مقررات جزائی هوارد»^۲ تشکیل شد. جمعیت اخیر هر چند هدف وسیع‌تری دارد اما همیشه از طرفداران جدی لغو اعدام بوده است. انجمن اولی در سال ۱۹۴۸ به جمعیت دوم ملحق شد و لی در سال ۱۹۵۵ مجدداً بانام «مبارزه ملی برای لغو مجازات اعدام»^۳ مستقلاً بکار پرداخت.

کشورهای مشترک المنافع تا حد زیادی از انگلستان پیروی کردند مخصوصاً استرالیا و زلاندنو. در ایرلند نیز به سال ۱۹۶۱ «انجمن اصلاح قانون اعدام»^۴ تشکیل شد. اما این ابتکار موجب شد که در مقابل جمعیتی برای حفظ مجازات اعدام تأسیس شود. این رقابت بسیار کم سابقه است.

همچنین باید مساعی انجمن‌های مهمی از قبیل «جمعیت بین‌المللی زنان حقوق‌دان» را نیز به حساب آورد که هدف آنان وسیع‌تر از لغو اعدام است ولی در جلسه‌های متعدد خود و نیز در بسیاری از اتحادیه‌های ملی خواستار لغو اعدام شده‌اند.

۲۴۵- فعالیت این جمعیت‌ها هم زیاد و هم مداوم بوده است مثلاً^۵ جلسه‌ها تشکیل داده‌اند، در روزنامه‌ها و مجله‌ها مقاله‌ها منتشر

1— National Council for the Abolition of Capital Punishment

2— Howard League for Penal Reform

3— National Campaign for the Abolition of Capital Punishment.

4— Association for the Reform of the Law on Capital Punishment

کرده‌اند، انتشاراتی تبلیغاتی داشته‌اند، مجلس بحث‌های خصوصی و گفت و شنوده‌ای مطبوعاتی تشکیل داده‌اند. همچنین از سخنرانی‌ها و مذاکره‌های عمومی و نطق‌های رادیویی و تلویزیونی برای پیشرفت هدف خود استفاده‌های زیاد کرده‌اند. میدانیم که در بسیاری از کشورها و مخصوصاً در فرانسه فیلم‌هایی درباره لغو اعدام نمایش داده شده است.

۲۴۶- کوشش‌هایی که گفتیم بیشتر در کشورهای انگلستان و آمریکا صورت گرفته ولی این مساعی در کشورهای اروپائی و آمریکائی که مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند و همچنین در ژاپن نیز تأثیر کرده است. بطور مثال باید از فعالیت «جمعیت فرانسوی مخالف مجازات اعدام^۱» نیز نام برد.

با این همه واضح است که اهمیت و تأثیر این انجمن‌ها بیشتر اوقات صرفاً تابع ابتکارهای شخصی است و اساساً امری است متغیر.

چهارم - طرح‌های کنونی درباره مجازات اعدام

۲۴۷ - چه درباره لغو اعدام و چه درباره استقرار مجدد آن همیشه طرح‌های متعددی مطرح بوده و شاید بتوان گفت که این طرح‌ها جنبه همیشگی داشته است. منظور این است که در غالب کشورهایی که مجازات اعدام وجود دارد، طرح‌هایی در خصوص لغو اعدام مرتباً مطرح شده و هر بار بصورت تازه‌تری ارائه گردیده است. طرح‌هایی که راجع به استقرار مجدد اعدام (در کشورهایی که این مجازات لغو شده) مطرح گردیده است از نظر توارد بسیار کمتر از مورد اول بوده است. با وجود این چنین طرح‌هایی وجود داشته و دارد. علت این امر، یا وقوع بعضی از جرائم بسیار نفرت‌انگیز است که افکار عمومی را بهیجان می‌آورد، یا اوضاع خاص سیاسی است.

در کشورهای مختلف مانند ژلاندنو و استرالیا، الغاء یا استقرار مجازات اعدام غالباً تابع تغییر اکثریت نمایندگان مجلس است یا اینکه تابع قدرت یافتن حزبی است که معتقد به بقای مجازات

اعدام است یا بر عکس.

۲۴۸ - با وجود این باید گفت که در دوران کنونی، در قانون بسیاری از کشورها هیچ گونه تغییری بطور جدی مورد نظر نیست. از این قبیل اند کشورهایی که اعدام را قانونی میدانند مانند کشورهای **جمهوری متحد عرب**، **فدراسیون مالزی**، **اسپانیا**، **یونان**، **ترکیه**. همچنین باید متذکر شد که کشورهای **اسکاندیناوی**، **ایتالیا**، **هلند** و اکثریت عظیم کشورهای **آمریکای لاتین** که مجازات اعدام را قانونی نمی شناسند در صدد برقرار کردن مجدد آن نیستند. در **کستاریکا** در این باره گفتگوهای صورت گرفته، اما هیچگونه اقدام واقعی برای احیای مجازات اعدام در **آرژانتین** (که این مجازاف را به سال ۱۹۲۲ ملغی کرده) صورت پذیرفته است: فقط طرحی در این باره به سال ۱۹۳۳ پیشنهاد گردیده که بی درنگ رد شده است. در آخرین طرح قانونی جزای این کشور، موسوم به «طرح سولر Soler» به مجازات اعدام اشاره ای نشده است.

۲۴۹ - برای اینکه بحث در باره برقراری مجدد اعدام را خاتمه دهیم میتوان از دو پیشنهادی که در این خصوص در سوئد به ترتیب در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۳ رد شد یاد کرد. در **سوئیس** پیشنهادی در این باره به سال ۱۹۵۲ مطرح گردید و با اینکه با تبلیغات زیاد و حتی با تأیید جدی صاحب نظران همراه بود مردود گردید.

۲۵۰ - همچنانکه گفتیم طرح های مربوط به لغو اعدام بسیار زیاد است و در کشورهایی که این مجازات را پذیرفته اند هر روز

نیز زیادتیر میشود یا تجدید میگردد.

در فرانسه يك طرح اصلاحی بسال ۱۹۰۶ به مجلس تقدیم شد که تأثیر زیادی داشت و طرفداران بسیار بدست آورد. با وجود این پیشنهاد مذکور در سال ۱۹۰۸ رد شد. در حدود ده پیشنهاد دیگر در فاصله دو جنگ داده شده و چند طرح نیز پس از ۱۹۴۵ تنظیم گردیده است. در این کشور طرح قانونی جدیدی مبنی بر لغو اعدام از طرف نمایندگان در ژوئیه ۱۹۶۲ تسلیم مجلس شده است.

در هند طرحی که شامل لغو مجازات اعدام بود در سال ۱۹۶۱ مردود شد. در ژاپن لغو اعدام بسال ۱۹۵۶ پیشنهاد گردید، گرچه این پیشنهاد رد شد اما مباحثه های فراوانی برانگیخت. کمیسیون اصلاح قانون جزا که هم اکنون در ژاپن تشکیل شده است بی آنکه اعدام را حذف کند پیشنهاد کرده است که جرائمی که مجازات اعدام دارد از سیزده به پنج جرم تقلیل یابد.

همچنین گفته میشود که در **یوگسلاوی** تمایلی برای کاستن از تعداد جرمهائی که مجازات اعدام دارد بوجود آمده است.

۲۵۱- در چندین طرح دیگر نیز بی آنکه مستقیماً حذف کامل اعدام مطرح شود، پیشنهاد شده است که این مجازات در ظرف چند سالی موقوف گردد. چنین پیشنهادی در **انگلستان** در سالهای اخیر به نتایج قابل توجهی رسیده است. در **سیلان** طرحی که مبنی بر تعلیق اعدام بود بسال ۱۹۵۶ مردود شد، در سال ۱۹۵۸ دوباره پیشنهاد

گردید و این بار مورد قبول قرار گرفت اما سال گذشته این اصلاح نسخ شد.

۲۵۲ - بعلاوه تعلیق اعدام ممکن است با تصمیم دولت عملی شود. این اقدام در ردیف حذف عملی و موقعی مجازات اعدام است. در انگلستان هنگام بحث در باره پیشنهاد های کمیسیون پادشاهی و پیش از وضع قانون Homicide Act در سال ۱۹۵۷ چنین کردند. همچنین در ایالت ویکتوریا در استرالیا از سال ۱۹۵۱ مجازات های اعدام مرتباً تخفیف مییابد بدون اینکه دولت قانونی در باره الغاء یا تعلیق مجازات اعدام به مجلس پیشنهاد کرده باشد، و حتی بی آنکه مقام های دولتی در باره این اقدام، چنانکه مثلاً در بلژیک معمول است، تابع قاعده ای رسمی باشند. گویا با این اقدام دولت مشغول تجربه ای در باره لغو محدود مجازات اعدام است، چنانکه در گواتمالا نیز از سال ۱۹۵۶ به بعد چنین است.

۲۵۳ - اکنون وضع خاص ایالات متحد آمریکا را که بسیار پیچیده است در پایان این بحث ذکر میکنیم: در این کشور از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ لا اقل نصف مجالس ایالاتی که مجازات اعدام را حفظ کرده اند پیشنهاد های مربوط به لغو یا محدود کردن اعدام دریافت داشته اند. این جنبش فقط در ایالت دلاور به قانون ۲ آوریل ۱۹۵۸ منتهی شد. پیشنهاد های برای این اساس به دولت مرکزی نیز داده شده و در سال ۱۹۶۰ کمیسیونی از طرف مجلس نمایندگان اقدام به بررسی خاص در باره این مسئله کرده است. در جهت مخالف نیز

برای برقراری مجدد اعدام ، لااقل بطور موقت ، در ایالاتی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند پیشنهادهایی شده که به کمیسیونها ارجاع گردیده است. اما باید گفت که در ده سال اخیر اساساً این پیشنهادها از کمیسیونهای مجالس خارج نشده است.

۲۵۴ - سال ۱۹۶۱ در ایالات متحده آمریکا سالی است که در آن علاقه جدیدی برای تغییر وضع مجازات اعدام به وجود آمده است. در این سال جمعاً ۳۶ پیشنهاد قانونی تسلیم مجالس های ایالات مختلف این کشور شده که از آن میان موضوع ۲۳ پیشنهاد لغو مجازات اعدام بوده است. ولی مضمون دوپیشنهاد این است که دایره اعدام توسعه یابد. چهارپیشنهاد بر این اساس است که وضع قانونی این مجازات تغییر کند. سه پیشنهاد بر این اساس تنظیم یافته که بررسی دقیقی در خصوص مجازات اعدام صورت گیرد و در دو مورد نیز پیشنهاد شده که این مسئله به رأی عمومی مردم واگذار گردد. از این جمله بیست و چهار پیشنهاد بوسیله مجالس های صلاحیت دار رد شده است. در مورد بعضی از آنها نظر کمیسیون مأمور رسیدگی موافق بوده و گاهی نیز این پیشنهادها با اکثریت ضعیفی مردود شده است. در ایالت کالیفرنیا طرح مبنی بر موقوف گذاشتن اعدام بمدت چهار سال، در نخستین رأی گیری، چهل رأی مخالف داشته است. در رأی گیری دوم پیشنهاد با اکثریت ۴۱ رأی رد شده است. باز هم لازم به یادآوری است که گویا آزمایش های محدودی، که بی شك جنبه تجربی دارد، در باره لغو عملی مجازات اعدام، در بعضی از ایالات متحد آمریکا مخصوصاً در ماساچوست و نیوجرسی و نیو هامشایر، صورت

گرفته و می گیرد.

۲۵۵- سرانجام باید گفت که گاهی مواعظ گوناگون از تصویب پیشنهادهای اصلاحی در این باره جلوگیری میکند. چنانکه در آلمان غربی با اینکه گویا تمایلی قوی برای برقراری مجدد اعدام در آن کشور وجود دارد تاکنون طرح هیچ پیشنهادی در این زمینه ممکن نبوده است. زیرا برای تصویب چنین تغییری رأی دو سوم نمایندگان لازم است.

پایان